

اقتصادپیا

اقتصادی، تحلیلی

سال سی و دوم - مهرماه ۱۴۰۴ قیمت: ۵۰۰۰ تومان



◀ سایه‌های جنگ ناترازی‌ها و آینده صنعت

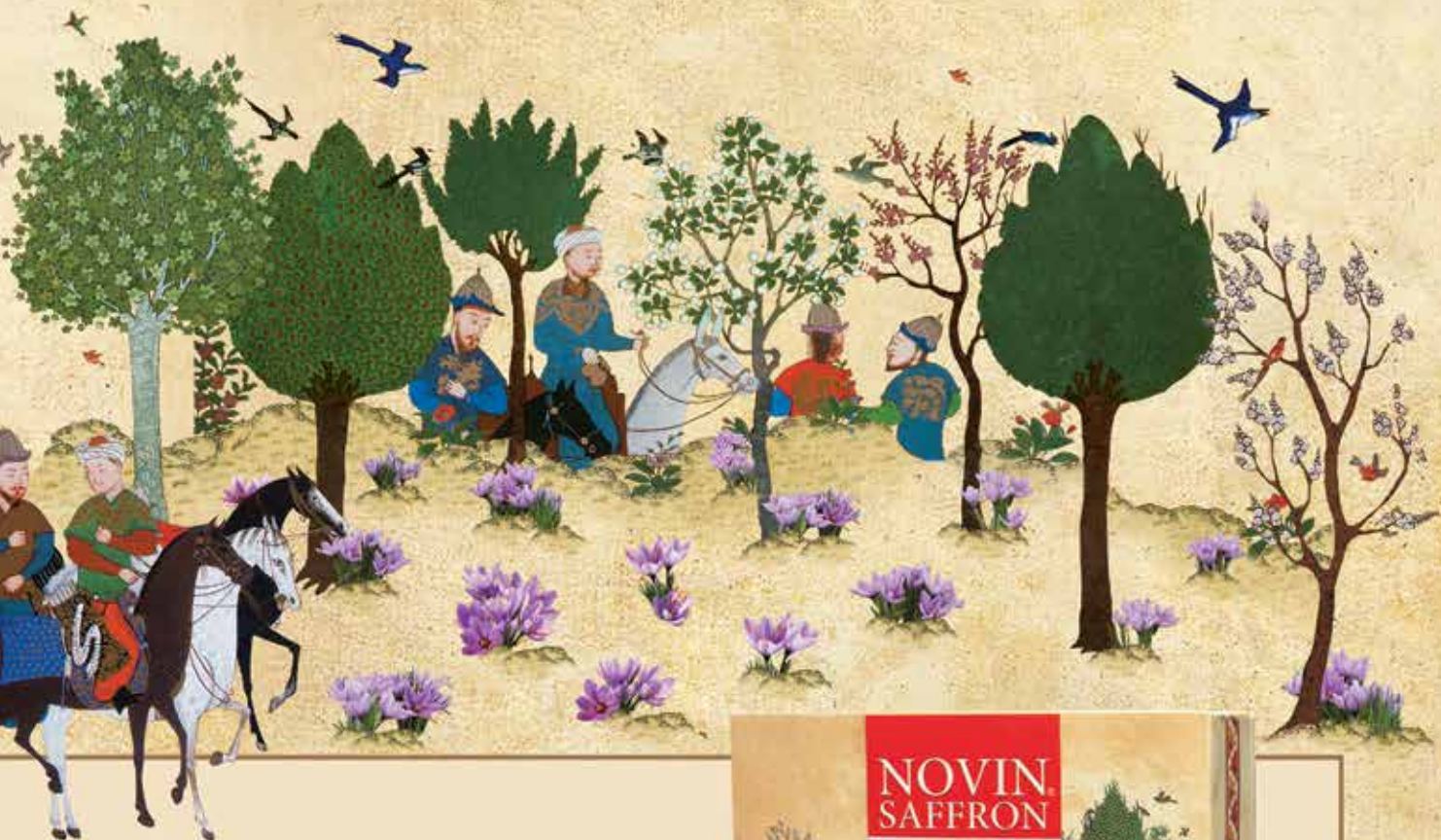
◀ هوش مصنوعی تهدید یا فرصت برای بازار کار

◀ چشم‌انداز اقتصاد سیاسی ایران

◀ چشم‌اندازهای روابط اقتصادی ایران و روسیه در سال ۲۰۲۵

◀ توسعه ایران در محاق

NOVIN SAFFRON



saffron@novinsaffron.com
[novinsaffron](https://www.instagram.com/novinsaffron)
[09123317986](https://www.facebook.com/novinsaffron)
[novinsaffron](https://www.linkedin.com/company/novinsaffron)

کارخانه: مشهد، شهرک صنعتی توس، نیش اندیشه ۶، پردیس نوین زعفران

تلفن: ۰۵۱-۳۲۲۵۳۱۴۷ فکس: ۰۵۱-۳۲۲۵۵۲۲۶

دفتر خدمات مشتریان تهران: اتوبان شهید چمران، پارک وی، خیابان جوانان، ابتدای خیابان ب پلاک ۱، طبقه سوم، واحد ۷

تلفن: ۲۲۰۱۵۸۰۰-۲۲۰۱۱۷۰۰-۲۲۰۱۱۸۰۰



- ۲ یادداشت / اقتصاد ایران در سایه جنگ و تحریم
- ۳ توسعه ایران در محاق
- ۱۲ سناریوهای هفت گانه ایران
- ۱۴ سایه های جنگ ناترازی ها و آینده صنعت
- ۱۶ چشم اندازهای روابط اقتصادی ایران و روسیه در سال ۲۰۲۵
- ۲۰ چشم انداز تولید و مصرف انرژی در دوده آینه
- ۲۲ هوش مصنوعی تهدید یا فرصت برای بازار کار
- ۲۶ دنیای بی مرز تولید
- ۲۸ چرایی مخالفت با تک نرخی شدن ارز
- ۳۱ چشم انداز جدید OECD
- ۳۲ چشم انداز اقتصاد سیاسی ایران
- ۳۴ کاهش شتاب افت شامخ صنعت
- ۳۹ شرط بقا
- ۴۲ چگونه نابری جنسیتی رشد جهانی را کاهش می دهد
- ۴۴ راه های خلاقانه جذب سرمایه برای کسب و کارهای نوپا
- ۴۵ تفویض اختیارات به استانداران عملی شود

صاحب امتیاز و مدیر مسوول:

مهندس حمیدرضا شوشتریان

زیر نظر شورای نویسندگان

سر دبیر:

مهندس حسین کوه زاد

خبرنگار:

جلیل فروتن

گروه ترجمه:

زهرا پزشکی

ویراستار:

احمد حسین زاده

طراحی: هدی امیر

عکس:

حسین نظامی

واحد بازرگانی:

تلفکس: ۰۵۱-۳۸۴۴۳۰۷۴

نشانی:

تهران - بزرگراه مدرس شمال -

خیابان دستگردی - پلاک ۲۳۲

طبقه دوم - واحد ۶

تلفن: ۰۲۱-۲۲۲۶۹۳۳۲

مشهد - خیابان فلسطین فلسطین ۱

ساختمان سروش

تلفکس: ۰۵۱-۳۸۴۲۰۱۱۱

www.eghtesadasia.ir
eghtesadeasia@gmail.com

اقتصاد ایران در سایه جنگ و تحریم

حسین کوه زاد

اقتصاد ایران در پی وقوع «جنگ ۱۲ روزه» و بازگشت تحریم‌های سازمان ملل متحد، وارد فاز جدیدی از چالش‌های ساختاری و رکود تورمی عمیق شده است. این یادداشت با استناد به داده‌های رسمی و تحلیل‌های کارشناسی، به واکاوی آثار این رویدادها بر متغیرهای کلان اقتصادی و چشم‌انداز پیشرو می‌پردازد. تحلیل داده‌های رسمی نشان می‌دهد که ضربه‌های پی‌درپی شوک‌های خارجی، ناترازی‌های داخلی را تشدید کرده و چشم‌انداز رشد اقتصادی را تیره ساخته است.

- رکود در قلب تولید و رشد اقتصادی شکننده

بر اساس گزارش‌های رسمی، نرخ رشد اقتصادی پس از جنگ ۱۲ روزه با افت مواجه شد و رکود در بخش تولید و تقاضا تثبیت گردید. اگرچه بهبودهای جزئی در مردادماه مشاهده شده، اما کارشناسان این رشد را «شکننده و ناپایدار» ارزیابی می‌کنند. این امر هم‌زمان با تشدید فشار بر بودجه دولت صورت پذیرفته است.

- تشدید کسری بودجه و خلق پول افسارگسیخته

کاهش درآمدهای دولت ناشی از جنگ، کسری بودجه را به شدت تشدید کرده و بانک مرکزی را ناگزیر به «خلق پول اضطراری» نموده است. این اقدام مستقیماً به رشد شدید نقدینگی منجر شده، به طوری که رشد نقدینگی در سه‌ماهه نخست ۱۴۰۴ به ۳۲.۴ درصد رسیده که بالاترین نرخ در ۲۶ ماه اخیر است و موتور تورم را با سرعت بیشتری به پیش می‌راند.

- پیش‌بینی انقباض اقتصادی و رکود تورمی شدید

نهادهای بین‌المللی مانند بانک جهانی، با استناد به تأثیر بازگشت تحریم‌های سازمان ملل، کاهش صادرات نفت و افت فعالیت‌های غیرنفتی را پیش‌بینی می‌کنند. بانک جهانی انقباض ۱.۷ درصدی اقتصاد در سال جاری و افت ۲.۸ درصدی در سال آینده را برآورد کرده است. در بُعد تورم، در حالی که سازمان ملل کاهش تورم را پیش‌بینی می‌کند، بانک جهانی مسیر صعودی را ترسیم کرده و رسیدن تورم به ۵۶ درصد در سال ۲۰۲۶ را محتمل می‌داند؛ وضعیتی که کشور را به دوران بحران‌های سال‌های ۹۷ تا ۹۹ بازمی‌گرداند.

- قربانیان اصلی: سرمایه‌گذاری و اشتغال

بحران ساختاری در اقتصاد ایران با «منفی بودن نرخ تشکیل سرمایه» برای پنج سال متوالی، زیرساخت‌ها را تحلیل برده و بهره‌وری را ساقط کرده است. تأیید این رکود عمیق در بخش مولد، با رسیدن شاخص مدیران خرید (شامخ) به ۴۲.۹ و شاخص تولید به پایین‌ترین سطح ثبت‌شده (۳۴۸) از سال ۱۳۹۷، مشهود است. علاوه بر این، بحران اشتغال پس از جنگ، با افت ۸۱ درصدی فرصت‌های شغلی در پلتفرم‌های کاریابی و احتمال از بین رفتن ۴۰۰ هزار شغل تا پایان تابستان، به اوج رسیده است.

سناریوهای پیش‌رو

تحلیل گران چهار سناریو را ترسیم کرده‌اند که از «جنگ بی‌پایان فرسایشی» تا «توافق صلح پایدار و رفع کلی تحریم‌ها» متغیر است. سناریوی محتمل‌تر، تداوم «جنگ اقتصادی تمام‌عیار» با افزایش دو برابری کسری بودجه است.

جمع‌بندی

برای عبور از این دوراهی تاریخی، اتخاذ راهبردهای قاطع ضروری است. اولویت اصلی باید مهار نقدینگی از طریق ابزارهای پولی قاطع، حمایت هدفمند از بخش مولد برای جلوگیری از تعدیل نیرو، و پیگیری فعالانه دیپلماسی اقتصادی برای کاهش تنش‌های خارجی باشد. عدم اقدام هماهنگ و قاطع، اقتصاد ایران را در دام رکود تورمی عمیق‌تر گرفتار خواهد ساخت.

توسعه ایران در محاق؛ چرا برخی کشورها به قله رسیدند، ولی ما در دامنه جاماندیم؟!

ایران در مسیر توسعه صنعتی و اقتصادی خود به دلیل «عدم اهلیت حرفه‌ای» سیاستگذاران، ناتوانی در آینده‌نگری آنها و اسیر شدن در تصمیم‌گیری‌های کوتاه‌مدت و مقطعی در وضعیت خطرناکی قرار گرفته، ضمن ارائه آمارهایی از تولید، واردات و مصرف فرآورده‌های نفتی در ایران نشان داد که از سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۹۹ با اتکاء به داده‌های رسمی وزارت نیرو، حدود ۵۳۶ میلیارد دلار و چنانچه بانرخ اوپک در سال ۲۰۲۰ میلادی این مبالغ تورم‌زدایی شود، ۵۷۵ میلیارد دلار بنزین و گازوئیل مصرف و منابع ذی‌قیمت کشور دود شده و از بین رفته است، اما حتی یک درصد از این حجم عظیم منابع، در تولید محصولی همچون موتور خودرو و صرف نشده تا ایران بتواند کشوری بازیگر در مسیر توسعه صنعتی باشد و نه کشور بازی‌شونده در جهان.



از سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۹۹ با اتکاء به داده‌های رسمی وزارت نیرو، حدود ۵۳۶ میلیارد دلار و چنانچه بانرخ اوپک در سال ۲۰۲۰ میلادی این مبالغ تورم‌زدایی شود، ۵۷۵ میلیارد دلار بنزین و گازوئیل مصرف و منابع ذی‌قیمت کشور دود شده و از بین رفته است، اما حتی یک درصد از این حجم عظیم منابع، در تولید محصولی همچون موتور خودرو و صرف نشده تا ایران بتواند کشوری بازیگر در مسیر توسعه صنعتی باشد و نه کشور بازی‌شونده در جهان. اگر از اولین واردات بنزین که در آمارهای گمرک کشور در سال ۱۲۹۹ شمسی، به مبلغ ۳ میلیون و ۷۹۸ میلیون قران بوده (در آن زمان معادل ۵۲۲ هزار و ۴۲۰ دلار) تا سال ۱۳۷۹ شمسی ارزش واردات را جمع کنیم، عمق ناتوانی در آینده‌نگری بسیاری از تصمیم‌گیران کشور و عدم اهلیت حرفه‌ای آنان برای مناصب اشغال شده‌شان و عمق عقب‌افتادگی کشورمان در علم و فناوری به صورت حسرت‌باری آشکار می‌شود.

سید محمد بحرینیان، پژوهشگر توسعه و صنعتگر با سابقه، با بیان اینکه ایران در مسیر توسعه صنعتی و اقتصادی خود به دلیل «عدم اهلیت حرفه‌ای» سیاستگذاران، ناتوانی در آینده‌نگری آنها و اسیر شدن در تصمیم‌گیری‌های کوتاه‌مدت و مقطعی در وضعیت خطرناکی قرار گرفته، ضمن ارائه آمارهایی از تولید، واردات و مصرف فرآورده‌های نفتی در ایران نشان داد که از سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۹۹ با اتکاء به داده‌های رسمی وزارت نیرو، حدود ۵۳۶ میلیارد دلار و چنانچه بانرخ اوپک در سال ۲۰۲۰ میلادی این مبالغ تورم‌زدایی شود، ۵۷۵ میلیارد دلار بنزین و گازوئیل مصرف و منابع ذی‌قیمت کشور دود شده و از بین رفته است، اما حتی یک درصد از این حجم عظیم منابع، در تولید محصولی همچون موتور خودرو و صرف نشده تا ایران بتواند کشوری بازیگر در مسیر توسعه صنعتی باشد و نه کشور بازی‌شونده در جهان.

وی با تأکید بر اینکه مصرف افسار گسیخته، رشد واقعی اقتصادی رادربی ندارد و مهم‌تر اینکه منابع ملی ذی‌قیمت‌مان نیز حفظ نخواهد شد، یادآور شد: اگر از اولین واردات بنزین که در آمارهای گمرک کشور در سال ۱۲۹۹ شمسی، به مبلغ ۳ میلیون و ۷۹۸ میلیون قران بوده (در آن زمان معادل ۵۲۲ هزار و ۴۲۰ دلار) تا سال ۱۳۷۹ شمسی ارزش واردات را جمع کنیم، عمق ناتوانی در آینده‌نگری بسیاری از تصمیم‌گیران کشور و عدم اهلیت حرفه‌ای آنان برای مناصب اشغال

شده‌شان و عمق عقب‌افتادگی کشورمان در علم و فناوری به صورت حسرت‌باری آشکار می‌شود.

بحرینیان با مقایسه سیاست‌های صنعتی ایران با نمونه‌های موفق جهانی مانند کره جنوبی و چین، خاطر نشان کرد: بی‌توجهی به مدیریت منابع، سرمایه‌گذاری ناکارآمد و وابستگی روزافزون و بی‌محابا به واردات، باعث شده کشور از مسیر توسعه پایدار دور شده و در کمال تاسف فرصت‌های طلایی بی‌نظیری را از دست بدهد و از این رو در موقعیتی ضعیف در اقتصاد جهانی قرار گیرد.

وی همچنین به مشکلات ساختاری ناشی از تصمیم‌گیری‌های ناهماهنگ، فساد، سوءمدیریت، مسئولیت‌گریزی فزاینده قوای مجریه و مقننه و ضدیت با تولید صنعتی اشاره کرد و با بیان این پرسش که با این همه منابع و ظرفیت داخلی، چرا ایران هنوز گرفتار وابستگی و اقتصاد مصرف‌محور است، گفت: به عنوان مثال نه تنها تصمیم‌گیران در شرایط تحریم و بحران در ناترازی برق، کمکی به صنایع کشور نمی‌کنند، بلکه برخلاف اکثریت کشورها، صنایع ایران را مجبور می‌کنند و آمرانه می‌گویند باید از انرژی تجدیدپذیر استفاده کنند. متأسفانه گویی راه حل تمام مشکلات کشور، تخصیص و حیف و میل کردن منابع با ارزش ارزی، از طریق واردات است و نه تهیه یک برنامه قابل قبول جهت سرمایه‌گذاری در تولید آن محصولات و ایجاد یک خط تولید داخلی؛ آن‌هم برای شکوفایی و رهایی از ریخت و پاش‌های ارزی. این کار آینده‌فروشی ایران است. آینده ایران و توسعه ایران را با این تصمیم‌ها می‌فروشیم و به آن چوب حراج می‌زنیم.

متن گزارش این سخنرانی را در ادامه می‌خوانید:

ویرانی‌های جنگ را مایه عبرت نکردیم سید محمد بحرینیان، پژوهشگر توسعه و صنعتگر با سابقه در نشست «توسعه ایران در محاق؛ چرا برخی کشورها به قله رسیدند، ولی ما در دامنه جاماندیم؟! موردکاوی بیماری مزمن عدم اهلیت حرفه‌ای و ناتوانی

در آینده‌نگری» که در فرهنگستان علوم برگزار شد، ضمن ادای احترام به شهید، به مقایسه نحوه برخورد جوامع مختلف با آثار ویرانگری‌های جنگ پرداخت و گفت: در کشورهایی مانند ژاپن و آلمان، برخی مکانها و آثار جنگ را حفظ کرده‌اند تا نشان دهند جنگ چه بدبختی‌ها و خسارات بزرگی به همراه دارد و این کار شوخی و بازی نیست، بلکه بسیار جدی است. اما در کشور ما، اماکنی عمومی که در جنگ تحمیلی هشت ساله تخریب شده بود، به عنوان عبرت‌نگه داشتند و مالکان و سرمایه‌داران و بورژوازی کژکارکرد مستغلات که بیم آن می‌رود از ذینفعان جنگ و تحریم باشند، برج‌ها و مال‌های تجاری ساختند.

بانهادهای پوسیده نمی‌توان به بهبود امید داشت بدون اصلاح نهادها، امید به آینده در حد شعار می‌ماند

وی توضیح داد: برای تشریح موضوع این ارائه، نیاز دارم ابتدا گفتارها و سوابقی را شرح دهم. در توسعه عوامل مختلف ساختاری وجود دارد و ما در ایران در این زمینه‌ها عقب هستیم و نتوانسته‌ایم مسیر درست را پیش ببریم و شاید گفته‌های اینجانب احساس ناامیدی را ایجاد کند، لذا با توجه به بیان استاد داوری اردکانی در بخشی از کتاب ارزشمند «بلای بی‌تاریخی و جهان بی‌آینده» که تاکید می‌کنند: «می‌دانم کسانی خواهند گفت که این حرف‌ها ترساندن مردمان و نوید کردن آنان است. اما اگر آمیدی باشد، مردمان با حرف نوید نمی‌شوند و اگر امید نباشد، غفلت از آنچه پیش می‌آید، چاره کار نیست. درد و گرفتاری را باید شناخت، زیرا این شناخت می‌تواند مقدمه گشایش چشم‌انداز امید و پدید آمدن همت رهایی و رهپویی باشد. پس خطر بزرگ را کوچک نینگاریم و پنهان نکنیم و تا آنجا که می‌توانیم، امید گشایش را در دل نگاه داریم.» بر این باورم که ظرفیت‌دانی نخبگان کشور عزیزمان هنوز توانایی غلبه بر مشکلات حاد و بحرانی را دارد و جوانان هوشمند قادر هستند با اتکاء به ظرفیت نخبگان، مسیرهای بدیع را در مقابل کشور گشوده و توانایی شکل دادن به ابر قدرتی در منطقه را ایجاد نمایند، اما با این ساختار و نهادهای پوسیده و فشل، نمی‌توان به بهبود امید داشت.

درک درستی از قدرت اقتصادی و تولید فناوری نداریم

بحرینیان ادامه داد: هنوز پس از بیش از یک سده شکل‌گیری دولت مدرن در ایران، سردرگم هستیم که اقتصاد قدرت می‌آورد یا خیر یا منشأ قدرت اقتصاد کدام بخش است، چرا که تصمیم‌گیران نپذیرفتند صنعت منشأ قدرت اقتصاد است. کافی است وضعیت کشورهای قدرت‌یافته را ببینند! هاجون چانگ می‌گوید «اقتصاد زبان قدرت است و همه ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد، پس بهتر است درباره آن بدانیم»، اما در کشور ما گویا اقتصاد اهمیت ندارد و زبان قدرت محسوب نمی‌شود و تبعات آن در جامعه با گوشت و پوست مان قابل لمس است. امروز ابر قدرتان در دنیای داند برای حفظ قدرت خود باید اقتصادی قوی داشت. اقتصاد قوی نتیجه تولید صنعتی فناوریانه محور است. کشورهای قدرتمند دنیا؛ امروز در صنایع مهم، پیشران و استراتژیک با هم رقابت می‌کنند و جذب دانش و فناوری و تولید بومی آن، برای آن‌ها به مسئله بقا و حذف قدرت تبدیل شده است. اما متأسفانه در کشور مادرک درستی از قدرت اقتصادی و تولید صنعتی فناوریانه محور و حمایت‌های لازم از آن وجود ندارد. صنعت و اقتصاد را به حال خود رها کرده‌ایم و از عدم حمایت و ضعف آن ترسی به دل راه نمی‌دهیم.

وی با انتقاد از واژه‌ها و اصطلاحات رایج در کشور، گفت: متأسفانه در ایران اصطلاحاتی مثل کولبری، شوتی، سوخت‌بری، ته‌لنجی، بساطی‌ها و دادزنی و امثالهم رواج یافته‌اند که در کشورهای دیگر حتی نمی‌توان چنین عباراتی را دید. سپس پرسید: آیا واقعاً قیمت ارز در کشور ما باید ساعت ۱۱ صبح در شهرهایی مانند دوی، سلیمانیه یا هرات تعیین شود؟ با این همه منابع غنی، ما چه اقتصادی ساخته‌ایم؟

غیرت اجازه رها کردن وطن را نمی‌دهد، اما جهل هم نباید آن را بدمرمت کند

بحرینیان برای نشان دادن مذمت نمایش‌ها و تبلیغات بی‌پایه که در کشور رایج شده، به

گفته‌ای از ملاصدرا در کتاب «مردی در تبعید ابدی»، نوشته زنده یاد نادر ابراهیمی اشاره کرد: «ویرانه‌ای است این جهان، عمر کفاف نمی‌دهد که آباد کنی، غیرت رخصت نمی‌دهد که رها کنی. اینگونه ویرانه رها کردن نشانه دنائت است و جاهلانه مرمت کردن نشانه رذالت. آبادسازی یک گوشه گم جهان به دست ما، آبادسازی کل عالم است به دست همگان.»

توصیه‌های علمی در کشور رنگ سیاست به خود گرفته است

این پژوهشگر برجسته کشور همچنین برای نشان دادن یکی از عوامل عقب ماندگی کشور یعنی تن دادن دانشمندان به خواسته‌های غیر عقلانی سیاستمداران به نقلی از اندیشمند فرانسوی، پی‌یر بوردیو، که جوزف استیگلیتز، نوبلیست اقتصاد در کتاب «جهانی سازی و مسائل» ذکر کرده، پرداخت و گفت: سیاستمداران نیاز دارند مثل دانشمندان عمل کنند و وارد بحث‌های علمی بشوند که مبتنی بر قرائن و شواهد متقن است. متأسفانه اکثراً عکس این روی می‌دهد، یعنی دانشمندان در ارائه توصیه‌های سیاست‌گذاری، سیاست‌زده می‌شوند و شواهد را چنان تغییر می‌دهند که با تمایلات مسئولان بخواند.

تصمیم‌گیران ما تنها آثار فوری سیاست‌های پنهان، نه پیامدهای پنهان آنها

فقدان آینده‌نگری و اهلیت حرفه‌ای، اقتصاد را گرفتار خیر کوچک و شر بزرگ کرده است

در ادامه وی برای نشان دادن ناتوانی در آینده‌نگری و عدم اهلیت حرفه‌ای بسیاری از تصمیم‌گیران اقتصاد در کشور و دلایل آن به نقلی از فردریک باستیا اقتصاددان فرانسوی (۱۸۵۰-۱۸۰۱ میلادی)، اشاره کرد: در حوزه اقتصاد، یک عمل، یک عادت، یک نهاد یا یک قانون فقط دارای یک تأثیر واحد نیست، بلکه زنجیره‌ای از تأثیرات را به دنبال دارد. از میان این تأثیرات، اولین اثر فوری است و همزمان با علت خود ظاهر می‌شود. این اثر دیده می‌شود، اما آثار بعدی

متعاقب آن بروز می‌کنند و دیده نمی‌شوند. اگر بتوانیم آنها را پیش‌بینی کنیم موفق خواهیم بود. بین یک اقتصاددان بد و یک اقتصاددان خوب، فقط یک تفاوت وجود دارد؛ اقتصاددان بد، خود را به تأثیرات قابل مشاهده محدود می‌کند، در حالی که اقتصاددان خوب، هر دو اثر را در نظر می‌گیرد؛ یعنی آنچه را که دیده می‌شود و هم آنچه را که باید پیش‌بینی کرد. تفاوت بیان شده بسیار بزرگ است؛ به همین دلیل تقریباً همیشه هنگامی که عواقب فوری خوشایند می‌باشند، عواقب بعدی فاجعه‌آمیز هستند و بالعکس. اقتصاددان بد، خواهان خیری کوچک اما آنی است که شری فاجعه‌آمیز به دنبال دارد؛ اما یک اقتصاددان خوب طالب یک خیر عظیم است، حتی اگر دستیابی به آن مستلزم پذیرش خطرات اندکی در زمان حال باشد.

واردات بی‌رویه، صنعت کشور را در برابر شوک‌های خارجی بی‌دفاع کرده است

این صنعتگر با سابقه کشورمان در ادامه، در نقد واردات افسار گسیخته که تبعات آن گریبانگیر مردم کشورمان می‌شود با نقل قولی از آرتور شوپنهاور، فیلسوف آلمانی (۱۷۸۸-۱۸۶۰ میلادی) مبنی بر اینکه «همانطور که کشوری که نیازی اندک به واردات دارد یا از آن بی‌نیاز است، خوشبخت‌ترین کشورهاست، انسانی که به قدر کافی غنای درونی دارد و برای تفریح به چیزی از بیرون نیاز ندارد یا فقط اندکی نیاز دارد، سعادت‌مند است، زیرا واردات بهایی گزاف دارند، وابسته می‌کنند، خطراتی به همراه می‌آورند، موجب گرفتاری می‌شوند و جایگزین بدی برای محصولات داخلی اند، زیرا از دیگران، یا به طور کلی از بیرون از هیچ نظر نمی‌توان انتظار چندانی داشت»، افزود: در جنگ تحمیلی اخیر تبعات این وابستگی صرف را دیدیم. یا اخیراً شاهد بودیم تحت عنوان واژه بزک شده به اصطلاح تولید، قطعات تلویزیون وارد ایران شد و اخیراً با یک حرکت ساده فناوریانه سازنده اصلی در کشور خارجی، همه آنها برای مدتی بی‌استفاده شد.

بازار بیگانه نمی‌توان با بیگانه جنگید

کشوری که ابزار خود را نمی‌سازد، بازیگر نیست، بازی شونده است وی تأکید کرد: بازار ساخت بیگانه، نمی‌توان با بیگانه مبارزه کرد. تازمانی که تولید صنعتی فناوریانه محور را در کشور بومی نکنیم و خودمان نتوانیم در مرز دانش و تولید علم و فناوری حرکت کنیم، باید دائم دست نیاز به سوی کشورهای خارجی دراز کرده، منابع با ارزش ارزی و اشتغال جوانان خود را تقدیم آن‌ها و همواره کشوری بازی شونده در جهان باشیم.

اثرات محدود تصمیم‌های عاقلانه پس از مشروطه، کشور را روی پانگه داشته است

باهر بحران کمر کشور خم می‌شود اما نمی‌شکند، ولی این دوام پایدار نیست بحرینیان ضمن تأکید بر مواجهه کشور با عدم اهلیت حرفه‌ای در میان سیاست‌گذاران، نگاه سطحی به توسعه را نقد کرد و گفت: اگر اثرات دوره‌های محدود تصمیم‌گیری‌های عاقلانه پس از مشروطه تاکنون نبود، کشور امروز نمی‌توانست روی پای خود بایستد و توانمندی حل مشکلات مهلک را نداشت. شاهد هستیم که با هر بحران؛ کمر کشور خم می‌شود، اما نمی‌شکند. اما باید هشدار داد که این وضعیت برای همیشه دوام نخواهد داشت و با توجه به تغییرات سریع تکنولوژی در جهان و آگاهی بسیاری از کشورها از این موضوع و سرمایه‌گذاری برای تولید و فناوری‌شان، اقتصاد ما هر روز شکننده‌تر می‌شود و از سایر کشورها عقب می‌ماند و این موضوع ما را فرسوده‌تر می‌کند، پس باید چاره‌ای اساسی برای آن اندیشید. تاکی می‌خواهیم بنشینیم و نظاره گر رشد و پیشرفت تولید فناوریانه و افزایش قدرت اقتصادی سایر کشورها، خصوصاً کشورهای همسایه خود که ماروزی بسیار برتر از آنها بوده ایم باشیم و اقدامی اساسی در جهت حفظ قدرت و اقتدار خود در جهان و منطقه انجام ندهیم.

خیابان قشنگ و چراغ نصب کردن را با توسعه اشتباه گرفته ایم

وی برای روشن کردن عدم اهلیت حرفه‌ای که کشور را به این وضعیت خطرناک اقتصادی و

غیب و معاد حاکم باشد و مردمانش از سودای مصرف آخرین تکنولوژی های ساخته جهان توسعه یافته آزاد باشند و با همدلی و هماهنگی برای معاش توأم با اخلاق بکوشند، شاید افقی پیش رویمان گشوده می شد.»

توهم قدرت در کشورهای متکی به منابع معدنی تبعات مهلکی دارد

افزایش ناگهانی در آمد نفتی ایران، تصور رفاه مطلق ایجاد کرد نمونه و نزوئلا نشان می دهد حتی با منابع عظیم، موفقیت بدون مدیریت علمی و فناوریانه ممکن نیست

این پژوهشگر توسعه سپس برای نشان دادن تبعات مهلک ناشی از «توهم قدرت» در کشورهای متکی به منابع معدنی زوال پذیر، به کتاب «معمای فراوانی» اشاره کرد و با بیان اینکه نویسنده این کتاب با طرح پرسش جان استوارت میل که «چگونه می توان وقوع مکرر الگوهای مشابه در کشورهای مختلف را توضیح داد؟» اشاره کرد و برای کمک به نکات خود به مصاحبه محمدرضا شاه با پیترو اسنو خبرنگار تلویزیون انگلیس که در روزنامه کیهان مورخ ۱۰ بهمن ۱۳۵۲، زمانی که درآمدهای نفتی ایران یک باره سه برابر شد، پرداخت که گفته بود «شاهنشاه فرمودند حتماً. زیرا من تصور می کنم که کشور ما ظرف ده سال آینده، آنچنان خواهد شد که اکنون شما هستید. این را فقط من نمی گویم، بلکه بنا به اظهار اشخاص دیگر، ظرف ۲۵ سال آینده، ایران در جرگه پنج کشور پر رونق و مرفه جهان قرار خواهد گرفت. البته هنگامی که کشوری چنین وضعیتی پیدا می کند روش عمل آن هم به همان منوال دگرگون می شود. بعضی از اقدامات آن بر اساس جهانی، بدون هیچگونه عقده ای و با شناخت تمامی ساختمان سیاست جهانی خواهد بود.» در طرف دیگر به فاصله چند ماه از یکدیگر، کارلوس آندره پرز، رئیس جمهور ونزوئلا نیز با استناد به کتاب «معمای فراوانی» نوشته «تری لین کارل» صحبت های مشابهی را شاهدیم: «شمای بازیگران در این دگرگونی بزرگ ملی هستید که ونزوئلا را به یکی از کشورهای بزرگ جهان تبدیل می سازد... ونزوئلای بزرگ، چون که همه ونزوئلایی های ما می توانند کار کنند. یک ونزوئلای بزرگ چون آینده و رفاه هر عضو جامعه ملی ما تامین خواهد شد. یک ونزوئلای بزرگ چون ما می دانیم چگونه از ابزارهای علم و فناوری برای متحول کردن منابع طبیعی کشورمان استفاده کنیم، به طوری که ما، با شخصیت و صدای خاص خودمان، به باشگاه ملت های بزرگ جهان می پیوندیم.»

حتی با در آمد نفتی عظیم، بسیاری کارها بدون مدیریت علمی و برنامه ریزی ممکن نیست

و با استناد به مصاحبه محمدرضا شاه با کیهان در ۳ آبان ۱۳۵۵، به پاسخ شاه در برابر

حتی سیاسی رسانده، به مصاحبه غلامحسین کرباسچی در هفته نامه «تجارت فردا» شماره ۷۱ در سال ۱۳۹۲، اشاره کرد: «اما نمی دانستیم برای حفظ این دستاوردها، ضمن معتقد و متعهد بودن، باید تخصص هم داشته باشیم... ما به خوبی نتوانستیم از آن حراست کنیم... اما خیلی از آنها متخصص نبودند. آنها با آزمون و خطا بنای رویه های غلطی را گذاشتند که کودک امروزی دارد تاوانش را می دهد... برخی خیابان قشنگ با نصب چراغ و دیگر جلوه های ظاهری را با توسعه اشتباه گرفته اند. در واقع برخی فکر می کنند با اجرای پروژه های مختلف می توان به توسعه رسید، غافل از آنکه توسعه یک فرآیند مستمر و دائمی است.»

اقتصاد مصرف گرا توان حل مشکلات کشور را ندارد

حل مشکلات پایدار نیازمند تولید و همدلی اجتماعی است، نه مصرف آخرین تکنولوژی های جهان توسعه یافته بحریینان برای نشان دادن نوع غلط شکل گیری اقتصاد در کشور و دلایلی که نمی توانیم به صورت پایدار مشکلات کشور را حل کنیم، به نظریه ژان بودریار، جامعه شناس فرانسوی، که دکتر حسینی نوذری در کتاب «صورت بندی مدرنیته و پست مدرنیته» نقل کرده، اشاره کرد: «در جامعه ای که بر مبنای مصرف سازماندهی شده است و نه بر مبنای اصول تولید، مقولات اقتصادی نظیر نیازمندی های مادی، عرضه، تقاضا، تورم، بحران، رکود، بیکاری، توزیع سود، دستمزد و... برای تجزیه و تحلیل ماهیت و کارکرد اشیاء و کالاها نامناسب و غیر مؤثر هستند.» همچنین به نظر استاد داوری اردکانی در نامه ای که به یادداشت دبیرخانه هم اندیشی اسلامی، بیان نموده اند، اشاره کرد: «در این مورد هم توجه داشته باشیم که علم و جامعه با هم قوام می یابند. جامعه کنونی ما جامعه توسعه نیافته است. این جامعه همه نیازهای جامعه مدرن را دارد بی آنکه از توانایی های آن برخوردار باشد. اگر می توانستیم خود را از این وابستگی نجات دهیم و راه رسیدن به جامعه ای را بیابیم که در آن روح دینی یعنی اعتقاد به توحید و عالم

معادل ارزش دلاری مصرف بنزین و گازوئیل (به قیمت جاری) در ایران، سال های ۱۳۹۹-۱۳۸۰

نوع محصول	داده های بانک مرکزی	نوع محصول	داده های وزارت نیرو (ترازنامه انرژی)
بنزین در طی سال ۱۳۸۰ - ۱۳۹۹ (لیتر)	381,786,725,950	بنزین در طی سال ۱۳۸۰ - ۱۳۹۹ (لیتر)	228,743,961,983
گازوئیل در طی سال ۱۳۸۰ - ۱۳۹۹ (لیتر)	469,637,053,900	گازوئیل در طی سال ۱۳۸۰ - ۱۳۹۹ (لیتر)	307,392,955,992
جمع کل (میلیارد لیتر)	851	جمع کل (میلیارد لیتر)	536

معادل ارزش دلاری مصرف بنزین و گازوئیل (به قیمت ثابت سال ۲۰۲۰) در ایران، سال های ۱۳۹۹-۱۳۸۰

نوع محصول	داده های بانک مرکزی	نوع محصول	داده های وزارت نیرو (ترازنامه انرژی)
بنزین در طی سال ۱۳۸۰ - ۱۳۹۹ (لیتر)	381,786,725,950	بنزین در طی سال ۱۳۸۰ - ۱۳۹۹ (لیتر)	246,916,326,534
گازوئیل در طی سال ۱۳۸۰ - ۱۳۹۹ (لیتر)	469,637,053,900	گازوئیل در طی سال ۱۳۸۰ - ۱۳۹۹ (لیتر)	329,033,071,177
جمع کل (میلیارد لیتر)	851	جمع کل (میلیارد لیتر)	575

هر کشور خود ذینفع باشند، ۳- تصمیم گیران در اقتصاد هر کشور تحت نفوذ عوامل بیگانه باشند، ۴- تصمیم گیران در اقتصاد هر کشور خود عامل بیگانه باشند.

از شاه عباس تا امروز، اهمیت ایران توسط سیاستمداران درک نشده است

بحرینیان با طرح این پرسش که آیا تصمیم گیران کشور طی ۲۰۰ سال گذشته و به ویژه پس از مشروطه، اهمیت ایران را به درستی تشخیص داده اند، پاسخ داد: پس از شاه عباس اول تا امروز، به دلیل عقب ماندگی از علوم و فنون جهان و نقش نداشتن در تولید آنها، اضمحلال ما آغاز شده است. آنها اهمیت ایران را نتوانستند تشخیص دهند.

بی اعتنایی به هشدارهای نخبگان، مصائب امروز کشور را رقم زده است

شکوه و عزتمندی ملی با بازگرداندن اعتبار به نخبگان و تولیدگران واقعی محقق می شود و بی بیان بی اعتنایی حاکمیت های ایران به هشدارها، اندازها و نظرات نخبگان دلبسته به منافع ملی ایران و مطرود نمودن آنها، به نظرات زنده یاد مهندس عزت الله سحابی در نامه تیرماه ۱۳۷۶ خود به رئیس جمهور خاتمی و نظرات زنده یاد دکتر حسین عظیمی آرانی در کتاب «ایران امروز در آینه مباحث توسعه» در سال ۱۳۷۸ که وضعیت ایران در زمان حال را در خشت خام دیدند و به درستی هشدار دادند، اشاره کرد. از سوی دیگر، به پژوهشی در سال ۱۹۹۷ اشاره کرد که وزارت دفاع آمریکا آن را به حدود ۲۰۰ نخبه آمریکایی سپرد تا امنیت آمریکا در ربع اول قرن بیست و یکم را بررسی کنند. در کمال حیرت مشاهده شد که ۹۰ درصد پیش بینی هایی که در این کتاب آمده بود، محقق شد. صحت نظرات و هشدارهای زنده یادان اندیشه ورز کشورمان کاملاً اثبات گردید. این موضوع نشان می دهد که نجات کشورمانیز در دستان نخبگان دلبسته به منافع ملی است. این کشور، نخبگان و اندیشمندان با تجربه و دلسوز فراوان دارد. باید به آنها اعتماد کرد و از آنها برای برون رفت از گرفتاری های موجود کمک خواست و دست یاری به سوی آنها دراز کرد. آنها را باید به دایره تصمیم گیریهایی توسعه کشور وارد کرد و نتیجه را دید. مصائب و مشکلات امروز کشورمان نتیجه قهر با نخبگان و اندیشمندان با تجربه و دلسوز و نادیده گرفتن تولیدگران واقعی است. راه نجات کشور آشستی دوباره با این دو گروه است که هر دو، دل در گروی منافع ملی این سرزمین دارند. نخبگان و اندیشمندان با تجربه، با سیاست های درست در جهت هدایت اقتصاد و تولیدگران واقعی با ایجاد اشتغال، ارزش افزوده با کیفیت و ارزش آوری در خدمت این کشور خواهند بود. شکوه و عزتمندی ما با برگرداندن شکوه و عزتمندی به نخبگان و اندیشمندان با تجربه و دلسوز و تولیدگران واقعی محقق خواهد شد.

شناخت جایگاه استراتژیک ایران، شرط اتخاذ سیاست های توسعه محور است

وی به دلایل عدم توجه تصمیم گیران کشور به ویژه در زمینه اقتصاد درباره قدرت تشخیص اهمیت جایگاه ایران در جهان و دلایل ممانعت از قدرت گرفتن اقتصاد مبتنی بر صنعت در ایران با ارائه مستندات پرداخت و عنوان کرد: دانیل یرگین در کتابش به نقل گفته لرد کرزن در سال ۱۸۸۰ پرداخته است: «لرد کرزن، نایب السلطنه دولت بریتانیا در هندوستان، اهمیت ایران را چنین توصیف می کرد: یکی از مهره های صفحه شطرنجی که بازی سلطه بر دنیا روی آن صورت می گیرد.»

درک نادرست از تاریخ و ساختار منطقه، سیاستگذاری را دچار خطای کند

بحرینیان در ادامه ارائه مستند خود به گفته اخیر تام باراک، سفیر آمریکا در ترکیه و نماینده ویژه آمریکا در سوریه و لبنان، اشاره کرد: «فرستاده ویژه آمریکا وجود منطقه ای به نام «خاور میانه» را انکار کرد و مدعی شد کشورهای این منطقه را انگلیسی ها و فرانسوی ها ایجاد کرده اند... انگلیسی ها و فرانسوی ها در سال ۱۹۱۶ باعث ایجاد «دولت-ملت ها» در آن شدند... فرانسوی ها و انگلیسی ها طبق عهدنامه «سایکس-پیکو» امپراطوری عثمانی سابق را به چند «دولت-ملت» تقسیم کردند... باراک مدعی شد خاور میانه به این شکل کارکرد نداشته

یک سؤال پرداخت و آن را با صحبت های آندره پرز بعد از چند سال مقایسه کرد که چطور هر دو، محمدرضا شاه و آندره پرز، به اشتباهات خود و دادن وعده های واهی پی برده بودند: «شاهنشاه: این برآورد درست است، اما اگر پولی اضافه بیاید آن را دیگر آتش نخواهیم زد. کسر بودجه مان سه میلیارد دلار است که باید جبران شود.» از سوی دیگر، آندره پرز گفت: «من امیدها و انتظارات مردم را بالا بردم و ایمان به کشورم را ایجاد کردم، اما بسیاری از کارها وجود داشت که نمی توانستم انجام دهم، کارهایی که حتی با تمام درآمد نفت قابل تغییر نبودند. افزایش قیمت برای هر کسی مضر است. بدتر از همه برای کشورهای در حال توسعه است که نفت دارند؛ افزایش قیمت برای آنها یک دام است.»

کشورهایی که بر فناوری و صنعت تکیه

دارند، در مقابل بحران ها مقاوم ترند

بحرینیان یادآور شد: هر دو این کشورها با درآمدهای نفتی بالا، نتوانستند به وعده های خود عمل کنند و الگوی مشابهی از شکست توسعه را تجربه کردند که نشان دهنده اهمیت مدیریت صحیح منابع و دوری از اقتصاد مصرف محور و اتکاء به صنعت فناوری محور است. در دنیای امروز، صنعت فناوری محور قدرت است و ما در این زمینه موفق عمل نکرده ایم.

نفوذ ذینفعان داخلی و خارجی، توانایی آینده نگری اقتصاددانان و سیاستمداران را مختل می کند

وی تصریح کرد: وقتی صحبت از «عدم اهلیت» یا «ناتوانی در آینده نگری» تصمیم گیران می کنیم، به ویژه از زمانی که سازمان سیا «دفترچه راهنمای ساده خرابکاری میدانی» را از محرمانگی خارج و منتشر کرد، در خصوص «عدم اهلیت» یا «ناتوانی در آینده نگری» تصمیم گیران نمی توان گفت افراد کم هوش هستند؛ از این رو برای تشریح نکات مورد نظر خود واژه «موارد ناخوشایند» را تعریف کردم: ۱- تصمیم گیران در اقتصاد هر کشور تحت نفوذ ذینفعان باشند، ۲- تصمیم گیران در اقتصاد

آمار صادرات بنزین بر اساس داده های گمرک ایران در سالهای 1399-1401

سال	کد تعرفه	شرح تعرفه	وزن (کیلوگرم)	ارزش (ریال)	ارزش (دلار)	ارزش صادرات هر لیتر است
1399	27101210	بنزین	376,593,604	33,921,641,174,228	136,933,432	27
1400	27101210	بنزین	1,931,811,968	163,261,656,367,835	731,028,035	28
1401	27101210	بنزین	376,593,604	33,921,641,174,228	136,933,432	27

www.irica.gov.ir

www.shana.ir/news/68292/

ماخذ: گمرک جمهوری اسلامی ایران

* هر تن بنزین حدود 1351 لیتر می باشد در نتیجه هر کیلو بنزین معادل 1.351 لیتر می باشد.

اقتصادی ایران هستند و به هر شکل نمی خواهند دیگر کشورها از جمله ایران، مبتنی بر صنعت توسعه یابند.

بلکه میناها در این منطقه شامل فرد، خانواده، روستا، قبیله، جامعه، مذهب و در آخر ملت است.

وضعیت امروز ایران ریشه در الگوهای تاریخی مصرف زدگی و عقب ماندگی صنعتی دارد

این صنعتگر با سابقه با بررسی و نقل تیتروار نظرات اندیشه ورز نابغه شرق، ابن خلدون از کتاب «مقدمه» به سه نکته در مورد اهمیت صنعت، اشاره کرد: «صنایع ناچار باید با علم پیوند داشته باشند - صنایع هنگامی نیکوتر می شود و توسعه می یابد که طالبان آنها افزون گردد [حمایت الزامی دولت ها از صنایع] - صنایع به پیشه کننده آنها خردمندی خاصی می بخشد.» وی سپس به سفرنامه شاردن در بیش از سه قرن پیش اشاره و گوشه ای از زمینه های تاریخی عقب ماندگی صنعتی و مصرف زدگی ایران را از دوران صفویه تا این سفرنامه، نشان داد: «مردم مشرق زمین افرادی سست و آسان گیر و تنبل می باشند و جز برای فراهم آوردن وسایل بسیار ضروری تن به کار نمی دهند؛ ... آنان بر این اعتقادند که چون این بدایع، مورد نیاز زندگی ساده و طبیعی آنان نیست، دل بستن به آنها کاری بیهوده و خطاست ... نکته دوم این که مردمان مشرق زمین اصولاً به اکتشافات نو و اختراعات جدید کاملاً بی اعتنا نیستند و شوق و رغبتی بدین امور ندارند ... همچنین بر این اعتقادند اگر جز آنچه دارند به چیزی نیازمندند، باید از کشورهای بیگانه بخرند. از وابستگی خود به بیگانگان غمی به دل راه نمی دهند و هرگز این اندیشه در ضمیرشان نمی گذرد که دست و فکر خود را به کار اندازند و آنچه لازم دارند خود بسازند و در طلب آن دست به سوی بیگانگان دراز نکنند.» گویی وضعیت امروز کشور در سه قرن پیش شرح داده می شود. حتی بسیاری از تصمیم گیران اقتصادی کشور در یک سده گذشته نیز این موضوع را درک نکردند و تجارب بیان شده توسط برخی از تصمیم گیران پاکدست کشور که برای کشور هزینه زا بوده هم مورد مطالعه قرار نگرفت.

تنها آلمان حاضر شده ایران در ایجاد صنعت کمک کند

باید در طول ۲۰۰ سال گذشته متوجه می شدیم که ما را رها نخواهند کرد، باید آماده می شدیم، اما آماده نشدیم

دوران طلایی اقتصادی برای توسعه صنعتی ایران کوتاه بود و از دست رفت تصمیم گیران کشور نتوانستند مسیر واقعی توسعه صنعتی ایران را طی کنند و ی تأکید کرد: باید در طول ۲۰۰ سال گذشته متوجه می شدیم که ما را رها نخواهند کرد و باید آماده می شدیم، اما آماده نشدیم. ما دوران طلایی برای ایجاد اقتصادی قوی که مبتنی بر صنعت و فناوری باشد نیز داشته ایم؛ دورانی که اتفاقات مثبت در اقتصاد این کشور رخ داد، ولی این دوران کوتاه بود و نتوانستیم مسیر واقعی توسعه ایران را به درستی طی کنیم. تصمیم گیران کشور درک نکرده اند که باتوجه به سابقه تمدنی ایران و موقعیت حیرت انگیز جغرافیایی کشورمان، کشورهای سلطه گر تنها خواهان غارت منابع

وی به مخالفت قدرت‌های جهانی با صنعتی شدن ایران امروز اشاره کرد و گفت: زنده‌یاد دکتر محمد یگانه، عضو گروه دکتر عالیخانی، در کتاب خاطرات خود آورده «به‌خصوص آمریکایی‌ها چندان نظر مساعدی نداشتند نسبت به برنامه‌های صنعتی و صنعتی شدن ایران... ایران دست کمک خواستن دراز کرد به بانک جهانی، به آلمان، به آمریکا، فقط در میان اینها آلمان حاضر شد به ایران کمک بکند، آمریکایی‌ها مخالفت کردند و بانک جهانی مخالفت کرد برای ایجاد چنین صنعتی در ایران... آمریکایی‌ها توصیه کرده بودند به دولت آلمان که به صلاح نیست و شما هم به صلاح نیست که به ایران کمک بکنید برای ایجاد چنین صنعتی». در شرق آسیا و در کره جنوبی هم با همین وضعیت مواجه بودیم. دکتر ستونگ هون چون که ۲۵ سال در قلب برنامه‌ریزی این کشور تصمیم‌گیر بوده، برای احداث کارخانه تولید فولاد، می‌گوید: «ایالات متحده آمریکا، آلمان غربی و بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه (IBRD) مخالف طرح بودند (بدون هیچ نوع امکان‌سنجی اقتصادی)... رئیس بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه (IBRD)، مک نامارا (McNa-mara): برای مخالفت با طرح ذوب آهن کره متأسفم».

نگاه اشتباه به یک صنعت می‌تواند مسیر توسعه دو کشور را متفاوت کند

بحرینیان به تفاوت مسیر صنعتی ایران و کره جنوبی اشاره کرد و گفت: کره‌ای‌ها برای توسعه خود پیش‌شان صنعتی تعریف کردند و برای آن پیش‌شان‌ها، به صنعت فولاد به عنوان منبع تغذیه این صنایع پیش‌شان می‌نگریستند، از این رو به صنعت ورق فولادی روی آوردند، ولی ما به فولاد نه به عنوان صنعتی برای تامین صنایع پیش‌شان، بلکه به عنوان صنعت هدف نگرینستیم و به تولید تیر آهن روی آوردیم که در خدمت ساختمان‌سازی باشد و در نهایت در بورژوازی کژکارکرد مستغلات گرفتار شدیم. با همین یک مثال ساده شما می‌توانید اهمیت برنامه‌ریزی و نگاه درست به صنایع پیش‌شان را متوجه شوید و این جاست که نقش نخبگان و اندیشمندان با تجربه و دلسوز؛ با

اهمیت می‌شود. یک نگاه اشتباه به یک صنعت، چطور می‌تواند مسیر توسعه دو کشور را متفاوت کند. اینکه ما به دنبال صنعت فولاد بوده ایم، یک تفکر خوب بوده است، اما این که این صنعت را برای چه می‌خواهیم و این که موقعیت مکانی این صنعت باید کجا باشد و یا نهاده‌های لازم برای آن؛ از جمله آب و مقیاس آن با توجه به نگاه به آینده را نتوانستیم درست تشخیص دهیم. کشورهای غربی توسعه صنعتی و اقتصادی را برای ما نمی‌خواهند. این ما هستیم که باید منافع آینده و قدرت اقتصادی کشور خود را درک کنیم و در این مسیر از افراد دارای اهلیت حرفه‌ای در تصمیم‌گیری‌ها استفاده کنیم.

حتی پس از ۷۰ سال، برنامه‌های توسعه ایران همچنان گرفتار کلی‌گویی و فقدان محتوای عملی هستند

وی با مقایسه برنامه‌های توسعه ایران با برنامه چهاردهم چین (۲۰۲۱ تا ۲۰۲۵)، به نقد برنامه‌ریزی در ایران پرداخت و با نقد نمایش‌ها و بی‌محتوا شدن برنامه از اصول اساسی و کلی‌گویی‌ها به گزارش گروه‌ها و رده‌ها که به ایران آمده بودند، اشاره کرد: «آخرین نمایش قدرت هنگامی بود که برنامه‌ریزان در حضور وزرا برنامه سوم را به شاه تقدیم کردند و شاه در مقابل چشم وزرا، مندرجات آن را تأیید و امضاء کرد. این عمل هر چند به خوبی انجام شد، اما هیچ چیز را تعیین نکرد. این برنامه هنگامی که مورد تأیید شاه قرار گرفت، چیزی به جز بیانیه ایمان و اعتقاد به آینده کشور نبود. به سستی می‌توان گفت که دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی به غیر از تعهد کلی به اندیشه‌های مهم توسعه و پیشرفت، به تعهدات دیگری تن داده بودند. مسائل واقعی که باید حل می‌شد و تصمیمات حیاتی که باید اتخاذ می‌شد، موضوعاتی بود که هنوز تعریف نشده بودند. کل مسئله عملاً به بیان برهوت نیروهای اداری و سیاسی کشور افکنده شد؛ نیروهایی که خود موضوع اصلی و مورد توجه این گزارش بوده‌اند.» البته هنوز پس از گذشت هفتاد سال برنامه‌ریزی در ایران و در آخرین برنامه توسعه کشور یعنی برنامه هفتم با همین کلی‌گویی‌ها مواجه هستیم.

شاخص‌های قابل اندازه‌گیری و پروژه‌های علمی و صنعتی چین، نمونه برنامه‌ریزی موفق است

موفقیت چین نشان می‌دهد برنامه‌ریزی عملی و هدفمند، کشور را از بحران‌ها عبور می‌دهد بحرینیان با تشریح برنامه چهاردهم چین (۲۰۲۱ تا ۲۰۲۵)، افزود: در این برنامه، شاهد عقلانیت و واقع‌نگری عمیق و پرهیز از کلی‌گویی‌ها هستیم. شاخص‌های قابل اندازه‌گیری برای هر مورد تعیین شده است، پروژه‌های فضایی سرنشین دار و اکتشافات ماه، پروژه‌های عمق دریا، ابررایانه‌ها، قطارهای پرسرعت فوکسینگ و تولید هواپیماهای بزرگ. پیروزی کلی در نبرد سر نوشت ساز کاهش فقر در چین بیان می‌کند که بیش از ۵۵ میلیون تن از اهالی روستایی فقیر از فقر نجات یافتند.

محدودیت دسترسی به نخبگان، قدرت تشخیص رهبران را کاهش می‌دهد

پرو تکل‌ها مانع از بحث و مشورت نخبگان با پزشک‌های می‌شوند وی در بخش دیگری از سخنرانی خود به تشریح موانع ساختاری توسعه در ایران پرداخت و با اشاره به نظریه ابن‌خلدون درباره اینکه سه دیوار دور رهبران کشیده و دسترسی به آنها قطع می‌شود، گفت: آقای پزشک‌های را رئیس‌جمهور پاکدستی می‌دانم، اما متأسفانه این دیوارها به گونه‌ای تشکیل می‌شود و پرو تکل‌ها اجازه نمی‌دهند که نخبگان اجازه بحث داشته باشند و لذا قدرت تشخیص در تصمیم‌گیران اصلی کشور ایجاد نمی‌شود که کدام راه درست و کدام غلط است. از سوی دیگر می‌بینید که تمام وقت روسای جمهور در جلسات گذرانده می‌شود.

تبلیغات گسترده درباره محصولات دانش بنیان با واقعیت آماری همخوانی ندارد

آمار گمرک نشان می‌دهد ارزش صادرات دانش بنیان تنها یک ششم واردات است

آیا از هوش طبیعی به نحو احسن استفاده کرده‌ایم و اگر چنین است، چرا در این وضعیت فعلی گرفتار شده‌ایم؟

بحرینیان با انتقاد از برجسته شدن تقلیدی ناگهانی موضوعی در جامعه و جنجال ایجاد نمودن برای آنها گفت: دکانی شکل می‌گیرد و منابع کشور بدون هدف هدر می‌رود؛ گاهی نانو تکنولوژی، گاهی بوم‌گردی و ایجاد خلق الساعه ویلاهای شکل گرفته، گاهی شرکت‌های دانش‌بنیان و گاهی موضوعات دیگر. وی همچنین بیان کرد: در سال گذشته در رسانه‌ها به گمانم بیش از ۳۰۰ محصول تبلیغ شد که در زمره رتبه‌های تک رقمی جهان هستیم. اما اگر چنین بود که اکنون کشور باید بهشت برین شده بود و حداقل قدرت پنجم جهان می‌بودیم! وقتی حقایق آماری بیرون می‌آید دردناک می‌شود و این نمایش‌ها رنگ می‌بازد. به عنوان نمونه گمرک ایران برای سال ۱۴۰۲ آمار ارزش و وزن واردات و صادرات شرکت‌های دانش‌بنیان را منتشر کرد. ارزش صادرات هر تن محصولات دانش‌بنیان حدود یک ششم واردات شرکت‌های دانش‌بنیان بود! به تازگی هم بحث «هوش مصنوعی» به کرات مطرح می‌شود و این پرسش مطرح شده که آیا از هوش طبیعی به نحو احسن استفاده کرده‌ایم؟ اگر بله، چرا چنین وضعی را شاهد هستیم؟

مصرف و واردات بی‌رویه سوخت، نشان‌دهنده ناتوانی تصمیم‌گیران و وابستگی تاریخی ایران به بیگانه است

با وجود مصرف و واردات بالای بنزین، رشد منفی اقتصادی داشته‌ایم
بحرینیان سپس با ارائه جداول محاسباتی متعدد و مستند، گزارش مفصلی از مصرف فرآورده‌های نفتی با تکیه ویژه بر گازوئیل و بنزین ارائه داد و گفت: فاجعه عدم اهلیت حرفه‌ای و ناتوانی از آینده‌نگری حیرت‌آور است. ما در جدول نهایی محاسبات از سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۹۹ را با مستندات قیمتی استخراج شده ارزی توانسته‌ایم محاسبه کنیم.

اما اگر آمار واردات و مصرف بنزین از سال ۱۳۹۹ که تنها سه میلیون قران واردات بنزین داشتیم را محاسبه کنیم، عمق ناتوانی

I. IMPORTATIONS		Statistique commerciale de la Perse	
Marchandises	Valeurs en francs	Tableau Général	
		DU	
		Commerce avec les Pays Etrangers	
		pendant l'année PITCHI-IL	
		31 Mars 1920 - 30 Mars 1921	
		publié par l'Administration des Douanes	
Sucres en pains et en poudre	146.523.000		
Tissus de coton de toute espèce	113.974.000		
Thés	25.285.000	1299-1300	
Riz	13.095.000	1021	
Animaux vivants	12.561.000	1299 شمسی	
Fils de coton	11.521.000		
Ouvrages en fer et en acier autres que la mercerie	9.523.000		
Tissus de laine pure	7.510.000		
Clous, vis, rivets, tuyaux	7.211.000		
Mercurie et quincaillerie	6.746.000		
Fer, acier en barres, plaques	6.466.000		
Machines, mécaniques et outils	6.278.000		
Tissus de laine et de coton	6.161.000		
Allumettes	6.150.000		
Monnaies d'or et d'argent	5.351.000		
Parfums cosmétiques	5.192.000		
Habilllements de toute espèce	4.385.000		
Tissus de soie et de coton	3.982.000		
Pétrole et benzine	3.708.000		
Indigo et kermes	3.708.000		
Automobiles	3.543.000		

تصمیم‌گیران و وابستگی ادامه‌دار ما به اجنبی مشخص می‌شود.

آیا این حجم از مصرف و واردات، رشد اقتصادی واقعی ایجاد کرده است؟ واضح است، رشد اقتصادی در بسیاری از دوره‌ها حتی منفی بوده است.

مجالس مافقط شعار «کمک به صنعت» می‌دهند، نه توان مقایسه دارند، نه اقدامی واقعی می‌کنند

از صنعتگران واقعی توقع دارند با امکانات بورکینافاسو، امتیازات سوئیس را تحویل بدهند! سه میلیون اشتراک جدید برق در سه سال اضافه می‌کند بدون اینکه ظرفیت تولید برق را بالا ببرند

این صنعتگر با سابقه در بخش دیگری از سخنان خود به مقایسه سیاست‌های صنعتی ایران با کشورهای موفق پرداخت و گفت: وقتی می‌بینیم چین، آلمان و کره جنوبی هر کدام دقیق و شفاف در چه قالب‌هایی و با چه مبالغی صنعت خود را حمایت کرده‌اند، مشاهده می‌شود که مجالس مافقط شعار «کمک به صنعت» می‌دهند، نه توان مقایسه دارند، نه داده‌ای دارند و نه اقدامی واقعی می‌کنند. باید گفت در این کشورها به تولید، صنعت فناوریانه و کارآفرینان واقعی به عنوان هویت آینده و خط مقدم حفظ و افزایش جایگاه عزتمندانه قدرت و ثروتشان نگریسته می‌شود، اما متأسفانه این نگاه به تولید در ایران وجود ندارد. نه تولید واقعی جایگاه خود را دارد و به آن ارزش واقعی می‌گذارند و نه کارآفرینان واقعی نوآور. در نهایت فقط انتقاد از صنعتگران واقعی می‌ماند. هیچ گاه مقایسه واقعی انجام نمی‌دهند، زیرا توانایی انجام این کار را ندارند. از صنعتگران واقعی ما توقع دارند با امکانات بورکینافاسو، امتیازات سوئیس را تحویل بدهند! در عمل هم همان‌ها را تحت فشار می‌گذارند؛ برق صنایع را قطع می‌کنند تا محبوبیت بخرند، سه میلیون اشتراک جدید برق در سه سال اضافه می‌کنند بدون اینکه ظرفیت تولید برق را بالا ببرند و بعد در آمار رسمی از رشد مصرف برق سخن می‌گویند، بی‌آنکه بگویند ما چقدر بر مشترکان جدید اضافه کرده‌ایم، چقدر صنایع را به بدبختی کشانده‌ایم و استهلاکشان از سرمایه‌گذاری بیشتر شده و مسلم است که با افزایش استهلاک، میزان مصرف برقش هم افزایش می‌یابد.

بحرینیان به نمونه‌ای عینی از سوءمدیریت، اشاره کرد: تصمیم‌گیران نه تنها کمکی به صنایع نکردند، بلکه با قوانین نامناسب اجبار می‌کنند که صنایع از انرژی تجدیدپذیر استفاده کنند. سپس در عرض سه سال بیش از ۵۰۰ میلیون دلار برای واردات صفحات خورشیدی از

چین هزینه می شود، و سوال پیش می آید که چرا ارز می دهید؟ چرا با این ارز در ایجاد نیروگاه هایی که می تواند برق ارزان تر تولید کند، سرمایه گذاری نمی کنید؟! در کجای دنیا می گویند «از بورس برق تهیه کن یا سرمایه خودت برق تولید کن»؟! اگر چنین است دیگر چه نیازی به وزارت نیرو داریم؟ کارشناسان دلسوز زیربط حتما هشدار داده اند، اما آنها که در رأس تصمیم گیری هستند، حاضر نیستند میز را رها کنند و برای خرید محبوبیت به انواع راه ها متوسل می شوند.

از ۹۹ تا ۱۴۰۱ بنزین به قیمت ۲۷ سنت صادر و با قیمت ۳۰ تا ۴۲ سنت وارد شده است

او سپس به سوءمدیریتی دیگر اشاره و اضافه کرد: آمار صادرات بنزین بر اساس داده های گمرک ایران طی سال های ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۱ نشان می دهد هر لیتر بنزین حدود ۲۷ سنت صادر شده، در حالی که واردات ما از این مبلغ همیشه بیشتر بوده و از قیمت های ۳۰ تا ۴۲ سنت در هر لیتر را شاهد بوده ایم. آمار صادرات بنزین بر اساس داده های گمرک ایران در سال های ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۱ ۵۳۶ میلیارد دلار را دود کردند و فرصت تولید موتور ملی از دست رفت

این پژوهشگر توسعه با استناد به کتاب «دانش و فناوری موتور ملی» در زمینه صنعت خودرو که به موضوع طراحی موتور ملی در زمان آقای خاتمی پرداخته است، ذکر کرد: «وام بیش از ۱۰۰ میلیون یورویی بانک صنعت و معدن و وام ۱۵۰ میلیون یورویی بانک توسعه اسلامی برای کمک به رفع نیازهای طرح تامین شد، ولی متأسفانه این اقلام برای موتور ملی هزینه نشد و در نتیجه موتور تا پایان سال ۱۳۸۶ در همان مرحله پیش تولید؛ راکد ماند... زیرا با دریافت وامی به میزان تقریباً سه برابر هزینه این طرح و استفاده مناسب از آن می توانستیم امروز به تولید انبوه موتور و جعبه دنده و خودرویی ملی برسیم و از وابستگی در قوای محرکه نجات یابیم، در حالی که با آن مبالغ، معوقه های ایران خودرو به طلبکاران از جمله پژو پرداخت شد.» بنابراین از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۹ حدود ۵۳۶ میلیارد دلار به نرخ جاری

عملادود شد و از بین رفت، تصمیم گیران اقتصادی کشور حتی حاضر نشدند یک درصد از این مبلغ را صرف طراحی موتور ملی کنند.

بحرینیان با اشاره به نظریه فرانسیس فوکویاما، گفت: همان طور که فرانسیس فوکویاما می گوید، دموکراسی های ظاهری قادر به حل مشکلات ساختاری کشور نیستند. در صد سال اخیر، سیستم های مشابه در کشورهایی از ترکیه تا عراق و شمال آفریقا، نتوانسته اند پیشرفتی ایجاد کنند. تجربه کشورهای موفق آسیایی مانند ژاپن، کره جنوبی، تایوان، سنگاپور و مالزی نشان می دهد که نهاد های مستقل و کارآمد برای توسعه اقتصادی ضروری اند.

مجلس دولتی که در شرایط جنگی، برای فراهم سازی منبع تامین هزینه ها با استفاده از ارز، اجازه ورود خودروهای دست دوم را می دهند، قطعاً قادر به حل مسئله نیستند

تحریم ها دمل ۱۲۵ ساله اقتصاد ایران را متورم کرد و جنگ ۱۲ روزه آن را ترکاند و ی به تحلیل اثرات تحریم پرداخت و گفت: مجلس و دولتی که در شرایط جنگی، برای فراهم سازی منبع تامین هزینه ها با استفاده از ارز، اجازه ورود خودروهای دست دوم را می دهند، قطعاً قادر به حل مسئله نیستند. تحریم ها دمل ۱۲۵ ساله اقتصاد ایران را متورم کرد و جنگ ۱۲ روزه آن را ترکاند و عمق ضعف های فناوریانه ما را آشکار ساخت. مشخص شد که با تجهیزات و ابزارهای تولید شده در غرب نمی توان به طور موثر با غرب رقابت یا مقاومت کرد؛ ما کشور را به تکنولوژی خارجی وابسته کردیم و جنگ ۱۲ روزه این حقیقت را به وضوح در مقابل دید ما قرار داد.

هدف تحریم های بیکاری، تورم و وابستگی اقتصادی بود

تحریم ها با هدف آسیب به تولید و جوانان طراحی شد؛ چرا به هشدارها توجه نمی کنیم؟ بحرینیان راه حل را در استفاده از گفته های دشمن دانست و توضیح داد: راه حل مقابله با تحریم ها از درون گفته آنان قابل فهم است، اما نمی دانم چرا به آنها توجه نمی کنند؟! سال ۱۳۹۴، ریچارد نفیو، طراح تحریم ها در زمان باراک اوباما، در کتاب خود با عنوان «هنر تحریم ها: نگاهی از درون» که مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی آن را ترجمه و منتشر کرده، خواسته های طراحی شده شان را آورده است: تأثیر بر جمعیت جوان و بیکاری جامعه در بخش های صنعتی و تولیدی (صفحات ۴۸-۴۷)، افزایش هزینه اعتبارات داخلی برای بنگاه های تولیدی (صفحه ۵۷)، خارج نمودن ارز از ایران برای واردات کالاهای لوکس و تجملی در جهت ایجاد نابرابری و تورم (صفحه ۸۷)، استفاده از اشتباهات مدیریتی، به طور مثال مشکلات داخلی در تامین مرغ (صفحه ۸۹)، هدف اصلی تحریم ها مشاغل حوزه تولید و ممانعت از کاهش اتکاء به نفت بود (صفحه ۸۹)، تحریم کنندگان به عدم توان تصمیم گیران در ارائه راه حل و تجربه آنها در عدم به وجود آمدن هماهنگی آگاه بودند (صفحات ۴۷ و ۸۷).

ساختار کنونی مانع توسعه صنعتی کشور است

یک نهاد فراقوه ای از نخبگان واقعی و انتخابی برای تصمیم گیری در اقتصاد کشور لازم است این پژوهشگر توسعه در پایان گفت: با توجه به ذخیره دانش و آگاهی موجود در کشور، ما قادر به انجام اقدامات مثبت جهت برون رفت از وضعیت فعلی و حرکت به سوی آینده ای بهتر و کشوری توسعه یافته هستیم، اما این موضوع اقتضائات خاص خود را دارد که مهم ترین آن توجه به «اهلیت حرفه ای تصمیم گیران» و حرکت به سوی «توسعه صنعتی» و تعیین «پیشران های صنعتی» است. از سوی دیگر، تجربه یک سده گذشته نشان داده که با این ساختار پوسیده، نمی توان به خروج از این دامنه بحران ایجاد شده امید داشت، بلکه با تجربه کشورهای موفق و خارج شده از مدار توسعه نیافتگی، یک نهاد فراقوه ای از نخبگان واقعی و انتخابی برای تصمیم گیری در اقتصاد کشور لازم و حیاتی است که در خصوص شاخص های و انتخاب نخبگان باید بحث جدی صورت پذیرد.



حسین عبده تبریزی تحلیل کرد؛

سناریوهای هفت گانه ایران

حسین عبده تبریزی هفت سناریوی کلیدی ایران را در زمینه سیاست خارجی، اقتصاد و مدیریت بحران برای آمادگی در برابر تحولات سیاسی و اقتصادی پیچیده تشریح کرد.

واقعیت این است که سیاست خارجی و نیز حکمرانی اقتصادی ایران آشفته و بلا تکلیف شده است. در چنین وضعیتی شماری از اقتصاددانان و مدیران بنگاه‌ها و فعالان بازار سرمایه برای کمک فکری به دولت مهم‌ترین مسائل ایران را فهرست کرده و باور دارند گفت‌وگو درباره آنها باید در دستور کار قرار گیرد. دکتر حسین عبده تبریزی خلاصه‌ای از سناریوهای هفت گانه ایران را تشریح کرده که در ادامه می‌آید.

دوم: راهکارهای تقویت دولت در شرایط فعلی

در وضعیتی که نهادهای غیردولتی تضعیف شده‌اند، چگونه می‌توان دولت را کارتر و اثربخش‌تر کرد؟ دولت در ایران از یک سو با کاهش شدید اعتماد عمومی و از سوی دیگر با فشارهای اقتصادی، اداری و نهادی مواجه است. نهادهای مدنی و غیردولتی به شدت تضعیف شده‌اند و دستگاه بوروکراتیک ناکارآمد، فرسوده و بی‌انگیزه است. پرسش اصلی آن است که در وضع موجود، و بعد از جنگ ۱۲ روزه ایران و رژیم صهیونیستی، چگونه می‌توان بدون توهم اصلاحات ساختاری بزرگ، به تقویت دولت کمک کرد؟ آیا باید روی کارآمدی در حوزه‌های خاص مانند سیاست اجتماعی و باز کردن فضای فرهنگی تمرکز کرد؟ آیا با حذف نهادهای تصمیم‌گیر خارج از دولت، می‌توان کیفیت تصمیم‌گیری دولت را ارتقا داد و کارآمدی را تقویت کرد؟ لایه‌ای از تصمیم‌سازی فنی و قابل اتکا ساخت تا سیاست‌ها بر پایه منطق و داده باشند، نه صرفاً فرمان؟ آیا دولت در شرایط جدید در زمینه‌های امنیتی و نظامی باید نقش بیشتری داشته باشد؟ این بحث در پی آن است که سازوکارهای عملی و قابل اجرا برای افزایش ظرفیت دولت در همین وضعیت موجود را بررسی کنیم.

سوم: اگر فروش نفت متوقف یا محدود شود کالاهای اساسی چگونه تامین می‌شوند؟

تأثیر این وضعیت بر قیمت‌ها و معیشت مردم چیست؟ وابستگی شدید بودجه و ارز کشور به درآمدهای نفتی، ایران را در برابر تحریم‌ها و اختلال در صادرات نفت بسیار آسیب‌پذیر کرده است. در شرایطی که احتمال افزایش فشارهای خارجی یا محدودیت‌های فروش نفت وجود دارد، پرسش حیاتی آن است که تامین کالاهای اساسی مردم چگونه صورت خواهد گرفت؟ ارز لازم از کجا تهیه می‌شود؟ نقش صادرکنندگان غیرنفتی چیست؟ آیا واردات کالاهای اساسی از مسیر تهاوت یا با استفاده از منابع بلوکه شده ممکن است؟ همزمان، افزایش نرخ ارز مستقیماً قیمت کالاهای اساسی را افزایش می‌دهد و با توجه به حذف تدریجی یارانه‌ها، فشار بیشتری بر اقشار ضعیف وارد می‌آورد. این بحث باید روشن کند که در صورت کاهش شدید درآمدهای ارزی، چه برنامه جایگزینی برای تامین مایحتاج عمومی وجود دارد و دولت تا چه

اول: سناریوهای پیش‌رود در کشور

منتظر چه شرایطی هستیم؟ چه تحولاتی محتمل است؟ ایران در آستانه تحولات سیاسی، اقتصادی و منطقه‌ای قرار دارد که پیش‌بینی‌پذیری را دشوار کرده‌اند. از یک سو، وضعیت داخلی با نارضایتی‌های عمومی، فشار تورمی و کسری بودجه‌ای مزمن روبه‌رو است. از سوی دیگر، تحولات منطقه‌ای و احتمال تشدید درگیری‌ها در خاورمیانه، به ویژه در پرتو نقش آفرینی اسرائیل و آمریکا، چشم‌انداز خارجی را پیچیده کرده است. دولت آقای پزشکیان با محدودیت منابع و سرمایه اجتماعی در صحنه است و حتی اگر بخواهد، از ابزارهای اجرایی کافی برخوردار نیست. در این فضا، مابه‌سناریوهای نیازی داریم که بتوانند حداقل خطوط کلی آینده را ترسیم کنند: آیا به سمت انزوای بیشتر می‌رویم یا شکلی از گشایش رخ می‌دهد؟ آیا اقتصاد در وضعیت رکود مزمن فرو می‌رود یا امکان کنترل بحران وجود دارد؟ هدف از طرح این سناریوها نه پیش‌بینی قطعی بلکه ایجاد آمادگی ذهنی و راهبردی برای مواجهه بهتر با تحولات احتمالی است.

حد از نظر لجستیکی، ارزی و تنظیم بازار برای این سناریو آمادگی دارد.

چهارم: توصیه به تولیدکنندگان و ارائه‌دهندگان خدمات در شرایط رکود

در مواجهه با کاهش درآمد، هزینه‌ها و کارکنان چه باید کرد؟ چه گزینه‌هایی پیش‌رو است؟ بنگاه‌های تولیدی و خدماتی کشور، به‌ویژه در بخش خصوصی، امروز با سه چالش همزمان مواجه هستند: کاهش تقاضای موثر، رشد هزینه‌های جاری (انرژی، حقوق، مواد اولیه) و ابهام در سیاستگذاری. بسیاری از این کسب‌وکارها با کاهش شدید درآمد یا حتی زیان عملیاتی مواجه هستند اما هنوز متعهد به حفظ نیروهای انسانی و ساختار خود هستند. در این وضعیت، پرسش مهم این است که بنگاه‌ها چه باید بکنند؟ آیا کوچک‌سازی و تعدیل نیرو اجتناب‌ناپذیر است؟ آیا راهکارهایی مثل تغییر در ترکیب محصولات، تمرکز بر صادرات، یا انتقال به بازارهای محلی‌تر راهگشاست؟ نقش دولت در حمایت (مثلاً معافیت‌های بیمه‌ای، تخفیف مالیاتی یا وام‌های کم‌بهره) چیست و آیا اصلاً امکان‌پذیر است؟ این بحث باید بین صاحبان کسب‌وکار و تحلیلگران اقتصادی، گفت‌وگویی صادقانه و کاربردی درباره بقاء، مدیریت بحران و بازآرایی ساختار شرکت‌ها ایجاد کند.

پنجم: دیپلماسی ایران در ۳ ماه آینده چه باید بکند؟

با آغاز دور دوم ریاست جمهوری ترامپ و قدرت‌یابی مجدد جریان‌های تندرو در آمریکا و رژیم صهیونیستی و به‌ویژه پس از حمله نظامی رژیم صهیونیستی به خاک ایران و کشتار گسترده در غزه، فضای امنیتی منطقه وارد مرحله جدیدی شده است. اکنون خطر حمله مجدد رژیم صهیونیستی به ایران بیش از هر زمان دیگری جدی و محتمل به نظر می‌رسد و دیپلماسی ایران ناگزیر است در سایه این تهدید بازتعریف شود. همزمان، مناقشه هسته‌ای نیز بار دیگر به صدر اولویت‌های امنیتی بازگشته و موضوعاتی مانند سطح غنی‌سازی و ظرفیت فنی ایران،

بهبود برای اجماع‌سازی علیه کشور شده‌اند.

در این شرایط، دیپلماسی دیگر صرفاً ابزار گفت‌وگو و کاهش تنش نیست بلکه باید به عنوان بخشی از سازوکار بازدارندگی هوشمند و مدیریت بحران عمل کند. پرسش اصلی آن است که در سه ماه آینده، سیاست خارجی ایران چگونه می‌تواند از تشدید درگیری جلوگیری اما در عین حال بازدارندگی را حفظ کند؟ آیا اولویت باید تثبیت روابط با قدرت‌های منطقه‌ای مانند عربستان و امارات باشد؟ یا باید به دنبال استفاده از ظرفیت‌های غرب، چین یا روسیه برای جلوگیری از انزوای بیشتر رفت؟ این بحث باید با هدف رسیدن به مجموعه‌ای روشن از اقدامات فوری، هشدارهای راهبردی و پرهیزهای دیپلماتیک، گفت‌وگویی واقع‌گرا و فنی درباره سیاست خارجی ایران در وضعیت پرریسک فعلی فراهم کند.

ششم: وضعیت بازار سرمایه و توصیه‌هایی برای اصلاح و آرامش بازار

بازار سرمایه ایران یکی، دو سال است که بابتی اعتمادی فزاینده، نوسان شدید و کاهش ورود نقدینگی مواجه شده است. افزایش نرخ بهره، تورم مزمن، نبود افق روشن در سیاستگذاری اقتصادی و فقدان یک بازار بدهی پویا، باعث شده سرمایه‌گذاران خرد و نهادی هر دو دچار تردید و انفعال شوند. در این میان، جنگ ۱۲ روزه میان ایران و رژیم صهیونیستی و فضای امنیتی ناشی از آن، شوک جدیدی به انتظارات فعالان بازار وارد و تصمیم‌گیری‌ها را به مراتب دشوارتر کرده است.

در چنین فضایی، شرکت‌ها با دشواری در تامین مالی و سرمایه‌گذاران با سردرگمی در ارزیابی ریسک‌ها مواجه هستند. این بحث می‌کوشد چشم‌انداز بازار سرمایه را در کوتاه‌مدت بررسی کند: آیا شرایط سیاسی و اقتصادی اجازه بازگشت آرامش را می‌دهد؟ چه ابزارهایی برای حمایت از بازار باید به کار گرفته شود؟ آیا اصلاح مقررات، تنوع‌بخشی به ابزارها، یا شفاف‌سازی اطلاعات اعتماد را بازمی‌گرداند؟ همچنین پرسش‌هایی درباره ماندگاری سهامداران حقیقی، رابطه بازار با تورم انتظاری و نقش دولت در کنترل دستوری یا راه‌سازی بازار مطرح است که نیاز به بررسی دقیق و بی‌پرده دارد.

هفتم: سیاست پولی در شرایط جنگی؛ آیا بانک مرکزی باید برای حفظ نقدینگی پول تزریق کند؟

در وضعیت بحرانی جنگی که اکنون ایران با آن مواجه است، اقتصاد با دو اختلال همزمان روبه‌رو شده: از یک سو شبکه توزیع و تولید کالاهای اساسی دچار اختلال و از سوی دیگر، تقاضای خانوارها محدود به مایحتاج ضروری شده است. کاهش گردش نقدینگی، اختلال در سیستم‌های بانکی، قطعی برق و افزایش نااطمینانی موجب شده خرید و فروش در سطح خرد و بنگاه‌های کوچک به شدت آسیب ببیند. در چنین شرایطی، اگر چرخش پول در جامعه متوقف شود، آخرین بقایای نظام توزیع نیز از کار خواهد افتاد.

بانک مرکزی در این وضعیت باید نقش فعال و مداخله‌گرایفا کند، نه فقط با سیاستگذاری کلان بلکه از طریق اقدامات اجرایی فوری. افزایش سقف برداشت، توزیع اسکناس‌های درشت از مسیر شبکه‌های بانکی و پستی و فعال‌سازی سیستم‌های پرداخت جایگزین، گام‌های اولیه است اما مهم‌تر از آن، تزریق نقدینگی هدفمند به بنگاه‌های کوچک و متوسط از طریق اعتبارهای کوتاه‌مدت اضطراری است، اعتبارهایی بدون وثیقه، با تضمین دولت یا صندوق توسعه ملی و بدون درگیر شدن در فرآیندهای بوروکراتیک متعارف. این سیاست پولی اضطراری، گرچه ممکن است از منظر تورمی پر مخاطره به نظر برسد اما در کوتاه‌مدت تنها راه حفظ پیوندهای اقتصادی جامعه و جلوگیری از فروپاشی بنگاه‌ها و بیکاری گسترده است. همزمان تعویق در پرداخت مالیات و حق بیمه و حمایت مستقیم از خانوارهای فاقد درآمد نیز باید در دستور کار باشد. این بحث چنین نکاتی را تحلیل کرده و در مورد سیاست پولی در شرایط حساس جاری اظهار نظر می‌کند.

تغییر سهم ارزش افزوده اسمی رشته فعالیت‌ها ۱۳۸۱-۱۳۹۹ (واحد درصد)



تغییر ترکیب
رشته فعالیت‌ها
صنعتی

منبع: مرکز آمار ایران

ارزش افزوده
بخش صنعت
(سال پایه ۱۳۹۰)

منبع: مرکز آمار ایران



رشد ۱۳۴۰-۱۳۵۵ (۱۵٪)
رشد ۱۳۸۰-۱۳۸۹ (۸٪)
ارزش افزوده حقیقی بخش صنعت
توقف رشد و نوسان ۱۳۵۶-۱۳۶۸ (۰٪)
سقوط آزاد ۱۳۹۲-۱۳۹۵ (-۱۵٪)
رشد ۱۳۶۹-۱۳۷۹ (۶٪)
عدم قطعیت ۱۳۹۳-۱۴۰۳ (۲٪)

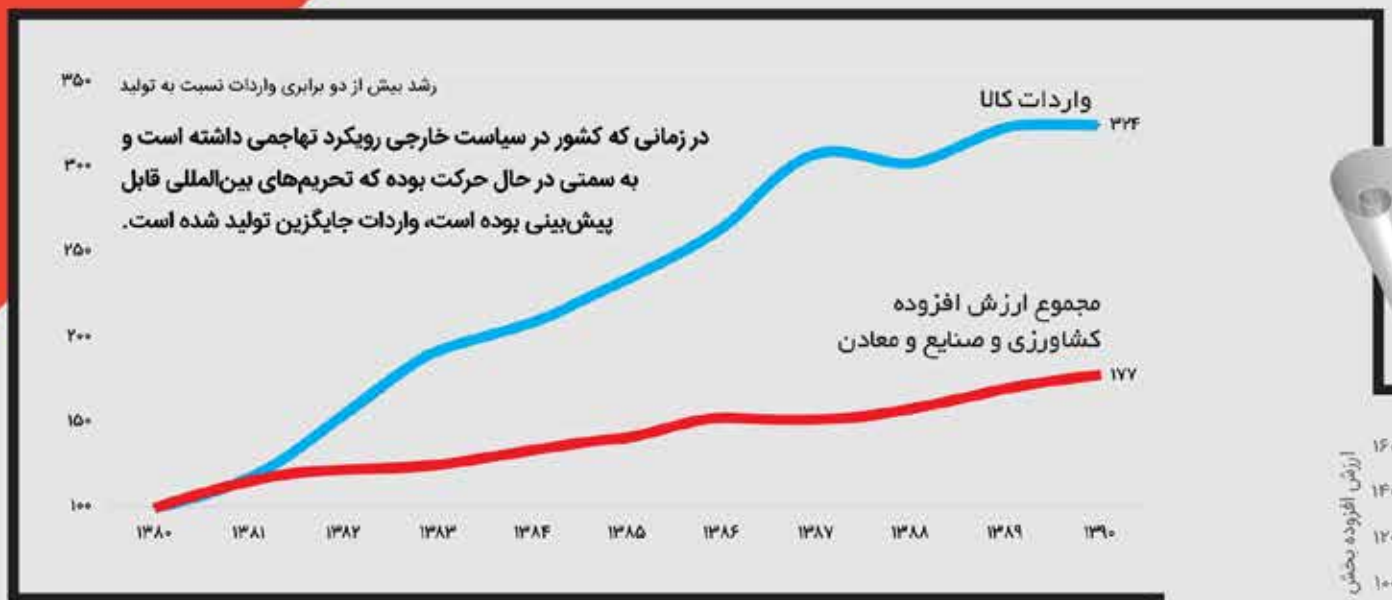


سایه جنگ ناترازی‌ها آینده صنعت

از گذشته چه آموخته‌ایم؟

- بافت بزرگ ارزش افزوده و توقف تقریبی رشد صنعتی در سال‌های اخیر، به چه دلیل اتفاق افتاده و تا چه اندازه قابل پیش‌بینی بوده است؟
- با وجود تحریم‌های ثانویه دهه ۹۰ و بحران کرونا، هیچ دوره‌ای در تاریخ صنعت ایران، همانند سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ نیست.
- آیا این اتفاق بزرگ مشاهده شده است؟
- آیا این سقوط ارزش افزوده صنعت و رشد خیلی پایین آن در دهه گذشته قابل پیش‌بینی و پیشگیری بوده است؟

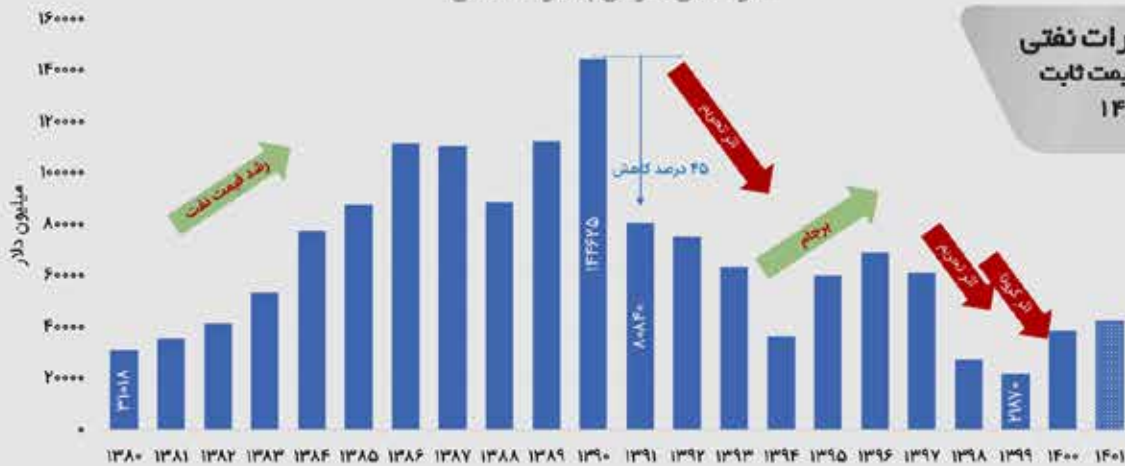
برداشت از ارائه دکتر مسعود نبلی
در پانزدهمین همایش و نمایشگاه چشم‌انداز



ب
ی
ن

ارزش افزوده بخش صنعت (هزار میلیارد ریال)

شوکه‌های متوالی به درآمد نفتی



روند ارزش افزوده گروه‌ها (درصد)



آیا تغییر بزرگ در ساختار رشته‌فعالیت‌های صنعتی، حاصل یک اراده سیاستی و یک تحول برنامه‌ریزی‌شده بود و تغییر مطلوبی ارزیابی می‌شود؟

● امروز، کشور در اثر تحریم، با کمبود شدید ارز حاصل از صادرات نفت مواجه است و در اثر رشد بالای مصرف انرژی، با کمبود شدید برق و گاز دست و پنجه نرم می‌کند.

● همه شواهد حاکی از آن است که صنعت ایران (هم از لحاظ ارزش افزوده و هم اشتغال) در امتداد مسیری که در آن حرکت می‌کند، تحت هر سناریویی از تحولات بیرونی آن، کوچک‌تر خواهد شد و شاید بیکاری به‌صورت یک مشکل بسیار بزرگ خود را نمایان کند.



چشم اندازهای روابط اقتصادی ایران و روسیه در سال ۲۰۲۵

زهرا پزشکی

ریزی و ایجاد نظامی تک قطبی است که بتواند تسلطی انحصاری بر غرب آسیا داشته باشد. در حقیقت این منطقه همچنان که در نظام جهانی قبلی و کنونی کلیدی و حساس بوده، در نظام جهانی آینده نیز به همین صورت باقی خواهد ماند. ناگفته نماند که طی دهه های اخیر، ایران به طور فعال همیشه سعی داشته است که خود را یکی از بازیگران کلیدی این منطقه در بین سایر قدرت های منطقه ای نشان بدهد. طی بیانات اخیر رهبر انقلاب، نیز این موضوع به وضوح پیداست. ایشان در سخنرانی اخیر خود به سه نکته اساسی یعنی انزوای ایالات متحده آمریکا، انتقال قدرت به آسیا و گسترش ایدئولوژی مقاومت و توسعه آن اشاره کرده اند و معتقدند که رویدادهای جهانی هم با زیرسؤال رفتن دو پایه اساسی این نظم یعنی فکری و سیاسی در حال تغییرند.

ایران، کشوری با تاریخ و فرهنگ بسیار کهن است که از پتانسیل اقتصادی، نظامی و فرهنگی قابل توجهی برخوردار بوده و جایگاه مهمی در نظم بین المللی دارد. تداوم و تقویت این پتانسیل ها به عوامل مختلفی مانند مدیریت صحیح توسعه سیاسی و اقتصادی در عرصه داخلی و تدوین یک سیاست خارجی پویا و چندجانبه که فرصت ها و محدودیت های کشور را در نظر بگیرد، بستگی دارد. همچنین این کشور برای پیوستن همیشگی خود به این نظم نوین جهانی باید به دنبال تحقق بخشی اقداماتی از قبیل توسعه سیاسی و اقتصادی، همکاری با سازمان های بین المللی، گسترش روابط با کشورهای حوزه خلیج فارس به ویژه عراق، گسترش روابط با هند، چین و روسیه برای ایجاد تعادل در این نظم و ایجاد یک سپر دفاعی قدرتمند در امتداد مرزهای دریایی خلیج فارس باشد.

چارچوب برنامه ریزی راه بردی برای گسترش روابط روسیه و ایران اکنون این تنها دریای خزر است که روسیه و ایران را از هم جدا می کند. در حقیقت نزدیکی بین این دو کشور، همکاری در زمینه های اقتصادی، زیست محیطی، سیاسی و نظامی را امکان پذیر می سازد. در عین حال، فقدان مرز زمینی مشترک، برخلاف شوروی سابق، به از بین بردن درگیری های ارضی بالقوه و ترس از دخالت خارجی که ایران بین سال های ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۶ با آن مواجه بود، کمک نموده است. این نزدیکی ژئوپلیتیکی بین روسیه و ایران بسیار مهم است، چراکه این دو کشور، هرچند که منافع ملی و استراتژی های ژئوپلیتیکی متفاوتی را دنبال می کنند، ولی خود را در تقابل با غرب، به ویژه ایالات متحده و ناتو، یافته اند. لذا هر دو کشور با رعایت اصول زیر در مورد حاکمیت بین المللی، به دنبال اعمال نفوذ خود در عرصه بین المللی هستند:

فروپاشی و زوال نظام لیبرالی غربی واقعیتی عینی در نظام بین الملل است. امروز واقعیت چیز دیگری است. جهان مدرن با ظهور قدرت های جدیدی که اغلب تجدیدنظرطلب هستند، قواعد و هنجارهای نظام جهانی تحت سلطه آمریکا را نمی پذیرند و می خواهند نقش مهمی در نظم جهانی آینده ایفا کنند، رو به تحول است. نظام جهانی آمریکایی به تدریج در حال تضعیف شدن و نفوذ توزیع جهانی آن در حال تغییر است و ما شاهد تغییر مرکزیت قدرت از غرب به شرق هستیم. این گزارش به تحلیل نکات کلیدی تأثیرگذار مثبت و منفی در روابط ایران و روسیه و از همه مهم تر روابط اقتصادی این دو کشور می پردازد.

ایران و نظم نوین جهانی

از آنجایی که غرب آسیا به لحاظ حساسیت و اهمیت استراتژیکی، منطقه ای مهم در نظم جهانی نوظهور به شمار می رود، اهمیت کشوری مثل ایران را که در این منطقه واقع گردیده است را نمی توان نادیده گرفت. کشورهای غربی ازجمله آمریکا به اهمیت این منطقه واقفند و از این رو به دنبال توسعه و تحقق پروژه هایی مانند خاورمیانه جدید و خاورمیانه بزرگ هستند. لذا تنها راه برای دستیابی به چنین حاکمیتی، پایه

مشترک	همسو	متقابلاً انحصاری		
روسیه و ایران	روسیه	ایران	روسیه	ایران
(۱) از آزادی بیشتری برای توسعه همکاری‌های دوجانبه در شرایط تحریم برخوردارند؛	جایگاه ویژه‌ای در بازارهای بین‌المللی و ساختار اقتصادی همانند ساختار ایران دارد، اما این نه رقابت شدیدی ایجاد می‌کند و نه منافع مشترک زیادی.	جایگاه ویژه‌ای در بازارهای بین‌المللی و ساختار اقتصادی همانند ساختار روسیه دارد، اما این نه رقابت شدیدی ایجاد می‌کند و نه منافع مشترک زیادی.	در حال سبقت گرفتن از سهم ایران در خرید نفت چین است.	برای حفظ سهم خود در خرید نفت چین، قیمت را کاهش می‌دهد.
(۲) نیاز به یافتن راه‌هایی برای کسب سود از همکاری‌های اقتصادی در اتحادیه اقتصادی اوراسیا دارند؛				
(۳) در حال سرمایه‌گذاری در راه‌اندازی کامل کریدور شمال-جنوب هستند؛				
(۴) در حال بررسی قابلیت‌های فناوری برای تبادلات در شرایط تحریم هستند؛				
(۵) ترجیح می‌دهند تجارت دوجانبه و بین‌المللی را بدون دلار انجام دهند، اما جایگزین‌های مؤثری ندارند؛				
(۶) به تثبیت قیمت نفت (اوپک پلاس) و تبادل فناوری در شرایط تحریم علاقه‌مندند.				

روابط اقتصادی

الف) نقاط قوت داخلی:

- (۱) نزدیکی جغرافیایی به مرز غیر مشترک زمینی؛
- (۲) دیدگاه‌های مشترک در مورد نظم بین‌المللی.

ب) نقاط ضعف داخلی:

- (۱) گزاره‌های ارزشی مشابه در بازارهای بین‌المللی؛ هر دو صادرکننده منابع انرژی نفت و گاز هستند که آنها را در برابر نوسانات قیمت جهانی انرژی آسیب‌پذیر می‌کند و از این رو پایه و اساس ضعیفی برای همکاری‌های اقتصادی در این زمینه وجود دارد؛
- (۲) عدم اعتماد تاریخی ریشه‌دار ایران به روسیه؛ ایران در قرن نوزدهم از طریق معاهده گلستان (۱۸۱۳) و معاهده ترکمانچای (۱۸۲۸) پس از جنگ‌های روسیه و ایران (۱۸۰۴ تا ۱۸۱۳؛ ۱۸۲۶ تا ۱۸۲۸) سرزمین‌هایی را به امپراتوری روسیه از دست داد. در طول قرن‌های نوزدهم و بیستم، روسیه نفوذ سیاسی و اقتصادی قابل توجهی بر ایران اعمال کرد. در جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵)، ایران شاهد استقرار نیروهای نظامی شوروی و بریتانیا در کشور خود بود و اگرچه طبق مفاد پیمان دوجانبه ۱۹۲۱، اتحاد جماهیر شوروی به خاطر اهداف امنیتی حق مداخله در ایران را داشت، اما این تحولات، همراه با حمایت بعدی این کشور از جنبش‌های جدایی‌طلب آذربایجان و کردستان ایران، بر برداشت تاریخی قبلی ایرانیان از روسیه سایه افکند.
- (۳) اختلاف نظر دو کشور در محافل سیاسی بر سر تضاد منافع روسیه و ایران؛
- (۴) پیوندهای اجتماعی توسعه نیافته؛
- (۵) درک ضعیف از فرهنگ‌های بوروکراتیک و تجاری یکدیگر.

ج) فرصت‌های خارجی:

- (۱) شکل‌دهی مشترک به نظم جهانی جدید (سازمان همکاری شانگهای، بریکس)؛ پیوستن نهایی ایران به عنوان

عضو کامل به سازمان همکاری شانگهای و همچنین عضویت آن در بریکس، گام‌هایی در جهت همسویی بیشتر با هدف شکل‌دهی یک نظم جهانی نوین تلقی می‌شود. ایده‌های چندقطبی و حاکمیت اقتصادی که فراتر از غالب گروه‌های غربی گسترش یافته‌اند، نه تنها برای کشورهایی که در حال حاضر با غرب در تضادند، بلکه برای کسانی که به دنبال تقویت نفوذ خود در عرصه بین‌المللی هستند، هم جذاب به شمار می‌روند؛ گسترش بریکس، اگرچه تاکنون نمادین بوده است، گواهی بر این هدف بین‌المللی مشترک است.

(۲) تلاش‌های مشترک برای رسیدگی به مناقشات منطقه‌ای (سوریه، افغانستان، ۳+۳)؛ درگیری‌های جاری در منطقه، مانند سوریه، افغانستان، بین فلسطین و اسرائیل، ارمنستان و آذربایجان، تبادل دیپلماتیک بین روسیه و ایران و در برخی موارد - مانند درگیری سوریه - هماهنگی نظامی را ضروری می‌سازد.

(۳) پیگیری مشترک اقدامات مؤثر برای توسعه با وجود فشار به خاطر تحریم‌های بیشتر؛

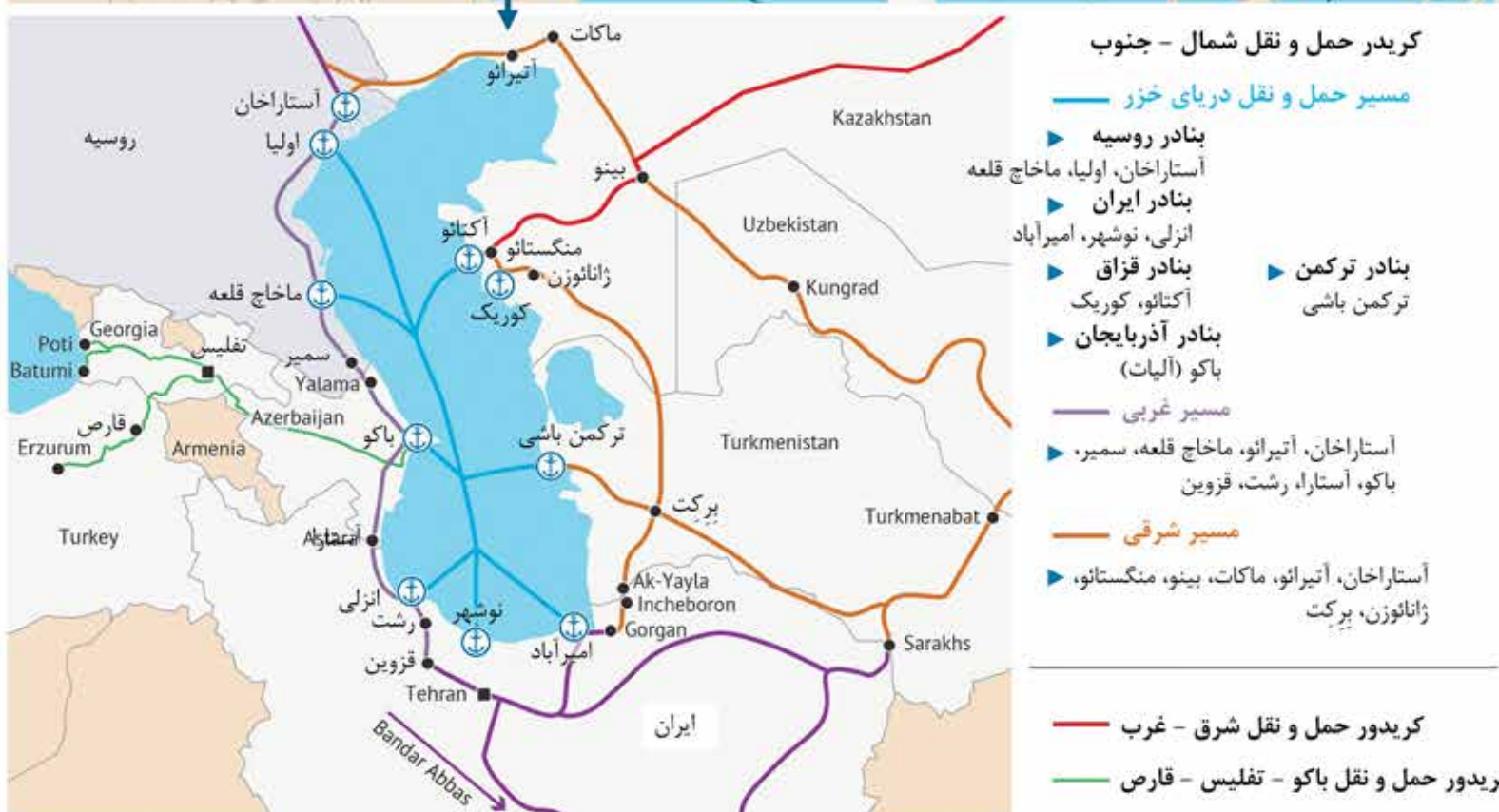
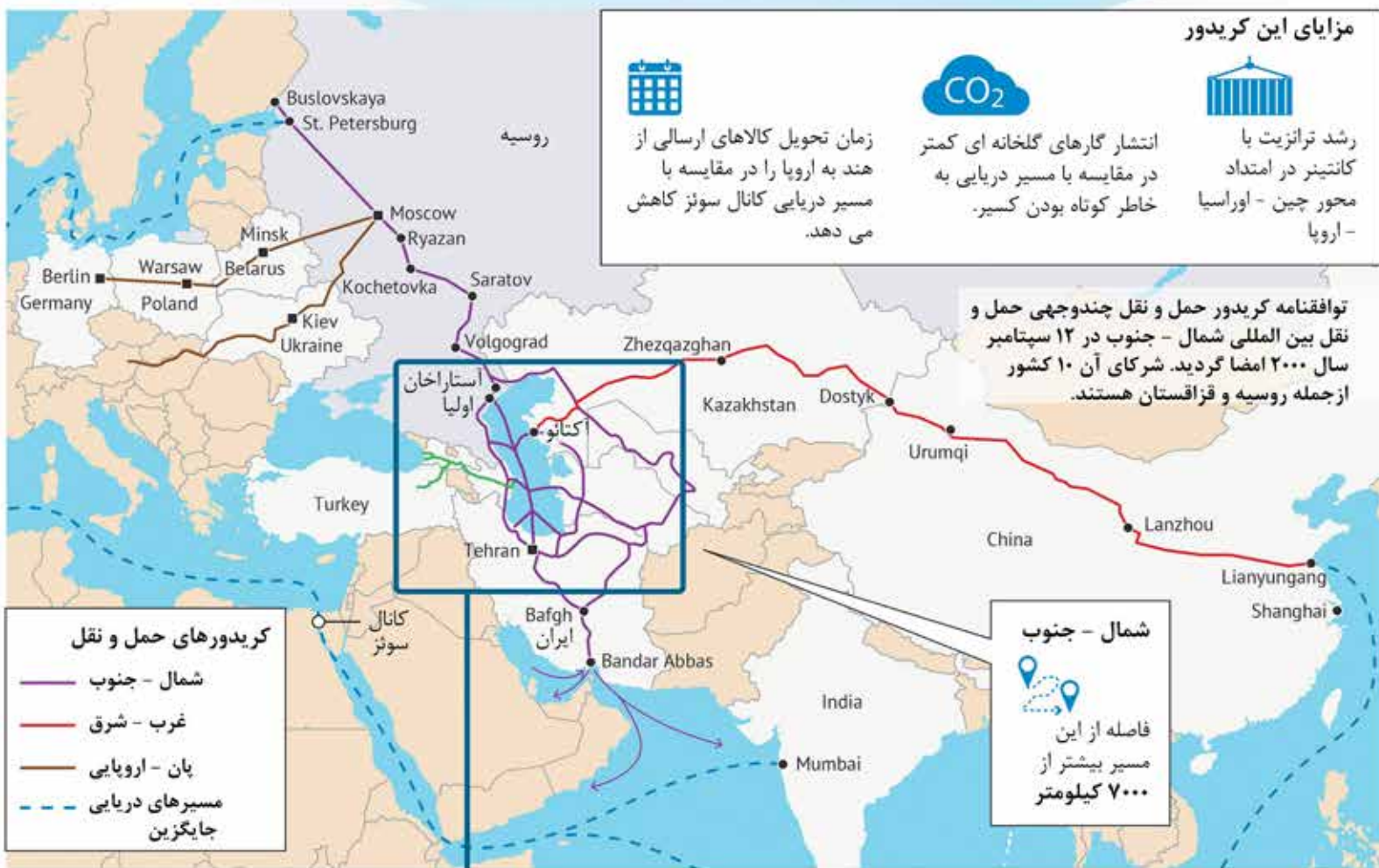
(۴) به حداکثر رساندن پتانسیل لجستیکی ایران برای روسیه جهت سازگاری با زنجیره‌های ارزش و مسیرهای تجاری در حال تغییر.

د) تهدیدات:

وابستگی روابط روسیه و ایران به نفوذ اشخاص ثالث. روسیه باید نگرانی‌های سایر بازیگران منطقه‌ای مانند اعضای شورای همکاری خلیج فارس (GCC)، ترکیه یا حتی اسرائیل را - علیرغم کاهش اخیر روابط بین کشورش با اسرائیل - در نظر بگیرد؛ این موضوع تا حدی به سیاست چندوجهی روسیه در منطقه و بعد به دلیل نقش این کشورها در تجارت پایدار روسیه که از فوریه ۲۰۲۲ به طور قابل توجهی

کریدور حمل و نقل بین المللی شمال - جنوب

کریدورهای چندوجهی حمل و نقل بین المللی شمال - جنوب، بخش شمال غربی اتحادیه اقتصادی اوراسیا و کشورهای اسکاندیناوی را با کشورهای آسیای مرکزی، خلیج فارس و خلیج هند مرتبط می کند.



افزایش یافته است، برمی گردد. آنکارا مرکز صادرات فناوری به روسیه است. در کنار ترکیه، برخی کشورهای عربی منطقه به خانه روس‌هایی تبدیل شده‌اند که در سال‌های اخیر این کشور را ترک نموده‌اند؛ هیچ کدام از این کشورها پس از درگیری اوکراین، تحریم‌های خود را علیه روسیه اعمال نکردند.

همکاری‌های اقتصادی بین دو کشور ایران و روسیه از نظر توسعه اقتصادی از آزادی بیشتری برای توسعه همکاری‌های دوجانبه تحت تحریم‌ها برخوردارند، چراکه در غیر این صورت اولویت‌های آنها دوباره از هم جدا می‌شود. آنها با حفظ این نگرش جدید نسبت به یکدیگر، باید به دنبال راه‌هایی برای بهره‌مندی از همکاری‌های اقتصادی بین خود باشند. لغو تعرفه‌ها طبق توافق بین ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا گامی عملی و بزرگ در راستای این هدف محسوب می‌شود. از دیگر گام‌ها نیز می‌توان تصمیم برای اتصال سیستم‌های راه‌آهن دو کشور از طریق آذربایجان را برشمرد؛ در این راستا، روسیه در حال سرمایه‌گذاری ۱.۳ میلیارد یورو جهت تکمیل ساخت راه‌آهن ۱۶۲ کیلومتری رشت-آستارا قبل از سال ۲۰۲۸ است (شکل ۱). جدول ۱ منافع اقتصادی همسو و غیرهمسوی روسیه و ایران را نشان می‌دهد.

جمع‌بندی

در مجموع فشار فزاینده تحریم‌ها، روسیه را به بررسی قابلیت‌های تبادلات فناوری با ایران ترغیب نموده است. به عنوان مثال، گزارش‌هایی در مورد پروژه‌های مشترک با هدف تولید تجهیزات پزشکی وجود دارند. اما انتظار پیشرفت سریع در این مسیر دشوار است، چراکه این امر مستلزم شناخت بیشتر کارآفرینان ایرانی و روسی از همدیگر است. در حالت کلی، روسیه و ایران ترجیح می‌دهند تجارت دوجانبه و بین‌المللی خود را بدون دلار انجام بدهند. با وجود این واقعیت که ۶۰

درصد تجارت دوجانبه آنها با ارزهای ملی انجام می‌گیرد، به دلیل عدم تعادل تجاری سه به یک که ایران مجبور است تا روبل را برای ارز خارجی، به عنوان مثال یورو، خریداری کند، نمی‌توان این تجارت دوجانبه را ابزاری امیدوارکننده برای ایران به شمار آورد. با توجه به عدم وجود جایگزین‌های مؤثر برای دلار آمریکا به عنوان ارز ذخیره، برای کشورهای خاورمیانه دشوار است که این مسئله را به صورت دوجانبه حل کنند.

در نهایت، با وجود این واقعیت که روسیه پس از موج دیگری از تحریم‌های غربی، سهم ایران را در خرید نفت چین از آن خود کرد و پس از آن تهران مجبور شد تا نفت خود را با تخفیف بیشتری به پکن بفروشد، به سختی می‌توان این دو کشور را رقبای برابر با هم دانست. ظرفیت تولید روسیه سه برابر ایران است، بنابراین ایران نمی‌تواند تأثیر زیادی بر این بازار داشته باشد. علاوه بر این، هردو کشور به تثبیت قیمت نفت از طریق اوپک پلاس و تبادل فناوری‌های مرتبط علاقه‌مند هستند. روسیه از اکتبر سال ۲۰۲۱ تا فوریه سال ۲۰۲۳، به یکی از سرمایه‌گذاران برتر بین‌المللی اقتصاد ایران تبدیل شد و ۲.۷ میلیارد دلار در پروژه‌های نفتی این کشور سرمایه‌گذاری کرد. در مجموع، می‌توان گفت که روسیه و ایران جایگاه مشابهی را در بازارهای بین‌المللی و ساختار اقتصادی دارند که نه رقابت شدیدی ایجاد می‌کند و نه منافع مشترک زیادی، ولی برای ظهور منافع مشترک، باید کارهای بیشتری هم از نظر زیرساخت‌های لجستیکی و مالی و هم از نظر افزایش آگاهی در بین جوامع تجاری انجام بگیرند.

منابع:

Adlan Margojev. "LONG TIME NO STRATEGIC PARTNERSHIP: SOURCES OF (IN)COHERENCE BETWEEN RUSSIA AND IRAN."

Горячая тема № 2 (23), 2025

Сейедмохаммад, Сейеди Асл, and Забардаст Аламдари Шалале. "Новая динамика и перспективы в отношениях между Ираном и Россией: навигация в новом мировом порядке." Вестник международных организаций: образование, наука, новая экономика 20.1 (2025): 5

چشم انداز تولید و مصرف انرژی در دو دهه آینده

بررسی نقش تجدیدپذیرها در تامین نیاز برق صنایع و معادن

۱

وضعیت
گاز و برق
در ایران

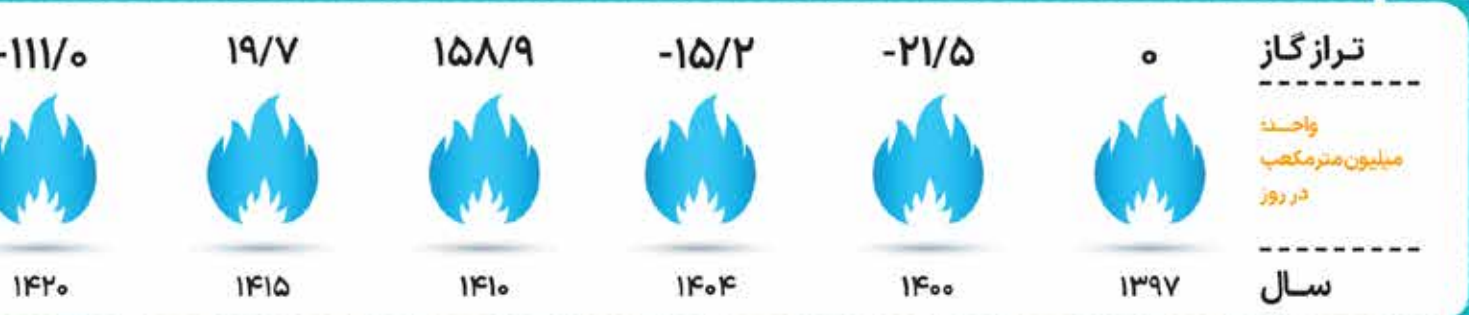
۲

قوانین
مرتبط با برق
تجدیدپذیر
برای صنایع

۳

پیشنهاد
تامین برق
با نیروگاه
تجدیدپذیر

پیش بینی
تراز گاز
کشور تا
سال ۱۴۲۰



وضعیت موجود

۱۵
میلیارد دلار

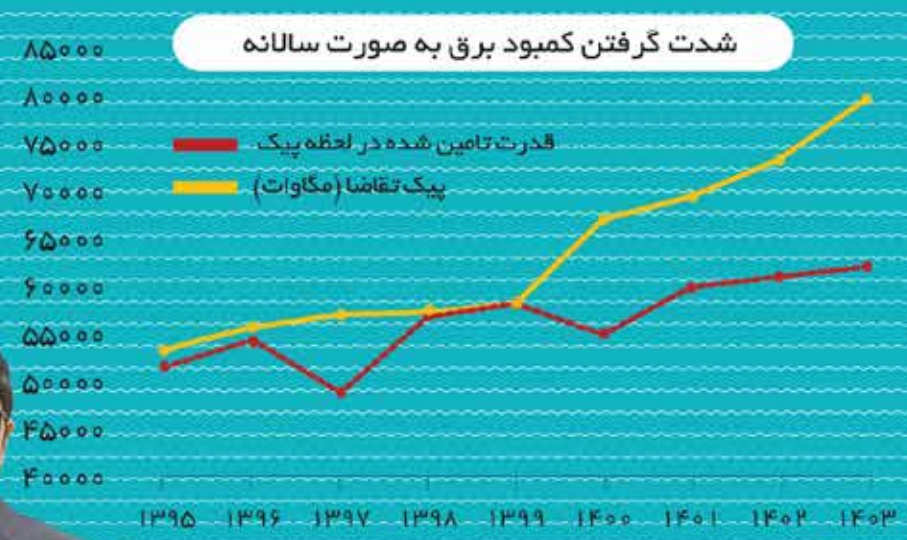
نیاز به سرمایه گذاری
در تولید

۲۵۰۰۰
مگاوات

نیاز به
ظرفیت جدید

۱۷۵۰۰
مگاوات

کمبود در
پیک تابستان ۱۴۰۳



برداشت از ارائه دکتر پاور عثمانی
مدیرعامل شرکت انرژی های تجدیدپذیر مهنا
در پانزدهمین همایش و نمایشگاه چشم انداز
صنعت فولاد و سنگ آهن ایران / مرداد ۱۴۰۴

خسارات خاموشی

عدم النفع ناشی
از مدیریت
مصرف برق در
ماه‌های گرم سال

گزارش پیشنهادی
وزیر نیرو
به مجلس
شورای اسلامی

سال ۱۴۰۰
۴۰ همت

سال ۱۴۰۱
۷۰ همت

سال ۱۴۰۲
۱۸۲ همت

ظرفیت نیروگاهی مورد نیاز

تا ۲۰ سال آینده

در صورت انجام

پروژه‌های بهینه‌سازی

کاهش پیک از ۲۰۲ به ۱۷۰ هزار مگاوات
اتفاق می‌افتد.

برای تولید ۱۷۰ هزار مگاوات در زمان پیک
نیاز به حدود ۲۱۵ هزار مگاوات ظرفیت منصوبه است.
ظرفیت منصوبه فعلی ۹۴ هزار مگاوات است.

نیاز به احداث ۱۲۰ هزار مگاوات ظرفیت نیروگاهی در ۲۰ سال است؛
از این میزان حداکثر ۴۰ هزار مگاوات می‌تواند نیروگاه
حرارتی باشد.

۸۰ هزار مگاوات مابقی باید از تجدیدپذیرها تامین شود؛
لذا نیاز به حدود ۵۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در این
بخش است.

قوانین مرتبط با بحث صنعت در زمینه تجدیدپذیرها

ماده ۱۶ قانون جهش تولید دانش‌بنیان: در
راستای توسعه صنایع دانش‌بنیان مرتبط با
انرژی‌های تجدیدپذیر و توسعه بازار برای این
صنایع و تولید برق پاک در محل مصرف، صنایع
با قدرت مصرف بیشتر از یک مگاوات موظفند
معادل ۱ درصد از برق مورد نیاز سالانه خود را
از طریق احداث نیروگاه‌های تجدیدپذیر تامین
نمایند و این میزان در پایان سال پنجم حداقل
به ۵ درصد برسد. در غیر این صورت وزارت
نیرو موظف است درصد ذکر شده از برق
مصرفی این صنایع را با تعرفه برق تجدیدپذیر
محاسبه نموده و از صنایع اخذ نماید.

ضوابط بهره‌مندی صنایع از برق
تجدیدپذیر (مصوبه وزیر نیرو):
برق مشترکینی که تمام یا بخشی
از برق مصرفی خود را از طریق
احداث نیروگاه‌های تجدیدپذیر
تامین می‌نمایند، به صورت هموار
از شمول قطع یا محدودیت برق
مستثنی خواهند بود.
برای نیروگاه‌های تجدیدپذیر،
۳۰ درصد بیشتر از برق تزریق
شده به شبکه از شمول خاموشی
معاف می‌گردد.

ماده ۴ قانون مانع‌زدایی از توسعه صنعت
برق و آیین‌نامه اجرایی آن: صنایع انرژی‌بر
موضوع ماده (۳) این قانون با هماهنگی
وزارت صنعت، معدن و تجارت و وزارت
نیرو مکلفند، حداقل ۹۰۰۰ مگاوات
نیروگاه حرارتی با بازدهی حداقل ۵۵ درصد
و ۱۰۰۰ مگاوات نیروگاه تجدیدپذیر و پاک
تا پایان سال ۱۴۰۴ از محل منابع داخلی
صنایع مذکور احداث کنند. در صورت عدم
احداث، تامین برق این صنایع در شرایط
کمبود برق، در اولویت طرح‌های مدیریت
مصرف برق وزارت نیرو قرار می‌گیرد.

سرمایه‌گذاری
توسط سرمایه‌گذار
نیروگاهی و فروش
برق به صنعت

سرمایه‌گذاری
توسط صنعت
و بهره‌برداری
توسط پیمانکار

سرمایه‌گذاری
و بهره‌برداری
توسط صنعت



مدل‌های سرمایه‌گذاری برای تامین برق از طریق تجدیدپذیرها



هوش مصنوعی تهدید یا فرصت برای بازار کار

بر اساس گزارش معتبرترین نهادهای بین‌المللی، از جمله مجمع جهانی اقتصاد (WEF)، مؤسسه مک‌کنزی، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) و شرکت پرایس واتر‌هاوس کوپرز (PwC)، بازار کار جهانی در آستانه تحولی بی‌سابقه قرار دارد. محور اصلی این دگرگونی، هوش مصنوعی (AI) است؛ فناوری‌ای که نه تنها به عنوان ابزاری کمکی، بلکه همچون موتور محرک نوین برای ارزش‌آفرینی اقتصادی ایفای نقش می‌کند.

پژوهش‌ها نشان می‌دهد کارگرانی که به مهارت‌های هوش مصنوعی مجهز هستند، به‌طور متوسط ۵۶ درصد درآمد بیشتری کسب می‌کنند. این شواهد گویای آن است که هوش مصنوعی نه تنها جایگزین نیروی انسانی نمی‌شود، بلکه ارزش نیروی کار ماهر را به شدت افزایش می‌دهد.

با این حال، این تحولات بدون چالش نیست. مسائلی همچون سوگیری الگوریتمی، نظارت شدید بر کارکنان، و فرسایش اصول اخلاقی در محیط کار از مهم‌ترین موانع پیش‌روی پذیرش گسترده هوش مصنوعی است. به همین دلیل، موفقیت در این مسیر نیازمند چارچوب‌های حکمرانی قوی مبتنی بر شفافیت، عدالت، پاسخگویی و اعتماد است.

در جمع‌بندی، گزارش‌های بین‌المللی بر مجموعه‌ای از الزامات استراتژیک برای سیاست‌گذاران و مدیران تأکید می‌کنند:

- * سرمایه‌گذاری در آموزش و یادگیری مادام‌العمر
- * تدوین مقررات هوشمندانه برای بهره‌گیری از هوش مصنوعی
- * طراحی مدل‌های مدیریتی جدید
- * سرمایه‌گذاری جسورانه در توسعه مهارت‌های نیروی کار
- * و پرورش فرهنگ اعتماد و سازگاری

بی‌تردید، پی‌مودن موفق این مسیر تنها با اقدام هماهنگ و آینده‌نگر ممکن است؛ اقدامی که تضمین می‌کند حرکت به سوی آینده بازار کار، شمول‌پذیر، پایدار و مبتنی بر ارتقای انسان باشد.

گزارش‌های بین‌المللی از جمله «آینده مشاغل ۲۰۲۵» مجمع جهانی اقتصاد، تصویری روشن از تحولات ساختاری بازار کار جهان در فاصله سال‌های ۲۰۲۵ تا ۲۰۳۰ ارائه

پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد طی سال‌های ۲۰۲۵ تا ۲۰۳۰، بازار کار جهانی شاهد ایجاد ۷۸ میلیون شغل جدید خواهد بود؛ رشدی که همزمان با حذف حدود ۹۲ میلیون شغل سنتی رخ می‌دهد. این تغییرات به معنای شکل‌گیری بازاری دوقطبی است؛ جایی که مشاغل روتین و تکراری به سرعت حذف می‌شوند و در مقابل، فرصت‌های تازه در حوزه‌های «پیشرو» مانند متخصصان هوش مصنوعی و صنایع فناورانه خلق خواهند شد.

برآوردها حاکی است تا سال ۲۰۳۰ حدود ۳۹ درصد از مهارت‌های موردنیاز نیروی کار تغییر خواهد کرد. تقاضا برای مهارت‌های مرتبط با هوش مصنوعی و فناوری‌های نو به شدت افزایش می‌یابد و در عین حال، توانایی‌هایی چون تفکر تحلیلی، خلاقیت، تاب‌آوری و سازگاری اهمیت دوچندان پیدا می‌کند.

از منظر اقتصادی، هوش مصنوعی می‌تواند جهشی بزرگ در بهره‌وری ایجاد کند.

منبع اصلی	پیش‌بینی مجمع جهانی اقتصاد ۲۰۲۵	سنجه
1	۱۷۰ میلیون	کل مشاغل ایجاد شده (۲۰۲۵-۲۰۳۰)
1	۹۲ میلیون	کل مشاغل حذف شده (۲۰۲۵-۲۰۳۰)
1	۷۸+ میلیون	تغییر خالص اشتغال (۲۰۲۵-۲۰۳۰)
1	کارگران مزرعه، رانندگان تحویل کالا، کارگران ساختمانی، کارگران فراوری مواد غذایی، متخصصان پرستاری	۵ شغل برتر در حال رشد (تعداد مطلق)
17	کارمندان ورود داده، منشی‌های اداری، کارمندان حسابداری و حقوق و دستمزد، صندوق‌داران، کارمندان فروش پلیت	۵ شغل برتر در حال افول (تعداد مطلق)
1	هوش مصنوعی و داده‌های کلان، تفکر خلاق، تاب‌آوری، انعطاف‌پذیری و چابکی، کنجکاوی و یادگیری مادام‌العمر، رهبری و نفوذ اجتماعی	۵ مهارت برتر با سریع‌ترین رشد

می‌دهد.

بر اساس این پیش‌بینی‌ها، طی این دوره ۲۲ درصد از مشاغل کنونی دستخوش تغییر خواهند شد؛ به این معنا که حدود ۱۷۰ میلیون شغل جدید ایجاد و در مقابل ۹۲ میلیون شغل فعلی حذف می‌شوند. نتیجه نهایی این فرایند، رشد خالص ۷۸ میلیون فرصت شغلی تازه خواهد بود؛ رشدی که برخلاف تصور عمومی مبنی بر افزایش بیکاری ناشی از فناوری، نشان می‌دهد تکنولوژی و به‌ویژه هوش مصنوعی، در مجموع مولد اشتغال است نه مخرب آن.

دگرگونی در ساختار مشاغل

تحلیل روندها نشان می‌دهد رشد مشاغل عمدتاً در دو بخش متمرکز خواهد بود: مشاغل پایه و خدماتی شامل کارگران مزرعه (در پی گسترش کشاورزی سبز)، رانندگان حمل‌ونقل، کارگران خدمات شهری و فراوری مواد غذایی. همچنین در بخش سلامت و آموزش، به‌ویژه پرستاران و معلمان، رشد قابل توجهی پیش‌بینی می‌شود.

مشاغل پیشرو و فناورانه شامل متخصصان هوش مصنوعی و یادگیری ماشین، مهندسان فین‌تک، کارشناسان امنیت سایبری و شبکه، و تحلیلگران داده. در مقابل، بیشترین افت تقاضا مربوط به مشاغل دفتری و اداری است؛ مانند کارمندان ورودی داده، منشی‌ها، حسابداری و حقوق، صندوقداران و فروشندگان پلیت. این نقش‌های روتین به‌راحتی توسط الگوریتم‌ها و نرم‌افزارها جایگزین می‌شوند.

این الگو عملاً به شکل‌گیری پدیده‌ای موسوم به «اثر هالتر» (Barbell Effect) می‌انجامد: از یک‌سو رشد پرشتاب در مشاغل فیزیکی/خدماتی و فناورانه، و از سوی دیگر، کاهش شدید مشاغل میانی اداری. این وضعیت می‌تواند به قطبی شدن بازار کار و در نتیجه تشدید نابرابری درآمدی منجر شود؛ مگر آنکه نظام‌های آموزشی و مهارتی متناسب با این تحولات بازطراحی شوند.

مهارت‌های آینده؛ ترکیب فناورانه و انسانی

طبق برآورد مجمع جهانی اقتصاد، تا سال ۲۰۳۰ حدود ۳۹ درصد از مهارت‌های فعلی نیروی کار تغییر خواهد کرد. در صدر این تغییرات، مهارت‌های فناورانه قرار دارند:

- * هوش مصنوعی و یادگیری ماشین
- * امنیت سایبری و شبکه
- * سواد دیجیتال پیشرفته

با این حال، اهمیت مهارت‌های انسانی نه تنها کاهش نمی‌یابد بلکه بیشتر هم می‌شود. توانایی‌هایی چون تفکر تحلیلی و خلاق، تاب‌آوری، چابکی، کنجکاوی و یادگیری مادام‌العمر، رهبری و نفوذ اجتماعی و حتی مهارت‌های زیست‌محیطی در حال تبدیل شدن به سرمایه‌های کلیدی بازار کار آینده هستند.

به بیان دیگر، ارزشمندترین کارکنان آینده، متخصصان «ترکیبی» خواهند بود؛ افرادی که توانایی‌های فنی را با مهارت‌های انسانی و مدیریتی تلفیق کنند.

فرصت‌های بهره‌وری و دستمزد

تحقیقات نشان می‌دهد هوش مصنوعی می‌تواند بهره‌وری اقتصاد جهانی را به‌طور چشمگیری افزایش دهد. برآورد مک‌کنزی حاکی از آن است که تنها هوش مصنوعی مولد می‌تواند ۲.۶ تا ۴.۴ تریلیون دلار ارزش اقتصادی جدید خلق کند.

در حوزه دستمزد نیز برخلاف نگرانی‌ها، شواهد نشان می‌دهد کارگرانی که به مهارت‌های هوش مصنوعی مجهز هستند، به‌طور متوسط ۵۶ درصد درآمد بیشتری نسبت به هم‌تایان فاقد این مهارت دریافت می‌کنند. این «حق بیمه دستمزدی» در برخی مشاغل تخصصی حتی بالاتر هم هست.

واقعیت تقویت در برابر جایگزینی

بحث بر سر تأثیر هوش مصنوعی بر بازار کار، اغلب با نگرانی از جایگزینی انسان‌ها همراه است، اما واقعیت نشان می‌دهد که این فناوری بیش از آنکه تهدید باشد، ابزاری برای تقویت توانمندی‌ها است. گزارش PwC نشان می‌دهد که اگرچه رشد شاغلان در برخی حوزه‌ها کندتر از گذشته شده، اما در مقابل، فرصت‌های شغلی جدید ناشی از به‌کارگیری هوش مصنوعی با رشد چشمگیر ۳۸ درصدی مواجه بوده است. این آمار نشان می‌دهد که هوش مصنوعی به‌طور کلی منجر به کاهش اشتغال نشده، بلکه ماهیت کار را تغییر داده است.

هوش مصنوعی از «جایگزین شاغلان» به «یاری‌دهنده شاغلان» تبدیل شده است. این فناوری با خودکارسازی وظایف تکراری، فرصت تمرکز بر فعالیت‌های پیچیده‌تر و

منبع اصلی	یافته کمی	سنجه کلیدی	حوزه تأثیر
4	رشد ۲۷٪ در مقابل ۹٪	رشد بهره‌وری در صنایع در معرض هوش مصنوعی در مقابل صنایع غیر در معرض	رشد بهره‌وری
7	56%	میانگین حق بیمه دستمزد برای مهارت‌های هوش مصنوعی	حق بیمه دستمزد
23	۲.۶ تریلیون تا ۴.۴ تریلیون دلار	ارزش افزوده سالانه پیش‌بینی شده	ارزش اقتصادی جهانی
4	38%	رشد شغل در مشاغل در معرض هوش مصنوعی (۲۰۱۹-۲۰۲۴)	رشد شغل

دوچندان می‌کند.

ضرورت حاکمیت و ابعاد اخلاقی

استفاده گسترده از هوش مصنوعی در محیط کار، علاوه بر مزایا، چالش‌های اخلاقی و اجتماعی نیز به همراه دارد:

۱. سوگیری الگوریتمی و تبعیض: اگر الگوریتم‌ها بر داده‌های جانبدارانه آموزش ببینند، می‌توانند تبعیض‌های موجود را بازتولید و حتی تقویت کنند.
 ۲. نظارت و حریم خصوصی: استفاده از ابزارهای نظارتی مبتنی بر هوش مصنوعی می‌تواند به رصد لحظه‌ای کارکنان منجر شود؛ امری که خطر فرسایش اعتماد و افزایش استرس را به همراه دارد.

۳. تأثیرات روانی: در حالی که برخی کارکنان از رهایی از کارهای تکراری و تمرکز بر وظایف ارزشمندتر رضایت دارند، گروهی دیگر نگران جایگاه شغلی خود و فشارهای جدید برای عملکرد بهتر هستند.

راهکار پیشنهادی، تدوین چارچوب‌های حاکمیتی مسئولانه است که بر اصول شفافیت، پاسخگویی، طراحی اخلاقی و مشارکت اجتماعی استوار باشد.

مطالعات موردی جهانی

نمونه‌های بین‌المللی نشان می‌دهند که هوش مصنوعی نه یک «آینده دور»، بلکه ابزاری حال حاضر برای افزایش کارایی است:

• شرکت MAIRE در بخش انرژی با استفاده از Microsoft Copilot توانسته بیش از

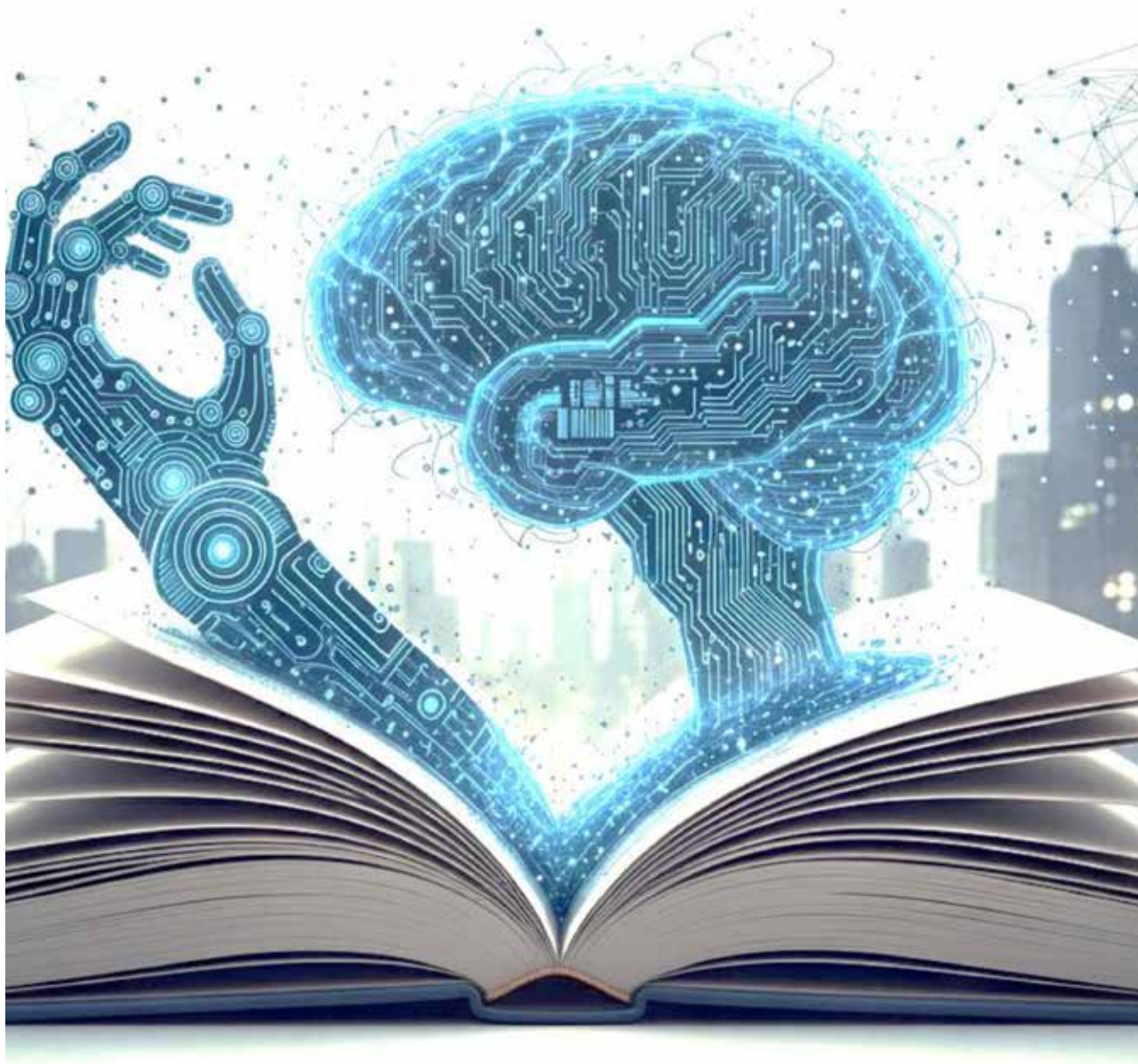
ارزشمندتر را برای کارکنان فراهم می‌کند. به‌عنوان نمونه، یک کارمند می‌تواند با بهره‌گیری از ابزارهای هوش مصنوعی، به یک ***تولیدکننده محتوا*** یا ***تحلیلگر داده*** بدل شود و ارزش افزوده بیشتری برای سازمان ایجاد کند. یافته‌های OECD نیز این رویکرد را تأیید کرده و نشان داده است که تاکنون هوش مصنوعی بیش از آنکه کمیت شغل‌ها را تغییر دهد، کیفیت آن‌ها را بهبود بخشیده است.

تمرکز منطقه‌ای: چشم‌انداز ایران

تجربه جهانی نشان می‌دهد تأثیر هوش مصنوعی در کشورهای مختلف متفاوت خواهد بود. برای ایران، برآوردهای اولیه مرکز پژوهش‌های مجلس حاکی است که حدود ***۲۰ درصد از مشاغل موجود*** طی سال‌های آینده تحت تأثیر این فناوری قرار خواهند گرفت. نکته مهم آن است که نزدیک به ***۹۰ درصد این تأثیرها جنبه تکمیلی*** دارند، نه جایگزینی. در عمل، پیش‌بینی می‌شود تنها حدود ***۲ درصد از مشاغل فعلی ایران حذف شوند***، در حالی که بخش عمده‌ای از تغییرات معطوف به بهبود بهره‌وری و افزایش کارایی خواهد بود.

بر همین اساس، هوش مصنوعی می‌تواند بهره‌وری اقتصاد ایران را تا ***۱۲ درصد افزایش دهد***؛ البته به شرط آنکه زیرساخت‌های لازم فراهم شود. این دگرگونی به معنای شکل‌گیری یک ***شکاف مهارتی جدید*** است که اهمیت سرمایه‌گذاری در آموزش، بازآموزی و مهارت‌آموزی مداوم را





مجموعه‌ای از اقدامات ضروری به نظر می‌رسد:

- * اصلاح نظام آموزشی و حرکت به سمت مهارت‌های میان‌رشته‌ای.
- * ایجاد زیرساخت‌های یادگیری مادام‌العمر برای بازآموزی نیروی کار.
- * بازطراحی شبکه‌های ایمنی اجتماعی به‌ویژه بیمه بیکاری.
- * تدوین مقررات ملی هوش مصنوعی با محوریت شفافیت، عدالت و حمایت از حقوق کارگران.
- * سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های دیجیتال برای جلوگیری از ایجاد «شکاف دیجیتال».

جمع‌بندی

آینده کار با هوش مصنوعی نه صرفاً سناریوی تاریک از حذف مشاغل است و نه تصویر آرمان‌شهری بدون چالش. واقعیت، * پیچیده‌تر و چندبعدی‌تر * است. این فناوری همزمان فرصت‌هایی بی‌سابقه برای افزایش بهره‌وری و رشد اقتصادی فراهم می‌کند و چالش‌های جدی در زمینه عدالت، مهارت و اخلاق به همراه دارد. بنابراین، موفقیت کشورها و سازمان‌ها در این گذار، بیش از هر چیز به * سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی، اعتمادسازی و تدوین چارچوب‌های حاکمیتی * وابسته است. در این مسیر، هوش مصنوعی نه رقیب انسان، بلکه شریک قدرتمندی برای ساختن آینده‌ای هوشمندتر خواهد بود.

۸۰۰ سال-کار صرفه‌جویی کند.

- * شرکت EchoStar در حوزه ارتباطات، ۱۲ اپلیکیشن جدید توسعه داده که بهره‌وری را ۲۵ درصد افزایش داده است.
- * شرکت BKW توانسته با به‌کارگیری هوش مصنوعی، زمان پردازش‌های مالی را تا ۵۰ درصد کاهش دهد.
- تویوتا با توانمندسازی کارکنان در استفاده از یادگیری ماشین، بیش از ۱۰ هزار سال-کار صرفه‌جویی کرده است.
- * بانک JPMorgan با بهره‌گیری از هوش مصنوعی، فرآیندهای زمان‌بر سنتی را ساده و بهره‌وری را به‌طور چشمگیری افزایش داده است.

نقشه راه برای ایران

برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های هوش مصنوعی و کاهش ریسک‌های آن،

تاریخچه

ایده در دهه ۱۹۵۰
(داستان‌های علمی‌تخیلی)
عملی شدن اولیه در دهه ۱۹۸۰

تفاوت با روش سنتی

به جای تراشیدن از بلوک
جامد، ماده افزوده می‌شود.



دنیای بی‌مرز تولید

چاپ سه‌بعدی
روشی است که در
آن مواد به صورت
لایه‌به‌لایه روی هم
قرار می‌گیرند تا
از داده‌های مدل
سه‌بعدی، قطعات
ساخته شوند.

شرکت‌های بزرگی مانند بوئینگ و
جنرال الکتریک از این فناوری استفاده می‌کنند.



GENERAL
ELECTRIC



WWW.TEJARATEFARDA.COM

مزایا



آر
در
تولید محصولات
خاص را



کاهش زمان و هزینه
این فناوری هزینه‌ها
و زمان ساخت را کاهش
می‌دهد.



مدیریت موجودی
شرکت‌ها می‌توانند بدون
نیاز به نگهداری انبار،
قطعات کمیاب را به سرعت
تولید کنند.



امکان تولید قطعات
سبک و پیچیده
امکان ساخت قطعات مقاوم‌تر
و هندسی را فراهم می‌کند.



سفارشی‌سازی
و کاهش ضایعات مواد
فقط همان چیزی که نیاز است
چاپ می‌شود.



مشکلات
تنظ



کمیاب متخصصان
ماهر



نیاز به پردازش پسینی
و تضمین کیفیت



سرعت پایین
در تولید انبوه



هزینه بالای
تجهیزات

چالش‌ها

کاربردها

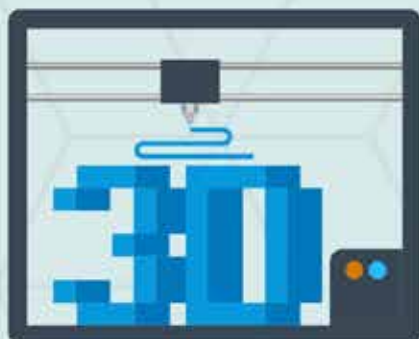
انواع فناوری‌های چاپ سه‌بعدی:

۱ پلیمریزاسیون در مخزن (Vat Photopolymerization)

۲ اکستروژن ماده (Material Extrusion)

۳ جت مواد (Material Jetting)

۴ ذوب بستر پودری (Powder Bed Fusion)



پزشکی

تولید پروتز، ایمپلنت و بافت‌های زیستی برای استفاده‌های گوناگون



معماری و ساختمان‌سازی

ساخت سازه‌های بزرگ با سرعت و هزینه کمتر، مانند خانه‌هایی با بتن چاپ شده سه‌بعدی



خودروسازی و هوافضا

ساخت قطعات سبک برای بهبود عملکرد و کاهش مصرف سوخت



پوشاک و محصولات مصرفی

شرکت‌هایی مانند آدیداس و نایکی از چاپ سه‌بعدی برای ساخت کفش و سایر محصولات استفاده می‌کنند.



نمونه‌سازی: این فناوری از ابتدا برای ساخت نمونه‌های اولیه و ماکت‌ها استفاده می‌شد و هنوز هم کاربرد زیادی در این زمینه دارد.



سهم منطقه‌ای (۲۰۲۳)



میلیارد دلار
در سال ۲۰۲۳

۱۷/۹۹

میلیارد دلار
در سال ۲۰۲۴

۲۱/۵۸

میلیارد دلار
پیش‌بینی برای سال
۲۰۳۳ (با رشد سالانه
۱۹/۸۵ درصد)

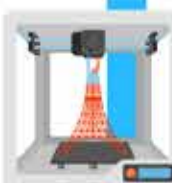
۱۱۰/۱۳

ارزش بازار جهانی



نوآوری در مواد

این فناوری می‌تواند با مواد متنوعی از جمله پلیمرها، فلزات، سرامیک‌ها و حتی مواد زیستی کار کند.



رشد تقاضا

صنایع هوافضا، پزشکی و خودروهای مسابقه‌ای بیشترین تقاضا را برای این فناوری دارند، زیرا عملکرد برای آنها مهم‌تر از قیمت است.

آینده چاپ سه‌بعدی

استفاده ترکیبی

می‌توان از چاپ سه‌بعدی برای تولید در حجم کم و از تولید سنتی برای حجم بالا استفاده کرد تا از مزایای هر دو روش بهره برد.





چرای مخالفت با تک‌نرخی شدن ارز در گفت‌وگو با ولی‌الله سیف



در نشست اخیر شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی، دولت و بانک مرکزی مکلف شدند با هدف تقویت تولید ملی و کاهش نوسان ارزی، سیاست‌های لازم برای تک‌نرخی کردن ارز و اجرای نظام شناور مدیریت‌شده را تدوین و اجرا کنند. بانک مرکزی با تک‌نرخی شدن ارز مخالف است و عواملی همانند تحریم‌ها، ناپایداری درآمدها، تقاضاهای متنوع ارزی، ساختار چندنرخه بازار و اختلاف‌های سیاستی را از موانع اصلی تک‌نرخی شدن ارز می‌داند. به نظر می‌رسد وزارت امور اقتصادی و دارایی موافق تک‌نرخی شدن ارز است اما بانک مرکزی با آن مخالفت می‌کند. چه موانعی بر سر راه تک‌نرخی شدن ارز وجود دارد؟ در این پرونده در گفت‌وگو با آقای دکتر ولی‌الله سیف، رئیس کل وقت بانک مرکزی در دولت نخست حسن روحانی به این پرسش پاسخ می‌دهیم که چرا بانک مرکزی مخالف تک‌نرخی شدن ارز است؟

به نظر تان ریشه‌های مخالفت بانک مرکزی با تک‌نرخی شدن ارز چیست؟

تصور من این نیست که بانک مرکزی مخالف یکسان‌سازی نرخ ارز باشد؛ بلکه بنا بر تجربه‌های گذشته نگران این است که در اثنای اجرای برنامه تنها مانده و سایر دستگاه‌ها کنار بکشند و مسئولیت‌های عدم تحقق نتایج که حاصل بی‌تفاوتی و سهل‌انگاری سایر دستگاه‌هاست به گردن بانک مرکزی بیفتد. در شرایط عادی اقتصادی و بین‌المللی اگر کشوری برخوردار از اقتصاد کاملاً دستوری همراه با حجم زیاد پارانه‌های متنوع بخواهد در این مسیر قدم بردارد (البته تجربه‌های روز سایر و منطق کارشناسی هم همین مطلب را توصیه می‌کند) در نخستین گام باید برنامه اقدام و زمان‌بندی مناسب برای آن تهیه کرده و به تصویب برساند که جزئیات مسئولیت زمان‌بندی‌شده هر یک از دستگاه‌ها را شامل شود و هر دستگاه نقش خودش را در اجرای برنامه بداند. دستگاه‌ها باید در فواصل زمانی تعیین‌شده، گزارش اقدام‌های انجام‌شده را متناسب با مسئولیت‌ها به مسئول برنامه ارائه کرده و در مورد همه جزئیات آن پاسخگو باشند. نباید تصور کنیم که چون مسئولیت مسئله ارز با بانک مرکزی است، این نهاد می‌تواند به تنهایی بدون ایجاد هیچ محدودیتی برای سایر دستگاه‌ها چنین هدفی را به نتیجه برساند. به نظر من بانک مرکزی ذاتاً با یکسان‌سازی نرخ ارز موافق است و از آن استقبال می‌کند، ولی این امر مستلزم آن است که یکسان‌سازی نرخ ارز پروژه ملی تلقی شود و همه نهادها و دستگاه‌های دولتی در انجام آن همراهی کنند. البته، این توضیح مربوط به شرایط عادی است و در شرایط حاضر، اقتصاد ما با وضع غیرعادی و فضای نامناسب بین‌المللی، تحریم‌های گسترده، تورم‌های بالا و عدم ارتباطات مناسب بانکی مواجه است. هریک از این موارد به تنهایی می‌تواند باعث ایجاد شوک و نوسان شدید در اقتصاد شود و دورنمای اقتصاد را مبهم و

پیش‌بینی‌ناپذیر کند. در گذشته که شرایط عمومی مناسب‌تری داشتیم، تصمیم برای یکسان‌سازی نرخ ارز به دفعات اخذ ولی در زمان اجرا، بنا بر دلایلی متوقف شد. اجرای این تصمیم نیازمند عزم عمومی با ثبات ملی است. در زمان اجرا همه دستگاه‌ها باید مسئولانه وظایفشان را انجام دهند و نباید مورد تردید و بازنگری قرار گیرند. بی‌توجهی به این نکته، هربار هزینه‌هایی به اقتصاد تحمیل می‌کند و در صورت تکرار، این هزینه‌ها قابل توجیه نیست. بنابراین تداوم عزم جمعی تا حصول نتیجه نهایی، الزامی است. در غیر این صورت، تکرار آن بی‌معنا و خسارت‌بار است. سال‌ها پیش در مجلس شورای اسلامی قانونی درباره رژیم ارزی تعیین شد که باید ارز مبنی بر شناور مدیریت‌شده ساماندهی شود ولی متأسفانه انسجام و عزم ملی برای اجرای آن به وجود نیامده است.

این گزاره آقای محمد رضا فرزین (رئیس

و برنامه‌های دولت است. تصمیم‌هایی همچون تخصیص دلار ۴۲۰۰ تومان یا دلار ۲۸۵۰۰ تومان نیز همین واقعیت را نشان می‌دهد.

به باورتان چه موانعی بر سر راه تک‌نرخی شدن ارز وجود دارد؟

مقوله تک‌نرخی شدن ارز، یکی از مهم‌ترین اجزای برنامه انجام اصلاحات اقتصادی است. نخستین و مهم‌ترین پیش‌نیاز چنین اقدامی، عزم و اراده منسجم ملی است. سیاست‌گذاران باید به‌منظور جلب همراهی و مشارکت عمومی ضرورت‌ها و آثار مثبت اقتصادی و اجتماعی تصمیم‌های این‌چنینی را به‌روشنی برای جامعه توضیح دهند. همچنین برنامه‌ها باید با زمان‌بندی مناسب، تحت نظر و هدایت شورایی مرکب از مسئولان اقتصادی اجرا شود. به جز این، لازم است موانع و مشکلات پیش‌رو به‌دقت پیش‌بینی شده و روش‌های مقابله و رفع آنها از قبل مشخص شود. سیاست‌گذاران همچنین باید وظایف همه دستگاه‌های مسئول را با جزئیات کامل به‌صورت دقیق مشخص و ابلاغ کنند. در چنین شرایطی می‌توان به هدف مورد نظر رسید. البته همواره باید محدودیت‌ها و پیامدهای اجرای برنامه در کوتاه‌مدت را مورد توجه قرار داد. دولت باید با شفاف‌سازی و اطلاع‌رسانی‌های به‌موقع و مناسب نسبت به تقویت و استمرار عزم عمومی اقدام کند. در این برنامه باید چالش‌های ویژه همانند سلطه مالی دولت، نرخ‌های دستوری در اقتصاد، رشد نقدینگی، تورم، محدودیت‌های مربوط به منابع ارزی، محدودیت‌های روابط بانکی و چالش‌های دیگر از قبیل مسئله FATF، مقررات صادرات و واردات و مجوزهای خاص مرزی و پیامدهای آن بر تقاضای ارز در بازار و تاثیری که بر نرخ ارز دارد، تبیین و راهکارهای واقع‌بینانه در هر مورد پیش‌بینی شود.

در دهه‌های گذشته، اقتصاد ایران هر چند سال یک‌بار به دلیل جهش ناگهانی قیمت ارز با نوسان و شوک‌های شدید مواجه شد و هر بار واکنش مسئولان آن بود که با شتاب‌زدگی تصمیم‌هایی برای سرکوب نرخ ارز بگیرند که به‌زعم خودشان اقتصاد را آرام کنند. حال آنکه همواره آثار اقدام‌های دستوری، کوتاه‌مدت بوده است. به نظر شما دلیل تکرار اشتباه از سوی سیاست‌گذاران چیست؟

با توضیح‌های قبل مشخص است اگر تصمیم یا سیاستی بدون توجه به ابعاد مختلف آن و آثاری که بر سایر بخش‌ها دارد، اتخاذ شود، قطعاً در اجرا پیامدهایی ایجاد می‌کند که قبلاً پیش‌بینی نشده و مورد توجه مسئولان نبوده است. بنابراین سیاست‌گذاران برای خنثی‌سازی یا اصلاح آن مجبور می‌شوند از تصمیم قبلی برگردند و از این طریق شوک جدیدی را به اقتصاد وارد کنند. همان‌طور که توضیح دادم ماهیت سیاست‌های اقتصادی، بلندمدت بودن آنهاست. بنابراین نباید برای اهداف کوتاه‌مدت و روزمره اجازه بدهیم اهداف و سیاست‌های بلندمدت اقتصادی تحت‌الشعاع قرار گیرد. اشکال اساسی در این است که ظاهراً همه مسئولان با نرخ ارز شناور مدیریت شده موافق هستند، اما به این شرط که به افزایش نرخ ارز منجر نشود! تازه اگر این اتفاق روی داد هم می‌خواهند با دستور، مانع افزایش قیمت شوند! جالب توجه اینکه این دستور صرفاً به بانک مرکزی تحمیل می‌شود و سایر دستگاه‌هایی که به تقاضای ارز در بازار دامن می‌زنند، شامل آن نمی‌شوند. در واقع سیاست‌گذاران این نکته را که تنها ابزار بانک مرکزی برای جلوگیری از افزایش نرخ ارز، مداخله در بازار با استفاده از منابع ارزی محدود است، در نظر نمی‌گیرند.

سال‌هاست بانک مرکزی و وزارت اقتصاد، انگشت اتهام ارز چندنرخ را به سمت یکدیگر نشان می‌روند. به نظر شما اینکه گفته می‌شود وزارت امور اقتصادی و دارایی موافق تک‌نرخی شدن ارز است اما بانک مرکزی با آن مخالفت می‌کند تا چه اندازه صحیح است؟

به نظر بنده هر سه دستگاه اصلی اقتصادی یعنی وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان

کل بانک مرکزی) که توضیح می‌دهد «هر یک از اقتصادهای دنیا با ریسک‌های متفاوت مواجه‌اند و تجارت ما هم بر همین مبنا با آن اقتصادها ریسک‌های متفاوت دارد. در این شرایط ما مجبور می‌شویم از سیاست‌های تبعیضی برای پیشبرد امور بهره‌گیریم» تا چه اندازه صحیح است؟

ایران مانند سایر اقتصادهایی که به دلایل مختلف (درون‌زا و برون‌زا)، مثل دخالت‌های غیرکارشناسی مقام‌های سیاسی، سیاست‌گذاری‌های غلط مسئولان و اتفاق‌هایی همانند جنگ یا قحطی با تلاطم‌ها و نوسان‌هایی مواجه‌اند و در شرایط ویژه قرار گرفته‌اند، باید با استفاده از دانش روز و تجربه کشورهای موفق در مسیر اصلاح قرار گیرد. این‌گونه تصمیم‌ها و سیاست‌گذاری‌ها، عموماً ماهیت بلندمدت دارد و ممکن است در کوتاه‌مدت به محدودیت منجر شود. ولی به دلیل شرایط باثبات و مناسب که به‌تدریج در اقتصاد ایجاد می‌کند، زمینه رشد و پویایی اقتصاد را فراهم می‌آورد. محدودیت‌ها و نارضایتی‌های حاصل از آن، هزینه‌ای است که اقتصاد و جامعه برای تحقق چنین فضای مطلوبی، به‌صورت آگاهانه پرداخت می‌کند. ریسک چنین شرایطی برای تحقق یکسان‌سازی ارز، در وهله نخست نارضایتی‌های احتمالی جامعه و در وهله دوم، رقابت‌های سیاسی و بیانیه‌های عوام‌فریبانه‌ای است که می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد تردید و تزلزل در عزم عمومی برای تحقق کامل برنامه یکسان‌سازی نرخ ارز شود. تزلزل‌ها در حالی رخ می‌دهد که بخشی از هزینه یکسان‌سازی، پیشتر پرداخت شده است. بنابر تجربه، چنانچه یکسان‌سازی سبب سخت شدن وضع اقتصاد شود، بانک مرکزی به‌عنوان مسئول اصلی ایجاد محدودیت‌ها و هزینه‌ها معرفی می‌شود و اقتصاد، مجدداً با دخالت‌های شتاب‌زده و دستورها یا مصوبه‌های خاص، به وضع قبلی برمی‌گردد. تکرار چنین شرایطی، سبب ایجاد هزینه بزرگ‌تر دیگری هم می‌شود که همان از بین رفتن اعتماد عمومی جامعه نسبت به سیاست‌گذاری‌ها

اقدام‌هایشان در بازار پاسخگو نیستند و مسئول شناخته نمی‌شوند.

چرا ارز چندنرخی شد؟ در حال حاضر چند نرخ داریم و بانک مرکزی برای مخالفت با تک‌نرخی کردن ارز چه ملاحظه‌هایی دارد؟

متأسفانه چندنرخی شدن ارز مربوط به این دوره نیست و در گذشته به دفعات، با دخالت‌های غیرتخصصی اتفاق افتاده و در هر مورد با تحمل شوک‌ها و هزینه‌هایی در اقتصاد، برطرف شده است. مسئله آن است که مقام‌های سیاسی هر بار بدون درس‌آموزی از تجربه‌های گذشته، اقدام‌های قبل را تکرار می‌کنند. بروز پدیده ارز چندنرخی در اقتصاد، عمدتاً نتیجه دخالت و ورود مقام‌های سیاسی و اعمال دستورهای به منظور سرکوب نرخ ارز و دستیابی به نتایج کوتاه‌مدت بوده است. البته در همه موارد، این‌گونه مداخله‌ها هزینه‌هایی را به آینده منتقل کرده است. بانک مرکزی ارزی تولید نمی‌کند و منابع ارزی محدودی در اختیار دارد. این منابع با تقاضای زیاد از جوانب مختلف مواجه است. شخصاً هیچ دلیلی مبنی بر مخالفت بانک مرکزی با تک‌نرخی شدن ارز نمی‌بینم. تنها نکته‌ای که می‌تواند مطرح باشد این است که در شرایط تک‌نرخی شدن نرخ ارز، مقام‌های مسئول، بانک مرکزی را مسئول نوسان‌ها و افزایش قیمت ارز معرفی می‌کنند. بانک مرکزی می‌تواند صرفاً در حد امکانات خودش پاسخگو باشد و سایر دستگاه‌ها هم متناسب با نقشی که در بازار ارز دارند، باید مسئول شناخته شوند.

شما در دوره‌ای رئیس بانک مرکزی بوده‌اید. اگر اجازه دهید می‌خواهم از شما بخواهم تصور کنید به این سمت بازگشته‌اید و می‌خواهید اقدام به سیاست‌گذاری ارزی کنید. مهم‌ترین اقدام‌های شما چیست و از کدام اقدام‌ها اجتناب می‌کنید؟

شاید دلیل شما برای اینکه فرض محال برگشتن به سمت قبلی را مطرح می‌کنید این باشد که پیشنهادی مسئولانه را که نسبت به آن پاسخگو باشم مطرح کنم. قطعاً همین کار را می‌کنم که کم‌اینکه در گذشته هم در زمان مسئولیت به‌رغم مخالفت مقام‌های ارشد همین کار را کردم. ولی متأسفانه پیشنهاد ارائه‌شده کنار زده شده و تصمیم دیگری گرفتند که هزینه‌های زیاد ایجاد کرد. در شرایط فعلی تصمیم شتاب‌زده برای تک‌نرخی شدن ارز را مصلحت نمی‌دانم. در مقابل، تعیین نقشه راه مناسب برای تحقق ارز تک‌نرخی را ضروری می‌دانم. این مهم باید با محور هر سه دستگاه اصلی اقتصادی با دقت و جزئیات کامل تهیه شود و به تصویب بالاترین مراجع برسد. این برنامه باید از کاهش تعدد نرخ‌ها شروع و نهایتاً به ارز تک‌نرخی منجر شود. همچنین لازم است از دخالت‌های دستوری در بازار اجتناب شده و حتی‌الامکان با اعمال مدیریت صحیح، نرخ‌های بازار به قیمت واقعی نزدیک شود که دامنه رانت و فساد کاهش یابد. مدیریت صحیح و مناسب بازار ارز به این معناست که از دخالت مستقیم در آن پرهیز کنیم و از طریق عوامل عرضه و تقاضا، بازار را در مسیر کم‌نوسان هدایت کنیم. بخشی از این اقدام می‌تواند با توجه به محدودیت‌های بانک مرکزی به کمک افزایش عرضه توسط بانک مرکزی باشد و بخش دیگر با تاثیر روی تقاضا از طریق مقررات صادرات و واردات، تعرفه‌های گمرکی، مجوزهای خاص و تبادل‌های مرزی قابل انجام است. تا زمانی که تخصیص ارز ترجیحی ادامه دارد، نکته اساسی نظارت بر فرآیند تخصیص، واردات، توزیع و فروش کالاهای وارداتی است. به‌نحوی که مصرف‌کننده بتواند از ارز ترجیحی منتفع شود، زیرا واردات با ارز ترجیحی انجام شده ولی قیمت مصرف‌کننده بر مبنای نرخ ارز بازار آزاد تعیین می‌شود. یعنی در حقیقت این واسطه‌ها و دلال‌ها هستند که از ارزهای ارزان قیمت و با نرخ ترجیحی، منتفع می‌شوند/تجارت فردا.

برنامه‌بودجه و بانک مرکزی در حرکت به سمت تک‌نرخی شدن ارز نقش و مسئولیت اصلی را دارند. این دستگاه‌ها باید با همکاری یکدیگر و سایر نهادها، برنامه‌ای که دربرگیرنده همه ملاحظه‌ها باشد، طراحی و به دولت و مجلس ارائه کنند که براساس آن در دوره زمانی مناسب، متناسب با شرایط با پرهیز از تلاطم و شوک جدید به اقتصاد، به نتیجه برسد. البته شروع چنین اقدامی را با توجه به محدودیت‌های موجود و فضای کنونی به مصلحت نمی‌دانم. یکسان‌سازی نرخ ارز باید منوط به تحقق پیش‌شرط‌هایی باشد که مهم‌ترین آن عادی شدن یا پیش‌بینی‌پذیر شدن شرایط بین‌المللی است.

در شرایط فعلی تک‌نرخی کردن ارز چقدر مهم است؟ اگر مهم است، دست بانک مرکزی تا چه اندازه برای اجرای این سیاست باز است؟

شرایط ارز چندنرخی پیامدهای منفی زیاد دارد. نخست اینکه مانع تخصیص بهینه منابع محدود ارزی شده و نتیجه آن، اجرای دستورهای مصلحتی و غیرکارشناسی در مصرف منابع ارزی است. نکته بعدی که اهمیت زیادی دارد، مسئله سوءجریان‌ها و فساد است که به وجود می‌آورد و به تدریج متناسب با تفاوت‌هایی که در نرخ‌ها ایجاد می‌شود، باعث توسعه و گسترش فساد می‌شود. ارز چندنرخی و نرخ‌های دستوری ارز با از بین بردن فضای رقابتی، باعث کاهش صادرات، رونق واردات و از بین رفتن اشتغال می‌شود. بانک مرکزی برای تحقق ارز تک‌نرخی فی‌نفسه مشکل خاصی ندارد. تنها نکته‌ای که به آن توجه نمی‌شود این است که نرخ ارز در بازار، براساس عرضه و تقاضا تعیین می‌شود و بانک مرکزی، تنها می‌تواند با افزایش عرضه ارز در بازار (متناسب با منابعی که در اختیار دارد) بر قیمت آن تاثیر بگذارد. در صورت محدودیت منابع ارزی در اختیار، بانک مرکزی امکان اقدام دیگری ندارد. همچنین سایر دستگاه‌ها که با اتخاذ سیاست‌های خاص، تقاضای ارز را افزایش می‌دهند نسبت به نتایج



چشم انداز جدید OECD از اقتصاد جهانی

در زمینه سیاست پولی، OECD انتظار دارد اکثر بانک‌های مرکزی عمده، نرخ‌های بهره را کاهش دهند یا سیاست‌های انبساطی را حفظ کنند، مشروط بر اینکه فشارهای تورمی ادامه یابند. در این میان، طبق برآورد سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، فدرال رزرو با ضعیف شدن بازار کار، نرخ‌ها را بیشتر کاهش خواهد داد، مگر اینکه تعرفه‌های بالاتر تورم گسترده‌تری ایجاد کنند. استرالیا، بریتانیا و کانادا کاهش‌های تدریجی نرخ‌ها را تجربه خواهند کرد، در حالی که بانک مرکزی اروپا با تورم نزدیک به هدف ۲ درصدی، سطوح نرخ بهره را ثابت نگه خواهد داشت. ژاپن اما نرخ‌های بهره را افزایش می‌دهد تا از سیاست‌های فوق‌انبساطی خارج شود.

این گزارش نشان‌دهنده بهبودی موقت در چشم‌انداز جهانی مورد انتظار است، اما هشدار می‌دهد که تعرفه‌های پایدار و عدم قطعیت سیاست‌گذاری، رشد را به طور قابل توجهی تضعیف خواهد کرد. سرمایه‌گذاری در هوش مصنوعی و حمایت‌های مالی، نقش کلیدی در حفظ ثبات فعلی ایفا می‌کنند، اما تأثیر بلندمدت تعرفه‌ها بر تجارت و سرمایه‌گذاری، چالش‌های جدی ایجاد خواهد کرد. OECD در گزارش خود، بر لزوم کاهش موانع تجاری برای جلوگیری از رکود عمیق‌تر تأکید دارد. در حالی که تورم در حال مهار شدن است، اما ریسک‌های ژئوپلیتیک همچنان تهدید کننده هستند.

دنیای اقتصاد: سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) در گزارش فصلی که روز سه‌شنبه منتشر شد، اعلام کرد که اقتصادهای ایالات متحده و جهان در سال جاری با سرعت کمتری از آنچه پیش‌بینی می‌شد، فعالیت خواهند کرد؛ همچنین در سال ۲۰۲۶ با تشدید تأثیر تعرفه‌های بالاتر، شتاب خود را از دست خواهند داد. این گزارش پیش‌بینی می‌کند اقتصاد آمریکا در سال ۲۰۲۵ با رشد ۱.۸ درصدی و ۱.۵ درصدی در سال ۲۰۲۶ روبه‌رو خواهد بود، در حالی که در سال ۲۰۲۴ رشد ۲.۸ درصدی را تجربه کرده است.

افت اقتصادی در ۲۰۲۶

OECD تأکید می‌کند که ضربه کامل تعرفه‌های وارداتی آمریکا هنوز وارد نشده است، در حالی که رشد فعلی به لطف سرمایه‌گذاری‌های هوش مصنوعی در آمریکا و حمایت‌های مالی در چین حفظ شده است. شرکت‌ها تاکنون بخش زیادی از شوک تعرفه‌ها را از طریق کاهش حاشیه سود و انباشت موجودی‌ها جذب کرده‌اند. نرخ موثر تعرفه‌های آمریکا بر واردات کالا تا پایان اوت به ۱۹.۵ درصد رسیده که بالاترین سطح از سال ۱۹۳۳ (دوران رکود بزرگ) است. در این راستا، بسیاری از شرکت‌ها پیش از افزایش تعرفه‌های دولت ترامپ، کالاها را انباشت کرده بودند. رشد جهانی اقتصاد نیز بهتر از انتظار عمل کرده و OECD پیش‌بینی خود را برای سال ۲۰۲۵ از ۲.۹ درصد به ۳.۲ درصد ارتقا داد، اما برای سال ۲۰۲۶ آن را در ۲.۹ درصد ثابت نگه داشت. این بهبود موقت به دلیل انباشت موجودی‌ها است، اما با محو شدن این عامل و افزایش اثر تعرفه‌ها، سرمایه‌گذاری و تجارت تحت فشار قرار خواهند گرفت.

در ایالات متحده، رونق سرمایه‌گذاری در هوش مصنوعی، حمایت‌های مالی و کاهش نرخ‌های بهره توسط فدرال رزرو، تأثیر تعرفه‌های بالاتر، کاهش مهاجرت خالص و اخراج‌های فدرال را جبران می‌کند. در چین، رشد در نیمه دوم سال کند می‌شود، زیرا عجله برای صادرات پیش از تعرفه‌های آمریکا کاهش می‌یابد و حمایت‌های مالی کم‌رنگ‌تر می‌شود. با این حال، چشم‌انداز رشد چین برای ۲۰۲۵ به ۴.۹ درصد و برای ۲۰۲۶ به ۴.۴ درصد ارتقا یافته است که همچنان کمتر از هدف رشد دولت چین است.

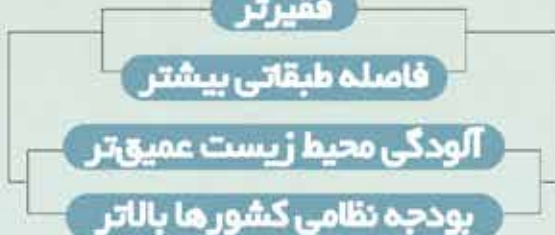
در منطقه یورو، تنش‌های تجاری و ژئوپلیتیک، مزایای کاهش نرخ بهره را خنثی می‌کند. چشم‌انداز رشد این بلوک برای ۲۰۲۵ از یک درصد به ۱.۲ درصد افزایش یافته، اما برای ۲۰۲۶ از ۱.۲ درصد به یک درصد کاهش یافته است. افزایش هزینه‌های عمومی در آلمان رشد را تقویت می‌کند، در حالی که صرفه‌جویی در فرانسه و ایتالیا آن را تضعیف می‌نماید. همچنین، اقتصاد ژاپن از سودهای قوی شرکت‌ها و بازگشت سرمایه‌گذاری بهره می‌برد و چشم‌انداز رشد آن برای ۲۰۲۵ از ۰.۷ درصد به ۱.۱ درصد و برای ۲۰۲۶ از ۰.۴ درصد به ۰.۵ درصد ارتقا یافته است. برای بریتانیا، چشم‌انداز رشد ۲۰۲۵ از ۱.۳ به ۱.۴ درصد افزایش یافته و برای ۲۰۲۶ بدون تغییر در یک درصد باقی مانده است.

روندها کلا منطقه‌ای

- وابستگی ساختار نظامی آمریکا
- بالکنیزه کردن سوریه
- تعمیق روابط نرم‌افزاری و سخت‌افزاری کشورهای عربی با آمریکا
- همانگی ساختاری سیستم با اسرائیل در منطقه
- تعمیق شبکه اقتصادی و ژئوپلیتیک قفقاز، اسرائیل، منطقه خلیج فارس و اردن
- سرمایه‌گذاری یک‌تر داری کشورهای عربی آمریکا برای ساخت دیتا و خرید اسلحه تا ۳۰

جهان یک دهه آینده

فقیرتر



افزایش بودجه نظامی آمریکا از ۹۹۷ میلیارد دلار در ۲۰۲۵ به ۱۱۰۰ میلیارد دلار در ۲۰۲۶

فروش جهانی اسلحه در جهان: ۴۳ درصد آمریکا، ۱۰ درصد فرانسه، ۸ درصد روسیه

آمریکا ۲۷ درصد کل انرژی جهان را تولید می‌کند.

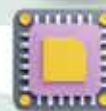
آمریکا تلاش خواهد کرد قیمت نفت را در کانال ۶۰ دلار نگه دارد.

تقاضای جهانی برای نفت در نیمه اول ۲۰۲۵، نیم میلیون بشکه کاهش داشته است.

چین در حال احداث ۲۴ نیروگاه هسته‌ای با ظرفیت ۲۴ گیگاوات است.

چین ۵۴۹ میلیارد دلار و آمریکا ۱۵۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۴ تراشه خریدند.

اکثریت کشورها در حال انطباق با هژمونی آمریکا هستند.



روندها کلا بین‌المللی

مبنای قدرت: هوش مصنوعی، دیتاستر، فلزات نادر و توان تولید تراشه

۶۱ درصد سرمایه‌گذاری در هوش مصنوعی جهان در آمریکا، ۱۷ درصد در چین، ۶ درصد در اروپا

افزایش تمایل جهانی برای خرید طلا

عمده خریداران طلا در جهان: ژاپن، آمریکا، چین، روسیه، ترکیه و آلمان

توافق ترامپ برای فروش دو تراشه فوق‌العاده پیچیده آمریکایی به چین به مبلغ ۳۰ میلیارد دلار



چشم‌انداز ایران

سناریوهای اقتصاد سیاسی پیش‌روی کشور

- آیا سیاست خارجی ایران زمینه تحول و پارادایم شیفت دارد؟
- آیا ایران می‌تواند به اقتصاد جهانی قفل شود؟
- آیا ایران می‌تواند حل موضوع هسته‌ای را با قفل شدن اقتصاد خود به غرب پیش ببرد؟
- آیا سیاست خارجی ایران، پایگاه اجتماعی دارد؟

متغیرهای تعیین کننده برای اقتصاد سیاسی ایران

ایران در دو دایره
مداخل تحولت
جهانی و منطقه‌ای

شخصیت
ترامپ

دوره ۳/۵
ساله ریاست
جمهوری
دونالد ترامپ

همراهی
اروپا

اجماع عموم
جناح‌های حکومت
و مردم اسرائیل
نسبت به برخورد
با ایران

سکوت
اعراب، ترکیه،
روسیه و چین

استراتژی
تقابل/تضعیف و
حذف بنیادگرایی
منطقه‌ای

تمرکز بر
رشد و
توسعه
اقتصادی
منطقه

توافق نهایی تجاری
چین و آمریکا و
کاهش چشمگیر
خرید نفت چین
از ایران

حفظ قیمت
نفت در کانال
۶۰ دلار

بزرگ‌ت
تحریم‌ها

حملات مکرر نظامی
اسرائیل به ایران
برای جلوگیری از
بازسازی قدرت
نظامی

سناریوی احتمالی پیش روی ایران

پول‌های مسدود شده به صورت
قطره‌ای آزاد می‌شود.
قیمت دلار در نوسان بین ۶۵ تا ۷۵
هزار تومان
کسری بودجه قدری کاهش می‌یابد.
شرکت‌های انرژی فرصت کار در
ایران پیدا می‌کنند.
شاید FATF امضا شود.
شاید سوئیفت باز شود.
گشایش‌های قطره‌ای و نرخ رشد
بین ۲ تا ۲/۵ درصدی در کشور

توافق هسته‌ای
با اروپا/ آمریکا

اسنپ‌ک فعال نمی‌شود.
خطر جنگ کم می‌شود.

اشتراکات آمریکا و اسرائیل در استراتژی‌های مواجهه با ایران

محدود کردن منابع مالی ایران

حفظ ساختار تحریم

بیرون نگه داشتن ایران از مدارهای
جهانی مالی، فناوری و سرمایه‌گذاری

حملات سایبری به رمزارزها

حملات سایبری به مراکز نظامی و هسته‌ای

جلوگیری از عادی شدن روابط خارجی ایران

حفظ فضای التهاب و تنش نظامی

حفظ فضای آسیب پذیری و بی ثباتی

توافق صورت نمی‌گیرد.

اسنپ‌ک فعال می‌شود.

خطر حمله بالایی سر ایران

فشار حداکثری فعال می‌شود.
منابع مالی محدود می‌شود.
در صورت توافق تجاری چین با
آمریکا، فروش نفت ایران محدود
می‌شود.
قیمت دلار حالت صعودی پیدا
می‌کند.
نرخ تورم به تدریج افزایش پیدا
می‌کند.
اوضاع شکننده اقتصادی +
افزایش اعتراضات

توافق صورت نمی‌گیرد.
ولی مذاکرات ادامه دارد.

اسنپ‌ک فعال نمی‌شود.

خطر حمله وجود دارد.

اقتصاد معطل و جامعه بلاتکلیف و
افزایش اعتراضات
تقاضا برای دلار و تمایل به
سرمایه‌گذاری در حال توقف
افزایش تدریجی تحریم‌ها و
احتمال محدودیت فروش نفت
به خصوص در صورت توافق
تجاری آمریکا با چین
افزایش حملات سایبری، نظامی،
اقتصادی اسرائیل در کل کشور
به خصوص در عرصه جدید
رمزارزها



کاهش شتاب افت شامخ صنعت

شاخص مدیران خرید کل اقتصاد و شاخص مدیران خرید بخش صنعت در مردادماه حاکی از تداوم روند رکودی ماه‌های اخیر داشته است. در عین حال از شدت کاهش شامخ صنعت کاسته شده است.

شاخص مدیران خرید (شامخ) کل اقتصاد می‌تواند شاخص و معیاری برای نشان دادن شرایط کلی سرمایه‌گذاری مولد و توسعه کسب و کار کشور محسوب شود چراکه نگاه و انتظارات فعالان اقتصادی و تجاری کشور را در شرایط موجود و آینده نشان می‌دهد. براساس آخرین نظرسنجی مرکز پژوهش‌های اتاق ایران در مردادماه ۱۴۰۴، حاکی از تداوم شاخص مدیران خرید کل اقتصاد ایران (پس از تعدیل فصلی) است.

مقدار این شاخص برای مردادماه برابر با ۴۵٫۳ (کاهش نسبت به ماه قبلی (۴۷٫۱)) برآورد شده و حاکی از آن است که وضعیت کسب و کارها در این ماه برای هفدهمین ماه متوالی، روندی کاهشی داشته است. در مردادماه سال جاری، هر پنج مؤلفه اصلی تشکیل دهنده شامخ کل اقتصاد (شامل میزان سفارشات جدید، میزان تولید، موجودی مواد اولیه، میزان استخدام و زمان تحویل سفارشات) همگی روندی نزولی و تا حدودی نامناسب نشان می‌دهد.

میزان تولید محصول یا ارائه خدمات در مردادماه، معادل ۴۴٫۰ محاسبه شده است. این شاخص برای هفدهمین ماه متوالی کمتر از محدوده خنثی ۵۰ قرار گرفته و کمترین مقدار ۵۸ ماهه را از آبان ماه ۱۳۹۹ ثبت کرده است. در این ماه، تداوم قطعی‌های مکرر انرژی برق موجب اختلال در فرآیند تولید کالا و خدمات شده است. همچنین به دلیل کاهش سفارشات و مطالبات معوق بسیاری از شرکت‌ها با کمبود منابع مالی روبرو هستند.

تازه‌ترین گزارش مرکز پژوهش‌های اتاق ایران از شاخص مدیران خرید (PMI) موسوم به شامخ حاکی از این است که این شاخص پیش‌نگر در مردادماه ۱۴۰۴ با تشدید روند کاهشی به ۴۵٫۳ رسیده و برای هفدهمین ماه متوالی روند رکودی داشته است.

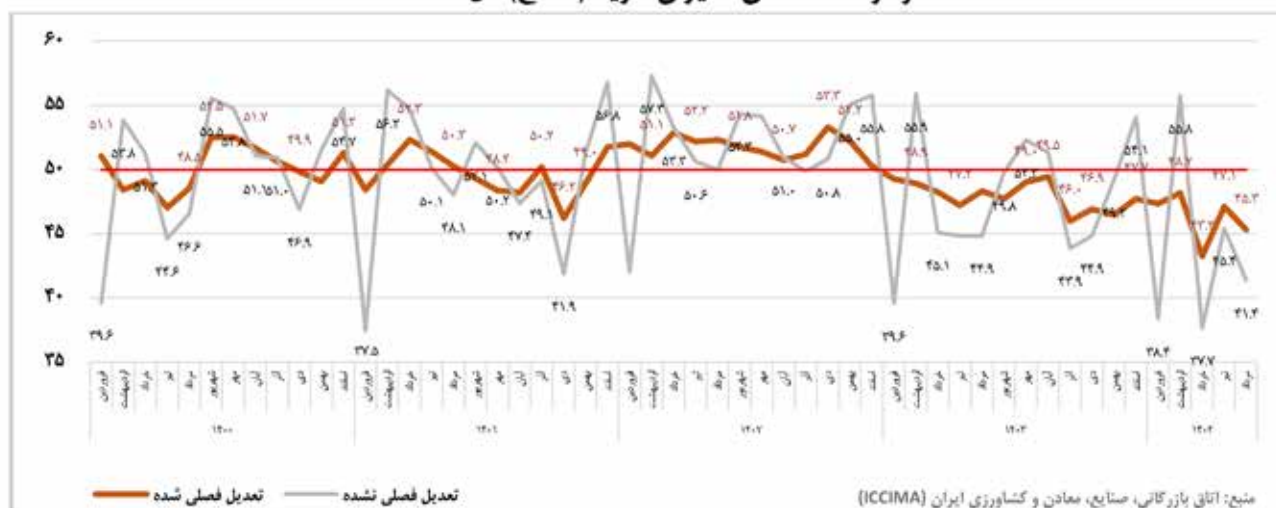
بررسی اطلاعات این گزارش نشان می‌دهد: در مردادماه میزان تولید محصول یا ارائه خدمات کل اقتصاد کمترین مقدار ۵۸ ماهه را از آبان ماه ۱۳۹۹ ثبت کرده و انتظارات در مورد میزان فعالیت‌های اقتصادی در ماه آینده نیز به کمترین مقدار ۳۹ ماهه از خردادماه ۱۴۰۱ رسیده است.

همچنین میزان سفارشات جدید مشتریان کل اقتصاد در مردادماه برای هفدهمین ماه متوالی و بخش صنعت برای چهاردهمین ماه متوالی روندی کاهشی داشته است. ضمن اینکه موجودی مواد اولیه خریداری شده بخش صنعت نیز در شرایط رکود تورمی موجود برای هفدهمین ماه متوالی کاهشی بوده است.



شاخص مدیران خرید کل اقتصاد

نمودار ۱: شاخص مدیران خرید (شامخ) کل اقتصاد



درآمدهای ارزی ناشی از فروش محصولات، تضعیف سودآوری و کاهش توان رقابتی در صادرات انجامیده است.

موجودی مواد اولیه یا لوازم خریداری شده در مردادماه برای دوازدهمین ماه متوالی کاهشی است و تأمین مواد اولیه و ملزومات تولید با تأخیر در تخصیص ارز و عدم ترخیص به موقع مواد وارداتی از گمرک، زنجیره تأمین را با چالش های جدی مواجه کرده است. علاوه بر این، نوسانات افزایشی نرخ ارز همراه با محدودیت های تخصیص ارز و مشکلات گمرکی، هزینه واردات مواد اولیه را افزایش داده و فرآیند تأمین را دشوارتر ساخته است. افزایش قیمت مواد اولیه با توجه به کاهش نقدینگی شرکت ها و همچنین عدم عرضه یا فروش محدود مواد اولیه از سوی تأمین کنندگان به دلیل بی ثباتی بازار، فشار مضاعفی بر تولید کنندگان وارد می کند.

میزان استخدام و به کارگیری نیروی انسانی در مردادماه، برای چهارمین بار از ابتدای سال تاکنون کاهشی است که نتیجه شرایط رکودی حاکم بر فضای تولید و تقاضا است. افت در سفارشات جدید مشتریان، تعطیلی شرکت ها به دلیل ناترازی انرژی و کمبود مواد اولیه، موجب کاهش حجم تولید در بسیاری از کسب و کارها شده و این موضوع نیاز به نیروی کار جدید را کاهش داده است.

همچنین تولید کنندگانی که با رشد هزینه های تولید و افزایش فشارهای مالی مواجه هستند و تسهیلات مالی مناسبی نیز دریافت نمی کنند در تلاش هستند تا با کنترل هزینه های جاری، از جمله نیروی انسانی، زیان های احتمالی را کاهش دهند. علاوه بر این، عدم قطعیت اقتصادی و سیاسی، کسب و کارها را در به کارگیری نیروی کار جدید دشوار کرده است.

از سوی دیگر، افزایش هزینه های زندگی انگیزه نیروی کار برای پذیرش مشاغل با سطوح درآمد فعلی را کاهش داده است. این مجموعه عوامل، بازاری را ایجاد کرده است که هم زمان با کاهش فرصت های شغلی و کمبود جدی نیروی انسانی مواجه است، تضادی آشکار که نشان دهنده فشار هم زمان بر عرضه و تقاضای نیروی کار و ایجاد شرایط پیچیده و نامطمئن در بازار کار است.

انتظارات در مورد میزان فعالیت های اقتصادی در ماه آینده، در مردادماه برای دومین ماه پیاپی کاهشی است و کمترین مقدار ۳۹ ماهه را از خردادماه ۱۴۰۱ ثبت کرده است. در این ماه مجموعه ای از عوامل از جمله ادامه ناترازی گسترده انرژی و نوسانات افزایشی نرخ ارز، هزینه فعالان اقتصادی را بالا برده و چشم انداز آن ها برای ماه آینده را با تردید مواجه کرده است. همچنین به گفته فعالان اقتصادی نگرانی های ناشی از بازگشت تحریم ها، تأثیرات جدی بر کسب و کارها و فضای اقتصادی گذاشته و موجب افزایش بی ثباتی و کاهش اعتماد فعالان اقتصادی شده است.

شاخص میزان سفارشات جدید مشتریان در مردادماه برای هجدهمین ماه متوالی روندی کاهشی داشته است و شدت کاهش در این ماه نسبت به ماه قبل بیشتر بوده است. کاهش این شاخص عمدتاً ناشی از تداوم ضعف قدرت خرید مصرف کنندگان در پی تورم بالا و افزایش هزینه های زندگی است، به طوری که افزایش قیمت کالاها و خدمات، بدون رشد متناسب درآمد واقعی، توان خرید خانوارها را کاهش داده است. علاوه بر این، وجود سایه های جنگ و برخی تنش های ژئوپلیتیکی منطقه ای، نااطمینانی سمت تقاضا نسبت به آینده را تقویت کرده و در نهایت موجب کاهش تقاضا در بازار شده است.

در بخش تجارت خارجی نیز، میزان صادرات کالا و خدمات، به عنوان عاملی تأثیرگذار در شاخص سفارشات جدید مشتریان، در مردادماه برای شانزدهمین ماه متوالی کاهشی بوده است. شدت کاهش در این ماه نسبت به ماه قبل بیشتر بوده است. رفع تعهد ارزی به عنوان مانعی جدی در مسیر صادرات غیرنفتی به خصوص برای صادرکنندگان خرد و متوسط تبدیل شده است و انگیزه صادرکنندگان را کاهش داده است. این موضوع در داده های آمار پنج ماهه اول سال جاری گمرک ایران نیز مشهود است.

در همین حال، نااطمینانی های ناشی از سایه جنگ، برنامه ریزی برای صادرات را دشوار کرده و ریسک فعالیت های صادراتی را افزایش داده است که در نهایت به کاهش

انطباق شاخص مدیران خرید کل اقتصاد با تغییرات تولید اقتصاد

رصد و پایش شاخص مدیران خرید کل اقتصاد و انطباق آن با سایر شاخص ها و آمارهای رسمی کشور با هدف ارزیابی صحت سنجی آن با واقعیت های داده های کشور است. در این میان، انطباق شاخص با شاخص رشد اقتصادی کشور به عنوان تغییرات تولید و تغییرات کسب و کار، مهم و قابل توجه است. به دلیل محدودیت آمارهای رسمی در تولید داده ماهانه (توسط مرکز آمار ایران و بانک مرکزی ایران) از محصول تولید ناخالص داخلی فصلی این دو نهاد آماری استفاده شده است.

نکته قابل توجه، هم راستایی نسبی روند فصلی شاخص کل اقتصاد با روند رشد محصول ناخالص داخلی (مرکز آمار ایران) و روند رشد تولید ناخالص داخلی (بانک مرکزی ایران) طی فصل های مربوطه در سال های اخیر است و این روند در آمارهای مرکز آمار ایران بیشتر محسوس است. بنابراین، این هم راستایی می تواند برای سیاست گذاری و تصمیم گیری های اقتصادی کشور کمک مؤثری نماید.

شاخص مدیران خرید بخش صنعت

شاخص مدیران خرید بخش صنایع کارخانه ای و تولیدی کشور، نمایی بهتر و بارزتر برای سنجش وضعیت کسب و کار و روند تغییرات تولید و فروش است. بر اساس داده های حاصل از نظرسنجی به دست آمده از بنگاه های بخش صنعت، شاخص مدیران خرید صنعت ایران (تعدیل شده) در مردادماه معادل ۴۸٫۸ برآورد شده است.

مقدار شاخص در این ماه برای هفتمین ماه متوالی (به خصوص در برخی فعالیت های صنعتی از جمله وسایل نقلیه و قطعات وابسته، صنایع فرآورده های نفت و گاز و صنایع فلزی) کمتر از محدوده خنثی ۵۰ قرار گرفته است و البته از شدت کاهش روند این شاخص کاسته شده است. قابل ذکر است در این ماه همانند ماه گذشته مقدار شاخص تحت تأثیر کاهش

جدول ۱: شاخص مدیران خرید (شاخص) کل اقتصاد در دو ماه منتهی به مرداد ۱۴۰۴

شاخص	تعدیل فصلی نشده		تعدیل فصلی شده	
	تیر ۱۴۰۴	مرداد ۱۴۰۴	تیر ۱۴۰۴	مرداد ۱۴۰۴
شاخص کل اقتصاد	۴۵٫۴	۴۱٫۴	۴۷٫۱	۴۵٫۳
	میزان تولید محصول با ارائه خدمت	۴۴٫۷	۴۶٫۸	۴۴٫۰
	میزان سفارشات جدید مشتریان	۴۱٫۶	۳۵٫۴	۴۲٫۲
	سرعت انجام و تحویل سفارش	۵۳٫۸	۴۸٫۹	۴۸٫۵
	موجودی مواد اولیه یا لوازم خریداری شده	۴۲٫۱	۴۴٫۲	۴۵٫۱
	میزان استخدام و بکارگیری نیروی انسانی	۴۷٫۵	۴۹٫۰	۴۹٫۲
	قیمت مواد اولیه یا لوازم خریداری شده	۷۵٫۹	۷۶٫۳	۷۶٫۳
مؤلفه های کمکی	موجودی محصول نهایی در انبار یا کارهای در حال تکمیل	۵۰٫۹	۵۲٫۴	۵۲٫۴
	میزان صادرات کالا یا خدمات	۴۶٫۲	۴۰٫۰	۴۴٫۸
	قیمت محصولات تولید شده و خدمات ارائه شده	۵۶٫۷	۵۴٫۶	۵۶٫۶
	مصرف حامل های انرژی	۵۱٫۶	۴۱٫۳	۴۵٫۲
	میزان فروش کالاها یا خدمات	۴۶٫۷	۴۲٫۷	۴۸٫۱
	انتظارات در مورد میزان فعالیت اقتصادی در ماه آینده	۴۵٫۶	۵۰٫۹	۴۶٫۵
	میانگین مرکز پژوهش های اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی ایران، تیر و مرداد ۱۴۰۴			

در چهار مؤلفه اصلی خود (شاخص میزان تولید محصول، میزان سفارشات جدید مشتریان، موجودی مواد اولیه خریداری شده و میزان استخدام و به کارگیری نیروی انسانی) قرار گرفته است.

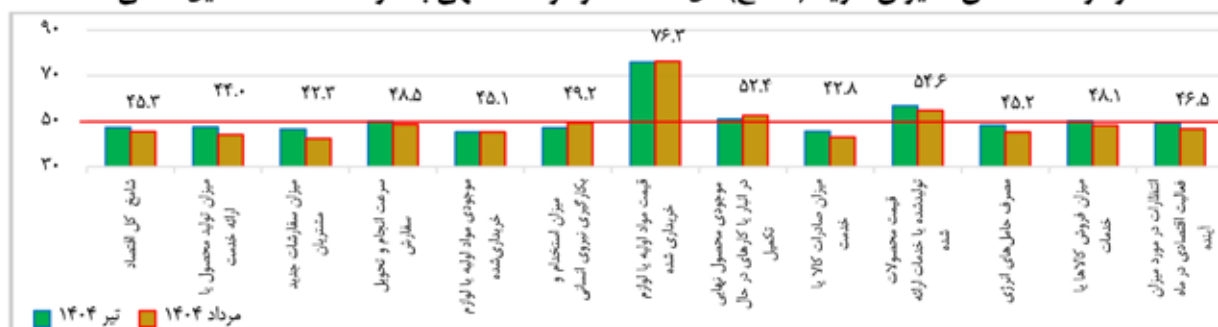
مقدار تولید محصولات بخش صنعت در مردادماه، معادل ۴۹٫۵ محاسبه شده است. این شاخص برای هفتمین ماه متوالی کمتر از محدوده خنثی ۵۰ قرار گرفته است و شدت کاهش در این ماه نسبت به ماه قبلی کمتر بوده است. در این ماه، قطعی های مکرر انرژی برق به یکی از مهم ترین عوامل اختلال در روند تولید واحدهای صنعتی تبدیل شده است و فعالان اقتصادی معتقدند تداوم این ناترازی انرژی فشار سنگینی بر صنایع وارد کرده است.

علاوه بر این، نوسانات افزایشی نرخ ارز و افزایش قیمت مواد اولیه، هزینه های تولید را بالا برده است. در چنین شرایطی، کاهش سفارشات مشتریان، بسیاری از واحدها را با کمبود نقدینگی و مشکلات تأمین مالی روبرو کرده است. با افت تقاضا در بازارهای داخلی و همچنین کاهش فروش صادراتی، فشار مضاعفی بر تولید و فروش صنایع وارد شده است. به طوری که شاخص میزان فروش محصولات نیز در مردادماه برای هفتمین ماه متوالی کمتر از محدوده خنثی ۵۰ قرار گرفته است. شدت کاهش در این ماه نسبت به ماه قبل کمتر بوده است. میزان سفارشات جدید مشتریان در مردادماه برای چهاردهمین ماه متوالی کمتر از محدوده خنثی ۵۰ قرار گرفته است. شدت کاهش در این ماه نسبت به ماه قبل اندکی بیشتر بوده است. نگرانی صاحبان بنگاه ها، تداوم این وضعیت است و می تواند به رغم تولید بیشتر در ماه های آتی، فقط، موجودی انبارها را افزایش دهد. کاهش قدرت خرید مصرف کنندگان به علت تورم فزاینده و همچنین افزایش قیمت محصولات تولید شده صنعتی، موجب تضعیف بازار مصرف و به تبع آن کاهش سفارشات مشتریان شده است.

قابل ذکر است نااطمینانی های موجود نسبت به آینده اقتصادی به علت تنش های سیاسی و نوسانات نرخ ارز، خانوارها و مصرف کنندگان را به تعویق در خریدهای غیر ضروری واداشته است. همچنین، طبق شواهد به دست آمده از نظرسنجی، افت میزان صادرات نیز عاملی دیگر است که به کاهش بیشتر سفارشات دامن زده است به طوری که میزان صادرات کالا در مردادماه برای دهمین ماه متوالی کمتر از محدوده خنثی ۵۰ قرار گرفته است. شدت کاهش در این ماه نسبت به ماه قبل کمتر بوده است.

در مردادماه میزان استخدام و به کارگیری نیروی انسانی در بخش صنعت برای دهمین ماه متوالی کمتر از محدوده خنثی ۵۰ قرار گرفته است. شدت کاهش در این ماه نسبت به ماه قبل اندکی کمتر بوده است. کاهش تولید از یک سو و افت سفارشات جدید از سوی دیگر باعث شده صنایع در شرایطی که با کمبود نقدینگی و فقدان تسهیلات مالی روبرو هستند، به ناچار در ظرفیت های پایین تری از توان خود تولید کنند و استخدام نیروی کار را کاهش دهند. علاوه بر این نیروی کار نیز به دلیل افزایش تورم و عدم هماهنگی ارزش واقعی دستمزد با آن، تمایل به اشتغال در سطوح درآمدی فعلی را ندارند.

نمودار ۲: شاخص مدیران خرید (شامخ) کل اقتصاد در دو ماه منتهی به مرداد ۱۴۰۴، تعدیل فصلی شده



مرکزی ایران) از آمار ارزش افزوده بخش صنعت (قیمت ثابت) بانک مرکزی ایران استفاده شده است. همان طور که ملاحظه می شود روند شامخ صنعت کشور به طور نسبی هم راستا با روند رشد ارزش افزوده بخش صنعت (بانک مرکزی ایران) طی فصل های مربوطه در سال های اخیر است. این موضوع در سیاست گذاری کشور به خصوص در حوزه های شاخص های پیشرو می تواند کمک اساسی نماید.

ناترازی انرژی

- کمبودهای برق برای واحدهای اقتصادی و ناترازی آن در ماه جاری، صنایع را به شدت تحت تأثیر قرار داده و تداوم فعالیت تولید بسیاری از واحدها را مختل کرده است. برخی شرکت ها تا سه روز در هفته با قطعی برق مواجه بوده و نیمی از روزهای کاری خود را از دست داده اند. به گفته فعالان اقتصادی برای کاهش اثرات این وضعیت و جبران ناترازی انرژی، برنامه هایی از جمله خرید ژنراتور و استفاده از موتورهای کم مصرف در نظر گرفته شده است تا تولید با وقفه کمتری ادامه یابد و مشکل انرژی تا حدی رفع شود.

- نظارت مؤثر و کنترل بر مصارف برق توسط وزارت نیرو جهت جلوگیری در موارد پرمصرف و انرژی بر از جمله استخراج رمزارزها.

تأمین مواد اولیه و نوسانات ارزی

- افزایش قیمت مواد اولیه، بسیاری از شرکت ها را از تأمین و ذخیره سازی باز داشته است و بسیاری از شرکت ها نتوانسته اند ارز برای واردات مواد اولیه یا تجهیزات دریافت کنند. روند افزایش شاخص قیمت تولید کننده (PPI) در ماه های اخیر، هشدار لازم برای مدیریت کنترل تورم را می دهد.

- برخی تأمین کنندگان مواد اولیه به دلیل شرایط ناپایدار بازار و نوسانات قیمتی و افزایش نرخ تولید یا از فروش خودداری کرده یا عرضه مواد اولیه را به صورت محدود انجام می دهند.

- مشکلات مربوط به واردات، شامل عدم تأیید ثبت سفارش ها (حتی از بهمن ماه گذشته)، تخصیص محدود ارز، طولانی بودن فرآیند ترخیص از گمرک و افزایش شدید هزینه های گمرکی، دسترسی به مواد اولیه را دشوارتر کرده است و تداوم این وضعیت، مسیر واردات را به سمت مبادی غیر رسمی و قاچاق تشدید خواهد داد.

- کمبود نقدینگی توان مالی واحدهای تولیدی را برای خرید مواد اولیه محدود کرده است. در نتیجه، مجموع این عوامل، به گفته فعالان اقتصادی تأمین مواد اولیه و ملزومات تولید را به یکی از جدی ترین چالش های کنونی کسب و کارها تبدیل کرده است. بنابراین، تزریق نقدینگی سیستم بانکی کشور در قالب سرمایه در گردش بنگاه های اقتصادی می تواند بخشی از شدت این چالش را کاهش دهد.

- نوسانات شدید نرخ ارز به رغم ثبات نسبی در نرخ بازار مبادله طلا و ارز، باعث شده قیمت مواد اولیه و محصولات نهایی مشخص نباشد و تولید کننده و خریدار در باتکلیفی بمانند.

- هزینه های گمرک بسیار افزایش یافته، ترخیص مواد اولیه زمان بر و بسیار سخت شده

موجودی مواد اولیه خریداری شده در مرداد ماه برای هجدهمین ماه متوالی کمتر از محدوده خنثی ۵۰ قرار گرفته است. شدت کاهش در این ماه نسبت به ماه قبل کمتر بوده است. افزایش قیمت مواد اولیه، عرضه محدود مواد اولیه، تأخیر در تخصیص ارز و موانع زمان بر در فرآیند واردات گمرکی موجب شده زنجیره تأمین مواد برای تولید با اختلال مواجه شود.

نتایج حاصل از داده های جمع آوری شده در مرداد ماه نشان می دهد قیمت خرید مواد اولیه و به تبع آن قیمت محصولات تولید شده هر دو افزایش داشته است. آمارهای رسمی نیز این یافته را تأیید می کند چرا که نرخ تورم ماهانه در مرداد ماه نسبت به ماه قبل ۲٫۹٪ افزایش داشته است. با این حال، به دلیل تقاضای ضعیف مشتریان، میزان افزایش قیمت فروش همچنان محدود بوده و تولید کنندگان با احتیاط بیشتری اقدام به تعدیل قیمت ها کرده اند.

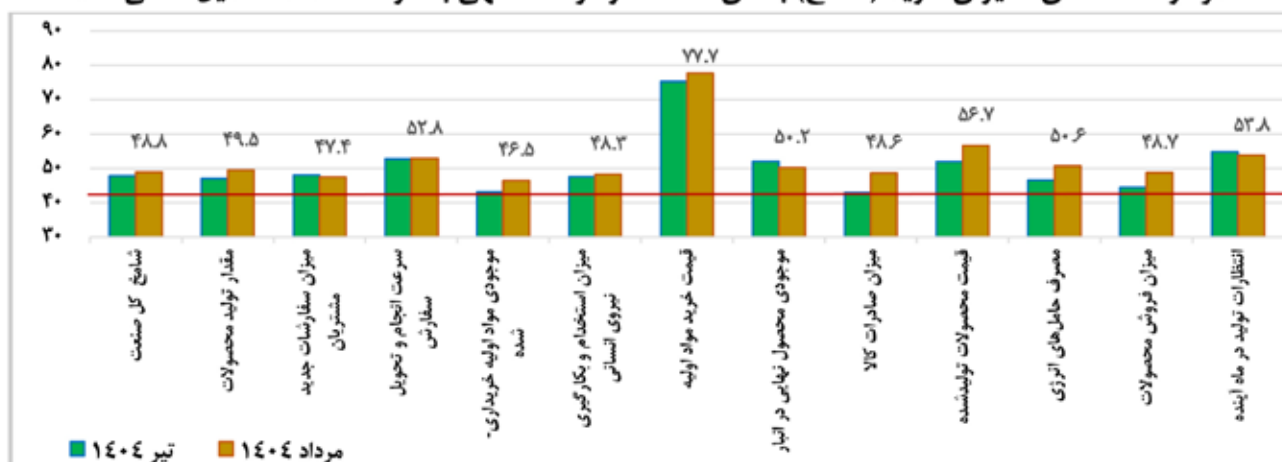
انطباق شاخص مدیران خرید صنعت با

تغییرات تولید صنعتی

در کنار انطباق شاخص مدیران خرید کل اقتصاد با تغییرات تولید کالا و خدمات، با هدف ارزیابی صحت سنجی آن با واقعیت های داده های کشور، تطبیق روند شاخص مدیران خرید صنعت با تغییرات تولید صنعتی نیز مهم است. در این میان، انطباق شامخ با رشد ارزش افزوده بخش صنعت کشور به عنوان تغییرات تولید صنعت و تغییرات کسب و کار حوزه صنایع کارخانه ای، قابل توجه است.

به دلیل محدودیت آمارهای رسمی در تولید داده ماهانه (مرکز آمار ایران و بانک

نمودار ۶: شاخص مدیران خرید (شامخ) بخش صنعت در دو ماه منتهی به مرداد ۱۴۰۴، تعدیل فصلی شده



بانکی بارها گزارش شده است.

- برخی پروژه ها به خصوص طرح های عمرانی دولت و شرکت های دولتی به دلیل محدودیت بودجه عمومی معطل مانده اند.

ساختاری و سیاستی

- برخی فعالان اقتصادی خواستار توقف سیاست های انقباضی شده اند زیرا این سیاست ها به رکود دامن زده است.

- تحریم ها باعث محدودیت در صادرات و تأمین مواد اولیه شده است.

- بروکراسی اداری و همکاری سازمان ها: فعالان اقتصادی از همکاری ضعیف سازمان های دولتی و تغییرات مداوم قوانین گلایه داشته اند.

- جنگ و نگرانی های ناشی از تهدید حمله مجدد و بازگشت تحریم ها تأثیرات جدی بر کسب و کارها و فضای اقتصادی گذاشته و موجب افزایش بی ثباتی و کاهش اعتماد فعالان اقتصادی شده است.

- به گفته فعالان اقتصادی همکاری سازمان ها بسیار ضعیف است و بانک ها بر دریافت تفاوت های کلان تأکید دارند، امری که فشار مالی شدیدی بر شرکت ها وارد کرده و روند فعالیت های آن ها را با مشکلات جدی مواجه می کند.

- مشکلات کندی اینترنت و خرابی سامانه ها منجر به اختلال در فعالیت های روزمره کسب و کارها و کاهش بهره وری شده است.

- به گفته فعالان اقتصادی رفع تحریم ها موجب رشد فعالیت های اقتصادی و بهبود مدیریت ریسک خواهد شد.

و گروه های کالایی مدام تغییر می کنند. از سوی دیگر دیوی نهاده ها در گمرک وجود دارد اما به تولید کنندگان به قیمت آزاد عرضه می شود.

رکود تقاضا

- کاهش قدرت خرید مصرف کنندگان و بی ثباتی شرایط اقتصادی موجب افت محسوس سفارش ها شده و بسیاری از کسب و کارها با کمبود مشتری و کاهش تقاضا مواجه شده اند.

- بسیاری از شرکت ها به دلیل تحریم یا سیاست های داخلی امکان صادرات ندارند.

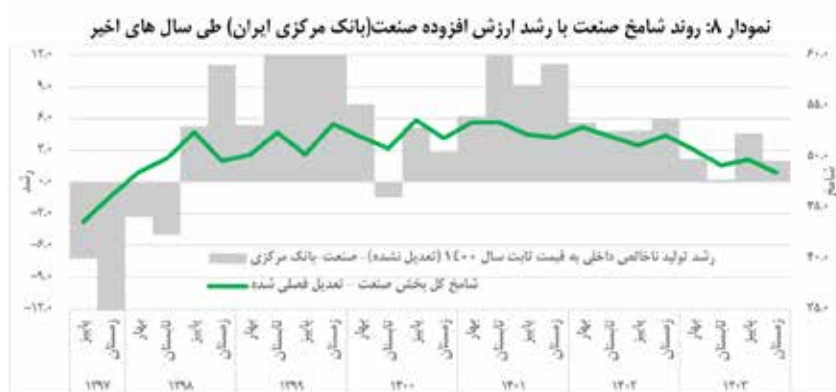
- شرایط نامتعرف بازار باعث شده پیش بینی تقاضا و برنامه ریزی برای تولید بسیار دشوار شود. کسب و کارها با نوسانات ارزی، بی ثباتی بازار و رکود اقتصادی مواجه هستند. این شرایط باعث افزایش هزینه ها، کاهش تقاضا و دشواری در برنامه ریزی مالی و توسعه می شود.

نقدینگی و مالی

- کمبود نقدینگی، عدم تخصیص بودجه برای اجرای پروژه ها، کسری تسهیلات بانکی، عدم پرداخت مطالبات و تأخیر در پرداخت ها و همچنین چک های برگشتی فشار شدیدی بر شرکت ها وارد کرده است.

- واحدها به دلیل بازنگشتن سرمایه در گردش یا کاهش فروش با کمبود شدید نقدینگی مواجه اند.

- مشکلات بانکی: دریافت تسهیلات بانکی سخت است و کسری تسهیلات





قربانی بازی های فرامرزی شود، سهم خرد و کلان این میدان مین اقتصادی، واقعاً چه خواهد بود؟ برای فهم بهتر و دقیق این وضع، «تجارت فردا» با نیما نامداری، فعال اکوسیستم اقتصاد دیجیتال گفت و گویی داشته است که در ادامه می خوانید.

با توجه به فعال شدن مکانیسم ماشه، تغییرها در فضای کلان اقتصادی کشورمان را چطور ارزیابی می کنید و چه پیامدهایی برای کسب و کارها متصورید؟

اگر بخواهم آنچه در اقتصاد ایران مشاهده می کنم را در چهارچوب تحلیلی توضیح دهم، آن را به شکل مثلث می بینم. یعنی شرایطی که بر اقتصاد ایران حاکم است و بر بنگاه ها تحمیل می شود، در قالب مثلث قابل توضیح است. ضلع نخست، کاهش قدرت خرید است. به این معنا که امروز همه کسب و کارها با این واقعیت روبرو هستند که قدرت خرید مردم کاهش یافته است. به عبارت دیگر، طرف تقاضا به دلیل افت توان مالی جامعه تضعیف شده است. این کاهش قدرت خرید موجب می شود ورودی نقدینگی بنگاه ها کمتر شود. وقتی نقدینگی ورودی کاهش می یابد، حتی کسب و کارهایی که مشتری مستقیمشان مردم عادی نیستند، بلکه سایر شرکت ها نیز با افت تقاضا روبرو می شوند. برای مثال، اگر شرکتی به بنگاه های دیگر خدمات تبلیغاتی یا زیرساختی ارائه دهد، یا تولیدکننده مواد خام باشد، باز هم به دلیل کاهش تقاضای نهایی، بازارش کوچک تر می شود. به این ترتیب، اندازه بازار در اقتصاد ایران کوچک شده و توان سرمایه گذاری و تاب آوری کسب و کارها کاهش یافته است. من این ضلع را «کاهش قدرت خرید جامعه و به تبع آن کاهش تقاضا و اندازه بازار» می نامم. ضلع دوم، زوال زیرساخت ها است. زوال زیرساخت ها یعنی اینکه طی چهار دهه گذشته سرمایه گذاری کافی در زیرساخت های کشور انجام نشده یا کمتر از نیاز بوده است. به همین دلیل، بسیاری از زیرساخت های حیاتی کشورمان در حال فرسایش اند. نمونه روشن آن در حوزه برق، آب و انرژی دیده می شود. قطعی های مکرر برق و گاز و محدودیت دسترسی به سوخت بخشی از این وضع است. این مشکل تنها زندگی روزمره مردم را تحت تاثیر قرار نمی دهد، بلکه فعالیت اقتصادی بنگاه ها را هم مختل می کند. ضلع سوم، نااطمینانی است که ویژگی بارز اقتصاد ایران است. ما مطمئن نیستیم که یک ماه، سه ماه یا شش ماه دیگر چه شرایطی پایدار می ماند. تغییرهای مداوم سیاست های تجاری، پولی و مالی دولت، تورم و تحریم ها باعث شده است کسب و کارها نتوانند آینده را پیش بینی کنند. این وضع، نگاه کوتاه مدت را به اجبار بر بنگاه ها

این روزها فکر کردن به برنامه ریزی برای آینده، شبیه حرکت کردن در فضای مه آلود است. وقتی همه چیز از جنگ و نااطمینانی گرفته تا سیاست گذاری های مبهم، بی وقفه بر سر اقتصاد فرود می آید، چه انتظاری می توان از بنگاه ها داشت؟ بنگاه هایی که نه فرصت ترمیم زخم های جنگ ۱۲ روزه را پیدا کرده اند، نه آنچنان قدرت و توانی برای چانه زنی در بازی های بزرگ تر دارند. در این اوضاع درهم و برهم، «مکانیسم ماشه» موضوعی است که به تنهایی می تواند قدرت تصمیم گیری و برنامه ریزی را از مدیران بگیرد. با وجود اینها، پرسش اساسی این است که در شرایطی که نیمی از کسب و کارها به کاهش تولید و تعدیل نیرو فکر می کنند، این مکانیسم دقیقاً قرار است چه چیزی را شلیک کند؟ امید را یا تیر خلاص بر شانه های خسته تولید؟ آیا می توان از بنگاهی که با ۳۰ درصد ظرفیت نفس می کشد، انتظار پایداری در برابر موج جدید ریسک ها داشت؟ وقتی سرمایه گذار ترجیح می دهد سرمایه اش را پارک کند نه حرکت و وقتی کسب و کار کوچک نمی داند ماه بعد اصلاً باز خواهد بود یا نه، واژه هایی مثل «توسعه»، «نوآوری» یا «بازسازی» بیشتر به شوخی می ماند تا استراتژی. در شرایطی که اقتصاد قرار است

تحمیل کرده و ریسک سرمایه‌گذاری و تصمیم‌گیری را افزایش داده است. در این میان، «مکانیسم ماشه» عامل مستقلى نیست، بلکه نتیجه مجموعه‌ای از سیاست‌هاست که این وضع را تشدید می‌کند. اگر اجرای آن به کاهش درآمد دولت، افت فروش نفت و افزایش کسری بودجه بینجامد، به‌طور مستقیم موجب تشدید زوال زیرساخت‌ها و کاهش بیشتر قدرت خرید جامعه می‌شود. در نتیجه، روندهای موجود تشدید شده و فشار بر بنگاه‌ها افزایش می‌یابد. در نتیجه هیچ اتفاق جدیدی رخ نمی‌دهد؛ بلکه همان چرخه‌های پیشین از قبیل تحریم، فساد، کسری بودجه، تورم و کاهش قدرت خرید تقویت می‌شود و به‌صورت حلقه‌های درونی و هم‌افزا، فشار سنگینی بر اقتصاد و بنگاه‌ها تحمیل می‌کند.

در شرایطی که بسیاری از شرکت‌ها بر کاهش هزینه‌ها تمرکز کرده‌اند، آیا اصلاً فضایی برای سرمایه‌گذاری و نوآوری باقی می‌ماند؟

این وضع پدیده تازه‌ای نیست و چند سال است ادامه دارد. مدت‌هاست سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در کشورمان کاهش یافته و این روند همچنان ادامه دارد و حتی وخیم‌تر شده است. نتیجه این امر آن است که در بسیاری صنایع نه شاهد رشد ظرفیت تولید هستیم، نه نوآوری و ایده‌های تازه و نه توسعه محصول با هدف گسترش بازار. از سوی دیگر، وقتی دسترسی به بازارهای خارجی از بین رفته و قدرت خرید بازار داخلی نیز کاهش یافته است، بسیاری از مسیرهای رشد دیگر توجیه اقتصادی ندارند، زیرا تقاضایی برای آنها وجود ندارد.

اقتصاد دیجیتال ذاتاً چابک‌تر از بخش‌های سنتی است. آیا چابکی می‌تواند به استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های فناوری کمک کند فشارهای ناشی از نااطمینانی و تحریم‌ها را بهتر مدیریت کنند؟

چابکی این کسب‌وکارها به این دلیل است که به زیرساخت‌های فیزیکی متکی نیستند. یعنی برای رشد نیازی به ساخت ساختمان، احداث راه، سد یا پل ندارند و می‌توانند به‌سرعت خودشان را با شرایط جدید

تطبیق دهند. دلیل اصلی چابکی آن است که زیرساخت کلیدی آنها اینترنت است. زیرساختی که به‌طور طبیعی فرض می‌شود همواره در دسترس باشد، اما در ایران به دلیل فیلترینگ و محدودیت‌های اعمال‌شده بر اینترنت، این مزیت به‌شدت تضعیف شده است. کیفیت پایین اینترنت، ناامنی آن و آسیب‌پذیری در برابر حمله‌ها، همراه با استفاده گسترده از VPN و محدودیت‌های دولتی، موجب اختلال جدی در این زیرساخت شده است. در نتیجه، اینترنت در ایران نمی‌تواند انعطاف‌پذیری و سرعتی را که برای پشتیبانی از چابکی کسب‌وکارهای دیجیتال لازم است، فراهم کند. برای نمونه، افزایش پهنای باند در بنگاه می‌تواند ظرف چند دقیقه انجام شود، در حالی که کسب‌وکار سنتی برای اضافه کردن خط تولید جدید باید هزینه‌های سنگینی متحمل شود و گاه یک تا دو سال برای احداث سوله و نصب ماشین‌آلات زمان صرف کند. بنابراین، چابکی دیجیتال در حالت طبیعی مزیتی بزرگ است، اما این مزیت را تا حد زیادی از دست داده‌ایم.

از سوی دیگر، باید توجه داشت که چابکی همیشه به معنای رشد نیست. در بسیاری موارد، چابکی صرفاً به تطبیق سریع منجر می‌شود، نه به توسعه. حتی گاهی این ویژگی موجب توقف یا مهاجرت می‌شود؛ یعنی وقتی صاحبان کسب‌وکارهای دیجیتال متوجه می‌شوند فضای رشد در داخل کشور مانع وجود ندارد، به سرعت فعالیت خودشان را متوقف می‌کنند و به خارج از ایران منتقل می‌شوند. به همین دلیل، چابکی لزوماً معادل تاب‌آوری نیست و در برخی موارد برعکس، باعث خروج و مهاجرت کسب‌وکارها می‌شود.

گزارش‌ها نشان می‌دهد کمبود نقدینگی مهم‌ترین مانع بازگشت بنگاه‌ها به شرایط عادی است. در حوزه دیجیتال، که بخش بزرگی از سرمایه‌گذاری‌ها مبتنی بر سرمایه خطرپذیر است، این مسئله چه پیامدهایی دارد؟

واقعیت این است که مدت‌هاست سرمایه‌گذاری جسورانه در استارت‌آپ‌های ایرانی به‌شدت کاهش یافته و عملاً متوقف شده است؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت این فضا تقریباً از بین رفته است. علت آن هم روشن است؛ سرمایه‌گذاران جسورانه یا همان VC برای فعالیت نیازمند دانش و تجربه‌ای متفاوت از سرمایه‌گذاری کلاسیک هستند. بسیاری از افراد صاحب‌دانش یا کشور را ترک کرده‌اند، یا به دلایل مختلف ناموفق بوده‌اند، یا با محدودیت‌ها و برخوردهایی مواجه شده‌اند که ادامه مسیر را برایشان غیرممکن کرده است. نمونه شناخته‌شده این موضوع، پرونده هلدینگ «سراوا» (شرکت‌های فعال در اکوسیستم استارت‌آپی ایران) است. پس از آن، عملاً کسی حاضر نشد همان مسیر را ادامه دهد. به همین دلیل، وی‌سی‌های موفق و باتجربه از ایران خارج شدند و آنهایی هم که باقی مانده‌اند، اغلب خصوصی هستند و انگیزه اصلی‌شان سرمایه‌گذاری برای سودآوری نیست، بلکه بیشتر اهداف حاکمیتی دارند.

نکته دیگر این است که وقتی فضای خروج سرمایه‌گذاران (IPO) وجود نداشته باشد، سرمایه‌گذاری جسورانه عملاً بی‌معنا می‌شود. در سراسر دنیا، یکی از مهم‌ترین راه‌های بازگشت سرمایه وی‌سی‌ها عرضه سهام استارت‌آپ‌ها در بازار سرمایه است. در ایران با ممنوعیت IPO برای استارت‌آپ‌ها، این امکان از بین رفته است. در نتیجه، همان VC ها هم که پیشتر سرمایه‌گذاری کرده‌اند، اکنون با پول‌های حبس‌شده در استارت‌آپ‌ها مواجه‌اند و امکان خروج ندارند. به همین دلیل، جریان سرمایه‌گذاری هم وارد این حوزه نمی‌شود. از سوی دیگر، مشکل نقدینگی کسب‌وکارهای استارت‌آپی بیشتر به سرمایه در گردش مربوط است، نه سرمایه‌گذاری جسورانه. سرمایه‌گذاری جسورانه عمدتاً برای تأسیس و رشد به کار می‌رود، اما استارت‌آپ‌ها در شرایط فعلی به تأمین مالی روزمره نیاز دارند. آنها به دلیل شرایط بحرانی همانند جنگ، برای یک یا چند هفته کل درآمدشان را از دست داده‌اند، در حالی که هزینه‌هایشان کاهش نیافته است. این شکاف درآمدی، نیاز فوری به تأمین مالی بیرونی ایجاد می‌کند. اما بانک‌های ایران چنین تسهیلاتی به استارت‌آپ‌ها نمی‌دهند، چون مدل وام‌دهی برای سرمایه در گردش بر پایه فاکتور فروش یا خرید کالا تعریف شده است، یعنی اگر کارخانه‌ای کالا خریده باشد، بانک می‌تواند براساس آن فاکتور تسهیلات دهد، در حالی که



استارت‌آپ‌ها چنین مدلی ندارند، بنابراین از این ابزار محروم‌اند. در مجموع باید تاکید کرد صندوق‌های جسورانه در ایران، متأسفانه در شرایط کنونی کارکرد موثری ندارند.

به نظر شما بنگاه‌های کوچک و متوسط دیجیتال برای بقا در این شرایط چه استراتژی‌هایی باید در پیش بگیرند؟

به نظر من، در شرایط کنونی، هر کسب و کاری (کوچک، متوسط و بزرگ)، باید تمام تمرکز خودش را بر مدیریت بهینه نقدینگی بگذارد. به این معنا که هر فعالیتی که نقدینگی بالایی می‌خواهد و توجیه درآمدی ندارد، نباید انجام شود. امور بلندپروازانه، نوآورانه یا آنچه به اصطلاح «برهم‌زننده وضع موجود» نامیده می‌شود، در این مقطع ریسک بالایی دارد و توصیه نمی‌شود. برای شرکت خصوصی (به ویژه کوچک و متوسط) مهم است که منابع مالی‌اش را فقط در مسیری خرج کند که اطمینان دارد باعث رشد درآمد می‌شود. در کوتاه‌مدت، اولویت نخست هر کسب و کار باید حفظ و تقویت جریان نقدی (Cash Flow) مثبت باشد، یعنی جریان نقدینگی را در وضع مثبت نگه دارد که بتواند بقا و فعالیتش را تضمین کند.

آیا فضای سیاست‌گذاری در کشورمان برای حمایت از بخش دیجیتال در این دوران پرریسک کافی است یا نیاز به بازنگری دارد؟

اگر قرار باشد بهبودی در وضع کنونی رخ دهد، صرفاً سیاست‌های کلان می‌تواند اثرگذار باشد، نه اقدام‌های تاکتیکی و کوتاه‌مدت. ایران ناگزیر است تصمیم بگیرد نسبت خودش را با نظم حاکم بر جهان بازتعریف کند. صرف نظر از اینکه این نظم را از منظر اخلاقی یا ارزش‌های انسانی چگونه ارزیابی کنیم، واقعیت این است که وجود دارد و ما باید موضع خودمان را در قبال آن مشخص کنیم. جمهوری اسلامی ایران در چهار دهه گذشته انتخاب کرده است که این نظم را به رسمیت نشناسد. نتیجه این سیاست این بوده که نه توانسته آن نظم را تغییر دهد و نه توانسته موقعیتش را به گونه‌ای تعریف کند که مستقل از نظم جهانی، منافع

ملی را به حداکثر برساند. حاصل این رویکرد در ظاهر امر، چندان موفق نبوده است. در مختصات کنونی، تداوم تحریم‌ها اجتناب‌ناپذیر است و پیامد آن محرومیت اقتصاد از بازارها، سرمایه و فرصت‌های جهانی است. این وضع به تداوم فقر، تشدید مشکلات اقتصادی و سیاسی، افزایش مهاجرت نیروی انسانی و خروج سرمایه منجر می‌شود.

اگر بخواهیم به آینده سه ماهه یا شش ماهه نگاه کنیم، چه بخش‌هایی از اقتصاد بیشترین شانس را برای بقا و حتی رشد دارند؟ به طور مشخص در اقتصاد دیجیتال چطور؟

به نظر من، کسب و کارهایی شانس بیشتری برای بقا و رشد دارند که کمتر تحت تأثیر اضلاع آن مثلث (کاهش تقاضا و قدرت خرید، زوال زیرساخت‌ها و نااطمینانی) قرار بگیرند. برای چنین مقاومتی، دست کم سه ویژگی لازم است. ویژگی نخست بازار داخلی بزرگ و پایدار است. کسب و کارهایی می‌توانند دوام بیاورند که اندازه بازار داخلی‌شان به حد کافی بزرگ باشد که کاهش قدرت خرید یا از دست رفتن بازارهای بین‌المللی ضربه کمتری به آنها وارد کند. این به معنای وجود تعداد بالای مشتریان در داخل و عرضه کالا یا خدماتی است که یا قیمت آن به گونه‌ای است که بخش بزرگی از جامعه توان خرید داشته باشد یا جزو نیازهای ضروری باشد.

ویژگی دوم وابستگی کمتر به زیرساخت‌ها و فناوری‌های پیچیده است. کسب و کارهایی موفق‌ترند که رشد آنها به زیرساخت‌های فناورانه پیچیده و زنجیره‌های تامین بین‌المللی وابسته نباشد. برای مثال، در اقتصاد دیجیتال، شرکت‌هایی که نیازمند ابزارهای پردازش داده پیشرفته یا نرم‌افزارهایی با لایسنس خارجی هستند، در شرایط فعلی با مشکل‌های جدی روبه‌رو هستند، زیرا دسترسی به فناوری‌ها محدود یا ناممکن است و توسعه جایگزین داخلی در کوتاه‌مدت به صرفه نیست. بنابراین، هرچه عمق فناورانه کسب و کاری کمتر باشد، آسیب‌پذیری آن نیز کمتر است. ویژگی سوم حساسیت کمتر به نوسان‌های سیاستی و نظارتی است. کسب و کارهایی که کمتر در معرض تغییرهای مداوم سیاست‌ها و مقررات دولتی قرار دارند، دوام بیشتری دارند. برای نمونه، حوزه‌هایی همانند رمزارزها یا فین‌تک، به دلیل فشارهای سنگین رگولاتوری و تغییرهای سیاستی، با نااطمینانی روبه‌رو هستند.

به نظر می‌رسد کسب و کارهای فعال در حوزه‌هایی همانند تجارت الکترونیک از پلت‌فرم‌های بزرگ همانند دیجی‌کالا تا فروشگاه‌های کوچک آنلاین، سرگرمی و بازی، تولید محتوای تصویری همانند سریال، ویدئو و پلت‌فرم‌های استریم و گردشگری داخلی در شرایط فعلی توان بقا و رشد بیشتری دارند. این حوزه‌ها بازار داخلی نسبتاً بزرگی دارند، به فناوری‌های پیچیده وابسته نیستند و میزان دخالت‌های سیاستی و نظارتی در آنها کمتر از بخش‌های دیگر است.

برای رشد اقتصادی
بیشتر، باید موانع جنسیتی
برداشته شود. سیاست‌های
ضد تبعیض، شفافیت
در استخدام و برابری
دستمزدها کلید موفقیت
هستند.



حرف اصلی مقاله

نابرابری جنسیتی در بازار کار باعث کاهش قابل توجه بهره‌وری و تولید کلان اقتصادی می‌شود. بیشترین اثر سوء تخصیص ناشی از موانع سمت تقاضا، مانند تبعیض در استخدام و پرداخت است. رفع این تحریفات می‌تواند رشد اقتصاد را به‌طور چشمگیری افزایش دهد، حتی بدون تغییر فوری هنجارهای اجتماعی.



نیمی از اقتصاد از دست رفته

چگونه نابرابری جنسیتی رشد جهانی را کاهش می‌دهد؟

ATEFARDA.COM

GGDI

نویسندگان مقاله شاخصی به نام شاخص جهانی تحریفات جنسیتی (GGDI - Global Gender Distortions Index) معرفی کرده‌اند که به ما نشان می‌دهد هر کشور چه میزان از ظرفیت اقتصادی خود را به دلیل این نابرابری‌ها از دست می‌دهد.

شاخص (GGDI)
امکان مقایسه
بین کشورها و
در طول زمان را
فراهم می‌کند.

شاخص (GGDI)
بر اساس
داده‌های درآمد
و نوع مشاغل
محاسبه می‌شود.

شاخص (GGDI) موانع سمت عرضه
(هنجارهای اجتماعی) و سمت تقاضا
(تبعیض کارفرمایان) را شناسایی می‌کند.

شاخص جهانی تحریفات جنسیتی (GGDI) معیاری است که نشان می‌دهد نابرابری جنسیتی در بازار کار چه میزان از بهره‌وری و تولید اقتصادی را کاهش می‌دهد. این شاخص بر اساس داده‌های درآمد و نوع مشاغل طراحی شده و دو نوع مانع را اندازه‌گیری می‌کند:

موانع سمت عرضه:

مانند هنجارهای اجتماعی
و فرهنگی که زنان را از
مشارکت کامل در بازار
کار باز می‌دارد.

موانع سمت تقاضا:

مانند تبعیض در
استخدام، پرداخت کمتر
به زنان یا محدودیت در
ارتقای شغلی



از بانگ جهانی
سومیک لال



از دانشگاه بیل
آیشواریا راتان



از بانگ جهانی
سومیک لال



از دانشگاه بیل
مایکل پیترز



از دانشگاه بیل
پینلوپی گلدبرگ



از دانشگاه بیل
میت مهتا

20%

نابرابری جنسیتی
مانع رشد اقتصادی
است. رفع این موانع
می‌تواند بهره‌وری را
تا ۲۰ درصد افزایش
دهد.

مشکل چیست؟

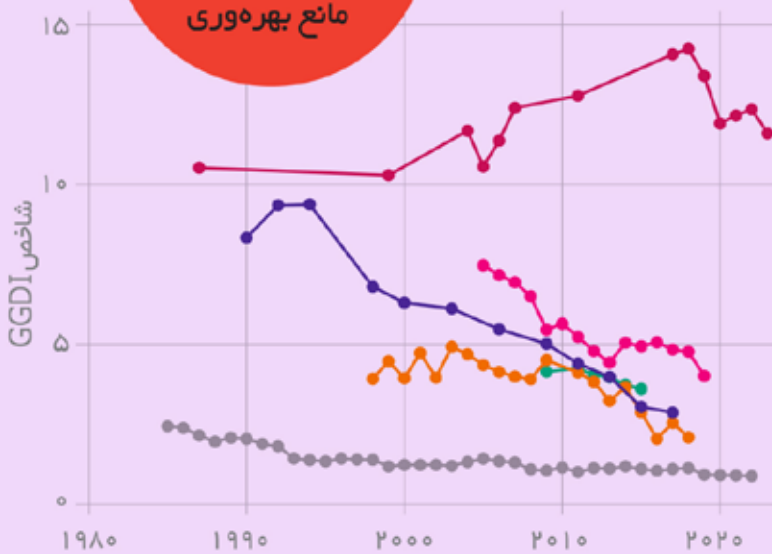
نابرابری جنسیتی در بازار کار باعث می‌شود نیمی از نیروی انسانی جهان یعنی زنان نتوانند به‌طور کامل در اقتصاد مشارکت کنند. این یعنی از دست رفتن استعداد، نوآوری و رشد اقتصادی



موانع قانونی، اجتماعی و تبعیض آمیز مانع دسترسی برابر زنان به مشاغل پردرآمد می‌شود.

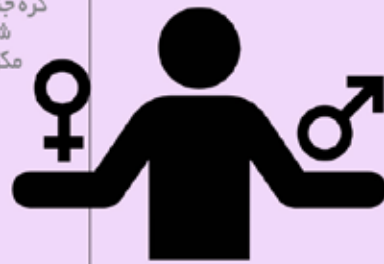
در بسیاری از کشورها، زنان در مشاغل کم‌درآمد یا غیررسمی مانند کارهای خانگی متمرکزند.

تبعیض در استخدام و پرداخت مساوی است با بزرگ‌ترین مانع بهره‌وری



GGDI امکان مقایسه بین کشورها و در طول زمان را فراهم می‌کند و ابزاری ساده برای سیاست‌گذاران است تا تاثیر سیاست‌های برابری جنسیتی را ارزیابی کنند.

آمریکا
هند
برزیل
کره جنوبی
شیلی
مکزیک



یافته‌های کلیدی



رفع این موانع می‌تواند تولید ناخالص داخلی (GDP) را به‌طور قابل‌توجهی افزایش دهد.

تحریفات سمت تقاضا نقش بزرگ‌تری در کاهش بهره‌وری دارند.

در کشورهای توسعه‌یافته این نابرابری از ۱۹۷۰ تا ۲۰۲۰ کاهش یافته، اما در کشورهای هابی مثل هند تغییر کمی مشاهده شده.

کشورهای توسعه‌یافته، ی جنسیتی بهره‌وری ۱۵-۲۰ درصد افزایش دهد.

نابرابری جنسیتی فقط یک مسئله اجتماعی نیست؛ یک مانع اقتصادی است که رشد، نوآوری و رفاه را محدود می‌کند.



در ایالت‌های فقیرتر هند، رفع نابرابری می‌تواند GDP را تا ۱۵ درصد افزایش دهد.

تحریفات سمت تقاضا (مانند تبعیض در استخدام) نقش بزرگ‌تری نسبت به موانع اجتماعی دارند.

در کشورهای در حال توسعه، حذف موانع جنسیتی می‌تواند تولید ناخالص داخلی را ۱۵ تا ۲۰ درصد افزایش دهد.

زنان وقتی از بازار کار محروم می‌شوند، وقتشان صرف کارهای خانگی می‌شود که در محاسبات تولید ناخالص داخلی محاسبه نمی‌شود.

در آمریکا سوختن جنسیتی کاهش یافته، اما در کشورهای هابی مثل هند تغییر کمی رخ داده است.





راه‌های خلاقانه جذب سرمایه برای کسب‌وکارهای نوپا

نزدیک‌ترین افراد به کارآفرین می‌توانند با اعتماد شخصی، سرمایه اولیه را تأمین کنند. این حمایت باید با توافق‌نامه‌های مکتوب و شفاف همراه باشد

۳. قرض همتا به همتا (Peer-to-peer lending)

شبکه‌هایی از افراد یا کارآفرینان که به‌صورت مستقیم به یکدیگر وام می‌دهند، بدون واسطه‌های مالی سنتی

۴. تأمین جمعی سرمایه (Crowdfunding)

جذب حمایت‌های خرد از طریق پلتفرم‌های اینترنتی، با ارائه مشوق‌هایی مانند تخفیف، پیش‌فروش یا امتیاز ویژه.

۵. وام‌های خرد بانکی (Microloans)

مؤسسات خصوصی یا غیرانتفاعی که به کارآفرینان فاقد اعتبار بانکی، وام‌های کوچک اعطا می‌کنند.

۶. سرمایه‌ی فروشنده (Vendor financing)

تأمین‌کنندگان کالا یا خدمات با تأخیر در دریافت وجه، به کسب‌وکار نوپا فرصت فروش و بازپرداخت می‌دهند.

۷. سرمایه‌گذاری سفارش خرید (Purchase order financing)

شرکت‌های واسطه که هزینه اجرای سفارشات بزرگ را پیش‌پرداخت می‌کنند تا کسب‌وکار بتواند تعهدات خود را انجام دهد

۸. مقاطعه حساب‌های دریافتنی (Factoring accounts receivables)

دریافت نقدینگی از سرمایه‌گذاران در قبال مطالبات تأخیری از مشتریان، برای تسریع جریان مالی

۹. حساب‌های بازنشستگی سرمایه‌گذاری (Investment Retirement Account)

برخی افراد حاضرند از سرمایه‌های بلندمدت خود برای حمایت از استارت‌آپ‌ها استفاده کنند، در صورت اعتماد به بنیان‌گذار.

۱۰. خطوط اعتباری شخصی (Personal credit lines)

استفاده از اعتبار بانکی شخصی یا کارت‌های اعتباری برای تأمین مالی اولیه، با حفظ مالکیت کامل کسب‌وکار.

هر کسب و کار نوپایی به سرمایه احتیاج دارد. چه برای توسعه‌ی محصولات، چه هنگام تلاش برای اجرای اولیه، موقع تهیه موجودی و چه حتی زمان پرداخت حقوق اولین کارمند! اغلب کارآفرینان ابتدایی‌ترین راه جذب سرمایه را وام‌های بانکی می‌دانند، اما در نهایت متوجه می‌شوند که بانک‌ها غیرمحمول‌ترین حامیان کسب و کارهای نوپا نیستند! در نتیجه در بحث راه‌های تهیه سرمایه برای کسب و کارهای نوپا، روش "خلاقانه" در حقیقت به معنی به حداکثر رساندن سرمایه‌گذاری غیربانکی است.

بدین منظور، روش‌های جایگزین بسیاری وجود دارد، که البته خیلی هم آسان نیستند. موفق‌ترین کارآفرینان کسانی هستند که خلاقانه فکر می‌کنند؛ نه فقط نسبت به آنچه ارائه می‌دهند بلکه حتی نسبت به روشی که برای پول‌سازی به کار می‌گیرند! آنها هرگز از کلمه "هرگز" استفاده نمی‌کنند! کارآفرینان یا باید خودشان را بیشتر از محصولاتشان عرضه کنند یا قید هر نوع روش سرمایه‌گذاری جایگزین را بزنند. ده روش زیر، حاصل تجربیات من در جذب سرمایه برای کسب و کارهای نوپاست:

۱. سرمایه‌گذاری شخصی

پس‌انداز شخصی نشان‌دهنده تعهد واقعی بنیان‌گذار به کسب‌وکار است و اغلب اولین گام در مسیر جذب سرمایه محسوب می‌شود.

۲. خانواده و دوستان

در مسیر کارآفرینی، خلاقیت فقط در طراحی محصول یا خدمت معنا ندارد؛ بلکه در شیوه تأمین مالی نیز باید نوآور بود. کارآفرینان موفق کسانی هستند که منابع نامتعارف را شناسایی کرده، اعتمادسازی می‌کنند و با انعطاف‌پذیری مالی، مسیر رشد را هموار می‌سازند. در دنیای امروز، سرمایه‌گذاری خلاقانه نه تنها یک انتخاب، بلکه یک مهارت حیاتی برای بقا و موفقیت است.

تفویض اختیارات به استانداران عملی شود

استاندار خراسان رضوی با اشاره به موقعیت ژئوپلیتیک استان، آن را دروازه تعاملات شرق کشور با آسیای میانه دانسته و خواستار توجه ویژه دولت به مزیت‌های نسبی منطقه شده است. او همچنین با نقد رویکردهای تمرکزگرایانه، خواهان واگذاری اختیارات بیشتر به استان‌ها برای تصمیم‌گیری‌های کلان شده و از برنامه‌هایی برای توانمندسازی شهرستان‌ها، کاهش شکاف‌های توسعه‌ای و تقویت سرمایه اجتماعی پرده برداشته است. این گفت‌وگو، تصویری روشن از دغدغه‌های مدیریتی و چشم‌اندازهای تحول‌گرایانه در یکی از مهم‌ترین استان‌های کشور را ارائه می‌دهد؛ جایی که سیاست، فرهنگ و اقتصاد در هم تنیده شده و نیازمند نگاهی فراتر از مدیریت روزمره است. مشروح این گفت‌وگو از نظر تان می‌گذرد:



با توجه به جایگاه راهبردی خراسان رضوی در اتصال ایران به آسیای مرکزی و آغاز سیاست دیپلماسی استانی، طی یک‌سال اخیر چه اقدامات عملی برای توسعه تعاملات منطقه‌ای و تقویت نقش استان در دیپلماسی اقتصادی انجام داده‌اید؟

توسعه دیپلماسی از تأکیدات مهم رئیس‌جمهوری بوده و با هدف بهره‌برداری اقتصادی از ظرفیت‌های منطقه‌ای، بر توسعه دیپلماسی منطقه‌ای و استانی تأکید دارد. واقعیت این است که بدون چنین رویکردی نمی‌توان به موفقیت‌های پایدار دست یافت. هر یک از استان‌ها، علاوه بر برخورداری از ظرفیت‌های داخلی، امکان برقراری مراودات اقتصادی مؤثر با استان‌های دیگر و کشورهای همجوار را دارند. در همین راستا، با توجه به اهمیت موضوع، مجموعه‌ای فعال و منسجم شکل گرفته است. خوشبختانه اتاق بازرگانی خراسان رضوی یکی از نهادهای توانمند و تأثیرگذار در این حوزه به شمار می‌رود. طبیعی است که محور اصلی فعالیت‌های اقتصادی باید بر دوش بازرگانان، تجار و تولیدکنندگان باشد و نقش دولت در این میان، تسهیل‌گری و فراهم‌سازی زیرساخت‌ها و مقدمات لازم برای توسعه تعاملات تجاری است. از اولین جلساتی که درباره سفرهای تجاری داشتیم، با همراهی جمعی از فعالان اقتصادی، بی‌پرده و صریح گفت‌وگو کردیم. جمع‌بندی آن جلسات این بود که اگر بناسن مذاکره‌ای صورت گیرد، باید ظرفیت‌های طرف مقابل را شناخته و خودمان را نیز به‌درستی معرفی کنیم. مراودات اقتصادی نیازمند رعایت اصول اولیه تجارت است. از این‌رو، پیش از هر سفر، فهرست افراد شرکت‌کننده مشخص شده و آمادگی آنان اعلام شد. تأکید بنده این بود که طرف مذاکره باید از قبل شناسایی شود. اگر کسی در حوزه فولاد، صنایع غذایی یا شیمیایی فعالیت دارد، باید بداند با چه طرفی قرار است گفت‌وگو کند. این آمادگی نسبی، به واسطه همکاری با وزارت امور خارجه و رایزنان اقتصادی در کشورهای مقصد، شکل گرفت. ما کتابچه‌ای از اطلاعات تجار و تولیدکنندگان استان را هم به‌صورت فیزیکی و هم الکترونیکی ارسال کردیم و از طرف مقابل نیز خواستیم فهرست فعالان اقتصادی خود را اعلام کنند. توصیه من این بود که پیش از سفر، حتی در قالب ویدیو کنفرانس، مذاکرات اولیه انجام شود تا طرفین با یکدیگر آشنا باشند. نکته مهم دیگر، حفظ شأن هیأت اعزامی بود؛ هم در بخش محتوایی مذاکرات و هم در شکل و ساختار سفرها. استان خراسان رضوی با حدود ۸ درصد جمعیت کشور و پهنه‌ای گسترده، ظرفیت‌های بالایی دارد و باید در رفت‌وآمدهای اقتصادی، همه جوانب را در نظر گرفت.

مقاصد این سفرها بیشتر بر کدام کشورها متمرکز است؟

در سفرهای انجام‌شده، مقاصدی چون افغانستان، ترکمنستان، قزاقستان، قرقیزستان، روسیه،

چین و عراق در برنامه قرار گرفتند. برخی از این سفرها در قالب قراردادهای تجاری واقعی انجام شد؛ از جمله فروش یک میلیون تن سنگ آهن به ازبکستان و خرید یک میلیون تن خاک فسفات که اکنون در حال حمل است. در مجموع، این رفت‌وآمدها موجب شد که در شش ماهه اول سال، استان خراسان رضوی رشد ۳۲ درصدی را تجربه کند؛ در حالی که در سطح کشور رشد اندکی منفی ثبت شده است. بخشی از این موفقیت، ناشی از فعال‌تر شدن مرزهای شرقی و بخشی دیگر حاصل رایزنی‌ها، سفرها و حل مسائل مرزی بوده است. با این حال، هنوز رضایت کامل حاصل نشده است. اخیراً در دیدار با رئیس‌کل گمرک، درباره روان‌سازی فرآیندهای مرزی گفت‌وگو کرده‌ایم. توقف‌های طولانی کامیون‌ها در مرز، گاه تا شش شبانه‌روز، یکی از مشکلات جدی است که باید با تلاش همه‌جانبه دستگاه‌ها حل شود.

با توجه به نقش فزاینده استان‌های مرزی در توافقات منطقه‌ای، چه سازوکارهایی برای ارتقای جایگاه اجرایی استانداران در کمیسیون‌های مشترک و تضمین مشارکت مؤثر آنان در فرآیند مذاکره و اجرای تفاهمنامه‌های پیش‌بینی کرده‌اید؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت که با وجود تأکید رئیس‌جمهوری و مقام معظم رهبری بر واگذاری اختیارات به استانداران، این امر هنوز به‌طور کامل محقق نشده است. به نظر می‌رسد بدنه دولت در این زمینه به خاطر نهادینه شدن تمرکزگرایی در طول سالهای گذشته همراهی لازم را ندارد و این موضوع، یکی از چالش‌های جدی در مسیر توسعه استان‌هاست. اگر قرار است مسائل حل شود، بخشی از آن به تفویض واقعی اختیارات بازمی‌گردد. متأسفانه هنوز تفویض اختیاری قابل توجه به صورت عمومی صورت نگرفته و ما عملاً در بسیاری از حوزه‌ها، از جمله انرژی‌های خورشیدی، فاقد اختیار لازم هستیم. نکته‌ای که می‌خواهم مطرح کنم، نه از سر گلایه بلکه از منظر اصلاح ساختار، تمرکزگرایی شدید در کشور است. در کمیسیون‌های مشترک ایران با کشورهای همسایه، معمولاً وزرا حضور دارند که هم‌تراز با طرف مقابل هستند و این امر طبیعی و مطلوب است. اما استانداران هیچ نقشی در این فرآیند ندارند. این موضوع را نه به‌خاطر جایگاه شخصی خودم، بلکه به‌عنوان استاندار خراسان رضوی مطرح می‌کنم. علاوه بر آن، در کمیسیون مشترک ایران و افغانستان به ریاست وزیر صمت، با وجود صادراتی بالغ بر ۲.۲ میلیارد دلار به افغانستان، ما از جزئیات مذاکرات اطلاعات کامل نداریم. وزیر صمت اگرچه به مسائل ملی اشراف دارند، اما از جزئیات منطقه‌ای اطلاع کامل ندارند. این موضوع را بارها مطرح کرده‌ام. البته در برخی سفرهای رئیس‌جمهوری، استانداران بنا به موقعیت همراه بوده‌اند؛ اما در سفرهای مرتبط با کمیسیون‌های مشترک، چنین همراهی وجود ندارد. برای نمونه، تاجیکستان از نظر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تمدنی، ارتباط عمیقی با خراسان دارد. با این حال، در سفر رئیس‌جمهوری و

وزیر کشور به این کشور، من به‌عنوان استاندار حضور نداشتم. این موضوع شخصی نیست؛ بحث جایگاه استاندار است. من در طول سال‌ها، بیش از ۱۵ تا ۲۰ بار به تاجیکستان سفر کرده‌ام، چه در قالب مأموریت‌های کاری و چه در سفرهای غیررسمی.

با این حساب، چه سازوکار نهادی و حقوقی می‌تواند به استانداران اجازه دهد تا در چهارچوب سیاست‌های ملی نقش فعال‌تری در مذاکرات اقتصادی منطقه‌ای و تخصیص منابع ایفا کنند؛ بی‌آن‌که چالشی با نهادهای مرکزی داشته باشند؟

در عمل اگر قرار باشد اتفاقی بیفتد، ما باید اقدام کنیم. همین حالا در حال بررسی وضعیت ۲۶۰۰ کامیون هستیم که در آن‌سوی مرز متوقف شده‌اند. برای حل این مشکل با والی هرات مذاکره کرده‌ام، اما نمی‌دانم ارتباط ایشان با مرکز چقدر است. من استاندار این منطقه‌ام، اما اختیارات لازم را ندارم. حداقل انتظار این است که وقتی وزیر از سفر بازمی‌گردد، دیداری با ما داشته باشد. بنابراین دیپلماسی اقتصادی و منطقه‌ای زمانی موفق خواهد بود که ارکان نظام به‌صورت یکپارچه تعریف شوند و هماهنگی کامل میان نهادها برقرار باشد. ما نمی‌توانیم صرفاً برای رفع تکلیف، کمیسیون مشترک برگزار کنیم، گزارش بدهیم، چند تفاهمنامه امضا کنیم و بعد هیچ خروجی ملموسی نداشته باشیم. هدف از این سفرها و تفاهمنامه‌ها باید تأمین نیازهای کشور از طریق صادرات و واردات باشد، نه صرفاً ارائه گزارش عملکرد. اجازه بدهید صریح‌تر صحبت کنیم. ما به پاکستان سفر کردیم؛ کشوری مسلمان، علاقه‌مند به ایران، با جمعیت قابل توجهی از شیعیان و روابط گردشگری و زیارتی گسترده. برنج پاکستانی در خراسان، نسبت به سایر انواع برنج خارجی بیشتری بیشتری دارد. قیمت جهانی این محصول با ارزی که بابت کالای اساسی پرداخت می‌کنیم، حدود ۲۸۴۰۰ تومان است اما قیمت مصوب بازار برای برنج پاکستانی ۶۳ هزار تومان است، در حالی که در مشهد و خراسان، کمتر از ۱۳۰ تا ۱۴۰ هزار تومان پیدا نمی‌شود. در جلسه‌ای با حضور رئیس‌جمهوری، استانداران و چند روز قبل در شورای تأمین استان خراسان با حضور وزیر اطلاعات، عرض کردم: آیا ما ۸ درصد جمعیت کشور نیستیم؟ پس چرا این سهمیه به خود استان داده نمی‌شود؟ ما تاجران معتبر و باتجربه‌ای داریم که سال‌هاست با پاکستان تجارت می‌کنند و توانایی واردات مستقیم برنج را دارند. چرا ارز ترجیحی باید در تهران به افراد اختصاص یابد؟ در مورد گوشت نیز، در پاکستان کشتارگاهی مدرن و مجهز با رعایت کامل ذبح شرعی ساخته شده است. تفاهمنامه‌ای برای واردات گوشت گرم با کیفیت به کشور امضا شده بود. این گوشت می‌تواند در کمتر از ۱۸ ساعت وارد بازار خراسان شده و حدود ۲ دلار ارزان‌تر از گوشت یخ‌زده برزیلی باشد اما امکان واردات برای ما فراهم نیست، چون ارز دولتی در تهران به افراد داده می‌شود.

آیا با بازطراحی ساختار دیپلماسی اقتصادی کشور و افزایش اختیارات اجرایی استانداران، می‌توان زمینه‌ای فراهم کرد تا استان‌ها نقش مؤثرتری در تخصیص منابع، تنظیم بازار و مدیریت روابط تجاری ایفا کنند؟

صحبت از افزایش اختیارات استانداران که می‌شود، پاسخ‌ها کلی و غیرعملی می‌شوند. آقای پزشکیان همیشه صریح می‌گویند «انجام شود»، اما در بدنه اجرایی همراهی کامل انجام نمی‌شود. ما نمی‌خواهیم یارانه ارزی برای برنج حذف شود، اما در همین ایام جنگ که تمرکز بر معیشت مردم بود، با اختیارات ویژه، برنج با ارز ۲۸ هزار تومانی وارد شد و قرار بود با قیمت ۶۳ هزار تومان عرضه شود، اما در بازار کمتر از ۱۶۰ هزار تومان نبود. تاجران با ارز آزاد برنج وارد کردند و قیمت به ۱۱۵ هزار تومان رسید. این فاصله قیمتی، سودهای کلانی برای برخی از افراد ایجاد می‌کند. در فضای جدید کشور، انتظار عمومی این است که استانداران نقش «رئیس جمهوری استان» را به‌طور واقعی ایفا کنند؛ نقشی که مستلزم برخورداری از اختیارات مؤثر و عملیاتی است. به عنوان مثال، وزارت راه و شهرسازی فارغ از شخصیت حقیقی وزیر محترم، درگیر مسائل کلان و ملی است و طبیعتاً نمی‌تواند به‌طور تخصصی به موضوعات مرتبط با افغانستان بپردازد. در مقابل، استانداری خراسان رضوی دارای معاونت تخصصی،



ساختار اجرایی و تجربه عملی در تعامل با افغانستان است. زندگی اقتصادی و اجتماعی ما با این کشور در هم تنیده و حجم صادرات سالانه ما به افغانستان بالغ بر ۲.۲ میلیارد دلار است. این سطح از مراودات تجاری، ضرورت تقویت دیپلماسی اقتصادی استان را دوچندان می کند.

استان خراسان رضوی با برخورداری از رتبه اول در ظرفیت های تولید انرژی های پاک کشور، بویژه در حوزه برق خورشیدی و بادی، از پتانسیل بالایی برای بالفعل سازی این توان برخوردار است. همجواری با کشورهای افغانستان و ترکمنستان نیز فرصت راهبردی ارزشمندی برای ایفای نقش تعیین کننده در صادرات برق تجدیدپذیر فراهم کرده است. در این راستا چه اقدامات اجرایی، زیرساختی و نهادی در سطح استان برای بالفعل سازی این ظرفیت ها انجام داده اید؟

استان خراسان رضوی با دارا بودن رتبه اول در ظرفیت تولید انرژی های پاک، بویژه برق خورشیدی و بادی، پتانسیل بالایی برای توسعه این حوزه دارد. خوشبختانه روند بهره برداری از این ظرفیت ها در دوره مدیریت فعلی آغاز شده و همجواری با کشورهای افغانستان و ترکمنستان نیز فرصت صادرات برق تجدیدپذیر را فراهم کرده است. اگر این ظرفیت ها شکوفا شود، صادرات انرژی پاک به این کشورها کاملاً قابل تحقق خواهد بود. در زمینه توسعه انرژی های تجدیدپذیر، اقدامات مهمی صورت گرفته است. هرچند ورود به حوزه انرژی بادی با تأخیر انجام شد، اما به دلیل کسری برق و ناترازی شبکه، ناگزیر به آغاز این مسیر شدیم. استان خراسان رضوی در حوزه انرژی خورشیدی شرایط استثنایی دارد و در مناطق خواف و بینالود نیز تونل های باد بسیار مناسبی برای تولید انرژی بادی وجود دارد. بر اساس برنامه ملی، هدفگذاری تولید ۳۰ هزار مگاوات برق خورشیدی تا سال ۱۴۰۶ انجام شده که سهم استان خراسان رضوی از این رقم، ۳۰۰۰ مگاوات است که امیدواریم با تلاش های صورت گرفته زودتر از موعد مقرر به سرانجام برسد. در حال حاضر طی

دو مرحله رفت و برگشت، تفاهمنامه ای به امضا رسید که بر اساس آن، اختیارات به صورت واقعی و عملیاتی به استان تفویض شد. هم اکنون از مرحله ابتدایی تا صدور مجوز و پروانه و همچنین هماهنگی های بین دستگاهی در سطح استان، با سرعت و دقت در حال انجام است و در کمتر از ۷۲ ساعت، مجوز احداث نیروگاه خورشیدی برای سرمایه گذاران واجد صلاحیت صادر می شود. در حوزه واگذاری زمین نیز فرآیند تسهیل شده است. در کنار این اقدامات، پروژه های بزرگ مقیاس هم در حال اجرا هستند؛ پروژه هایی با ظرفیت بالای ۲۰۰ مگاوات که توسط شرکت های توانمند و سرمایه گذاران معتبر دنبال می شوند. خوشبختانه استقبال خوبی از سوی این مجموعه ها در استان صورت گرفته که جای قدردانی دارد. رویکردی که ریاست محترم جمهوری اتخاذ کرده اند و به نظر بنده نیز کاملاً صحیح است، بر مشارکت واقعی مردم در حوزه انرژی های تجدیدپذیر تأکید دارد. این مشارکت نه تنها در تولید برق مؤثر است، بلکه حس تعلق، همکاری و مسئولیت پذیری را در جامعه تقویت می کند. همچنین در حوزه صنعت، همراهی مدیران واحدهای صنعتی بسیار چشمگیر بوده است. نیروگاه های سقفی در کارخانه ها با سرعت قابل توجهی در حال توسعه اند. به عنوان نمونه، دو هفته پیش نیروگاهی با ظرفیت ۴.۵ مگاوات روی سقف یکی از کارخانه ها افتتاح شد و پروژه های مشابهی نیز در دست اجراست.

در حوزه کشاورزی چه اقدامات اجرایی و زیرساختی برای توسعه انرژی های تجدیدپذیر در سطح استان انجام شده است و چه برنامه هایی برای گسترش آن در دست دارید؟

در حوزه کشاورزی که به دلیل ماهیت زنده محصولات، حساسیت بالایی نسبت به تأمین برق دارد، اقدامات قابل توجهی انجام شده است. تاکنون ۶۴۱ حلقه چاه کشاورزی به پنل های خورشیدی مجهز شده اند. بسیاری از این چاه ها دارای سهامداران خرد هستند و طبق محاسبات، حدود ۲۲ هزار نفر، ذی نفع مستقیم این پروژه ها هستند. به طور مثال، در یکی از پروژه ها، ۱۷۰۰ نفر با سرمایه گذاری ۱۰۰ میلیارد تومانی، نیروگاهی با ظرفیت ۳ مگاوات راه اندازی کردند که دستاوردی بزرگ محسوب می شود. ساختاری که در ستاد انرژی های نو استان طراحی شده، ساختاری شفاف، کارآمد و پاسخگو است، به طوری که برخی استان ها با الگوبرداری از این مدل، پیشنهاد اجرای آن را مطرح کرده اند. ما این ساختار را «ستاد ۲۴ ساعته» می نامیم که همواره آماده پاسخگویی و اقدام است. امیدواریم با بهره گیری از این فرصت ها، بتوانیم گام های مؤثری در حل چالش های برق کشور برداریم.

استان‌ها و ارتقای آن در سطح ملی دارید؟

با برگزاری جلسات منظم و همراهی مؤثر بخش خصوصی، عملکرد شورای گفت‌وگوی استان خراسان رضوی بسیار قابل توجه بوده است. در ارزیابی‌های انجام شده، این شورا موفق شد رتبه اول کشور را کسب کند؛ موفقیتی که حاصل کمیت و کیفیت بالای مصوبات، پیگیری‌های مستمر، حل مسائل کلیدی و ارائه پیشنهادها راهبردی به دستگاه‌های ملی بود. یکی از نتایج ملموس این تلاش‌ها، بهبود چشمگیر فضای کسب‌وکار استان است. در ابتدای سال ۱۴۰۳، خراسان رضوی در رتبه ۲۲ کشوری قرار داشت، اما با ایجاد فضای تعاملی مناسب، برگزاری نشست‌های تخصصی، رفت‌وآمدهای هدفمند و جلب اعتماد سرمایه‌گذاران، این رتبه به تدریج ارتقا یافت. مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی که هر فصل شاخص‌های فضای کسب‌وکار را ارزیابی و اعلام می‌کند، در دو فصل اخیر رتبه اول کشور را برای خراسان رضوی ثبت کرده است. از جمله اقدامات مؤثر، برگزاری منظم جلسات «یکشنبه‌های اقتصادی» بوده است. این جلسات هر هفته از ساعت ۶ تا ۸ صبح با حضور بزرگان اقتصادی هر صنف، به محوریت اتاق بازرگانی و در دفتر استاندار برگزار می‌شود. در این نشست‌ها، مسائل صنفی مطرح و بررسی شده، مصوبات جلسه قبل مرور می‌شود و دستگاه‌های اجرایی مرتبط نیز در فرآیند حل مسائل مشارکت دارند. این مدل گفت‌وگو محور، کارکرد بسیار موثری داشته و به عنوان بستری برای تعامل سازنده میان دولت و بخش خصوصی شناخته می‌شود. در مجموع، این روند نه تنها موجب ارتقای رتبه فضای کسب‌وکار استان شده، بلکه امید و اعتماد تازه‌ای در میان فعالان اقتصادی ایجاد کرده است؛ فرصتی ارزشمند برای جذب سرمایه‌گذاری‌های مؤثرتر در آینده.

تجربه استان در مدیریت خروج اتباع افغانستانی از مرز دوغانون نشان داده ظرفیت نهادهای محلی، کارفرمایان و شرکت‌های پذیرنده می‌تواند نقش مؤثری در ساماندهی وضعیت اتباع ایفا کند. چه برنامه‌ای برای بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها در ایجاد نظام احراز هویت، پیگیری وضعیت اقامت و تأمین همزمان امنیت ملی و نیازهای اقتصادی منطقه در نظر گرفته‌اید؟

در موضوع اتباع غیرمجاز، استان خراسان رضوی طی ایام گذشته بیشترین حجم خروج اتباع از کشور را تجربه کرده است؛ به طوری که از مجموع حدود ۹۷۰ هزار نفر، بیش از ۶۰ درصد از طریق مرز دوغانون و از خراسان رضوی خارج شده‌اند. در طول مدت حضور این افراد در استان، تلاش ما بر آن بود که کرامت انسانی آنان حفظ شود، امکانات مناسبی در اختیارشان قرار گرفته و فضای برخورد، محترمانه و انسانی باشد. این افراد به دلیل شرایط خاص حاکم بر کشور افغانستان، ناگزیر به حضور در ایران بودند و ما نیز با احترام، پذیرایی کردیم و هزینه‌هایی را متقبل شدیم تا بازگشت آنان به کشورشان با عزت انجام شود. با این حال، همچنان تعداد قابل توجهی از اتباع افغانستانی در داخل کشور حضور دارند و موضوع ساماندهی آنان در استان خراسان رضوی به عنوان یک اولویت مطرح است. در همین راستا، پیشنهاد جامع و مفصلی برای ساماندهی اتباع به وزارت کشور ارائه شده و طی جلساتی با وزیر محترم کشور، درخواست تفویض اختیار به استان برای اجرای این ساماندهی مطرح شده است. اصل موضوع این است که ورود اتباع افغانستانی به کشور باید بر اساس دلایل روشن و مستند صورت گیرد و صدور ویزا نیز متناسب با نوع درخواست (اعم از ویزای کاری، تحصیلی یا درمانی) انجام شود. در استان خراسان رضوی، هماهنگی‌های لازم با وزارت امور خارجه در حال انجام است تا حتی در موارد صدور ویزای کار، کارفرما مشخص و شرکت پذیرنده از ابتدا معلوم باشد. این روند اکنون در حال شکل‌گیری است، اما هنوز به ساماندهی کامل و مؤثر نرسیده‌ایم. با توجه به کاهش صدور ویزا در شرایط فعلی، ضرورت دارد فرآیند ساماندهی اتباع تسهیل و نظام‌مند شود. در همین زمینه، مذاکرات مفصلی با آقای عراقچی وزیر امور خارجه انجام شده تا بتوانیم چهارچوبی مناسب‌تر و پایدارتر برای مدیریت این موضوع در استان طراحی و اجرا کنیم. /ایران

به‌رغم وعده‌های مکرر مسئولان در خصوص اجرای پروژه‌های زیرساختی کلان نظیر آزادراه حرم تا حرم و قطار برقی مشهد به تهران، تاکنون اقدام عملی ملموس و قابل اتکایی در این زمینه‌ها مشاهده نشده است. افکار عمومی به درستی خواهان شفاف‌سازی درباره وضعیت فعلی این طرح‌ها هستند. آیا خبر امیدوارکننده‌ای از پیشرفت این پروژه‌ها برای مردم دارید؟

خبر خوب اینکه در سفر اخیر رئیس‌جمهوری به چین، پروژه قطار برقی در مسیر شرق به غرب کشور، از سرخس تا تبریز، در تفاهمنامه‌ای با طرف چینی به عنوان یک کریدور اصلی ریلی و جاده‌ای مطرح شده و سرمایه‌گذاری در این بخش در دستور کار قرار گرفته است. این پروژه اکنون بودجه دارد و اجرای ۱۰ درصد ابتدایی آن آغاز شده است. امیدواریم با توجه به حجم بالای ترافیک بین مشهد و تهران، این قطار سریع‌السیر به‌زودی عملیاتی شود. این طرح از مطالبات جدی مردم استان و کشور بوده و همواره مورد تأکید مقامات ارشد قرار داشته، اما در عمل با فراز و فرودهای زیادی مواجه شده است. جلسات متعددی در سطح ملی، سازمان مدیریت، وزارت راه و شهرسازی و همچنین استانداری برگزار شده و همه متولیان دعوت شده‌اند تا روند اجرایی آن را پیگیری کنند. البته هزینه‌های بالای این پروژه یکی از چالش‌های اصلی آن است. در مورد آزادراه‌ها نیز باید گفت شرق کشور، بویژه استان خراسان، از نظر زیرساخت‌های جاده‌ای بسیار فقیر است. از مجموع بیش از ۳ هزار کیلومتر آزادراه در کشور، سهم مشهد کمتر از ۳۰ کیلومتر است. این در حالی است که سالانه بیش از ۳۰ میلیون زائر به مشهد سفر می‌کنند؛ یعنی تقریباً هر سه سال یک بار، به اندازه کل جمعیت کشور به این شهر می‌آیند. این حجم از تردد، نیازمند توسعه جدی زیرساخت‌های حمل‌ونقل در شرق کشور است.

با توجه به موفقیت شورای گفت‌وگوی استان در ارتقای فضای کسب‌وکار، چه برنامه‌ای برای تعمیم این مدل به سایر

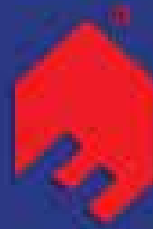
DASANI

Trademark Regd.

آب آشامیدنی حاوی مواد معدنی
برای طعمی تازه و گوارا



شرکت تولیدی و صنعتی سامد



تولید کننده:

فرمالین

رزین اوره فرمالدئید (UF)

رزین ملامین فرمالدئید (MF)

فرم اوره (UFC)

چسب های پایه حلالی

چسب های پایه آبی

مشهد - خیابان ۲۷ بزرگراه قزوین
استادان پستی: ۹۱۳۲۵-۴۵۶۶
تلفن: ۰۵۱۳۲۹۶۶۱-۰۵۱۳۲۹۶۶۲
فکس: ۰۵۱۳۲۹۶۶۱۸
دفتر تهران: تلفن: ۰۲۱۸۸۷۷۶۳۵-
۸۸۷۹۰۶۶۹, ۸۸۷۹۰۶۸۰
فاکس: ۰۲۱۸۸۷۹۵۳۵



www.samad.ir - samadi@samad.ir

چسب دتشهد
اتصال ناگسستنی در صنایع ایران